اقلیت عرض میکنم که اقلیت کاندیدای رئیس‌الوزراء و کاندیدای هیچ وزیری را ندارد وهیچ تقاضائی هم ندارد اقلیت این کرسی خطابت را دارد که بیاید در اینجا و اعمال اکثریت را تنقید نماید و خیالات خودش را بعموم مردم بفهماند اگرشنیدند چه بهتر اگر نشنیدند که خود را مسئول نداند و در انتخابات جدید از تنقیدات خودش فایده ببرد و بگوید این اکثریت بود که این کار ها واین خطا هارا کرد این اکثریت بودکه حقوق شما را نگاه نداشت این ها را بیینید این دفعه از این حزب انتخاب نکنید و ماهمین طوریکه اعمال آنهارا تنقید کردیم همین طور کار هارا اداره میکنیم وترتیب اموراترا می دهیم این عقیده سیاسی بنده بود بعضی آن چیزیکه بنده مختصراً از ترتیب مشروطیت می دانم این ها است که عرض کردم واینکه ما تا امروز هرچه خواستیم از مشروطیت استفاده بکنیم نتوانستیم بواسطه این بوده است که این چرخش را درست کار نگذاشته ایم و بنده که می گویم احزاب سیاسی در مجلس باید علنی باشد برای یك نظر عمده است که دارم و آن نظر این است که امروز که احزاب درمجلس علنی نیست اگرا کثریت یك کاری بکند بمجلس بر میخورد میگویند مجلس ومشروطیت این خلاف را کرد اما وقتی که احزاب سیاسی معین بشود نمی گویند مشروطیت خلاف کرد و از مشروطیت کسی بدنمی گوید وهیچ تنفری از مشروطیت برای مردم حاصل نمیشود همه می گویند این حزبی که در مجلس اکثریت داشت خلاف کرد و از آن حزب متنفرمی شوند ولفظ مشروطیت را همان طور که مقدس است مقدس می گذارند این است فایده علنی شدن فرق ولی چون این مسئله نشده است این است که این کار هائی که در این مدت شده شمشیر دست از چیعیون شده است و می گویند این مشروطیت است که نتوانست کار بکند نمی گویند این اکثریت نتوانست کار بکند واین دفعه اگر اقلیت انتخاب بکنید بهتر کار خواهند کرد بالاخره بنده بعد از تمام این زیاد گوئیها چند تقاضا دارم ۱ اگر آقایان میل دارند جواب بدهند اگرچه نباید این اظهار را بکنم اماچون طرف اقلیت هستم ودراقلیت واقعم باید بگویم و درخارج مدلل بکنم اولا میخواهم ازاین اکثریت در کمال ادب واحترام سؤال بکنم که این (مائی) که میفرمائید تشکیل اکثریت داده است می‌فرمائید(ما) ۴۸ نفرهستیم بهبنده معرفی بفرمائید دویم اینکه این (ما) که دارای اکثریت است ازچند عنصر تشکیل یافته است و مرکب از چند فرقه است واحزب مختلفه رامعین بکنید و پس از آن اگر ممکن است و محرمانه نیست اگر چه در مملکت مشروطه هیچ محرمانه نیست آن پروگرام آن(بلوك) آن نوشته اتلاف را که نوشته اند ارائه بدهید که ماهم بدانیم که میخواهید بمضمون کدام اتلاف نامه دیپروگرام رفتار بفرمائید برای اینکه امورات مملکتی لابد بیك ترتیبی که در نظر گرفته اید و روی کاغذ آورده اید می‌خواهید اداره بکنید نه اینکه بفرمائید [ما] اکثریت داریم هیچ بشما نشان نمیدهیم میگذاریم توی جیب خودمان و هیچ نمیگوئیم شماهم دراقلیت هستید هروقت آمدید حرف بزنید تقاضای رأی می کنیم چهل دهشت رأی میگیریم براینکه شما مهمل میگوئید ولی این ترتیب گویا ترتیب مشروطیت نباشد وبنده ولواینکه دراقلیت واقعم واکثریت مرا تکذیب میکند لازم میدانم که این استفاده را بکنم که معین بفرمائید که این احزاب سیاسی چیست وپس از آنکه معین کردند آراء هر کدام از این حزبها راهم معین بفرمائید که هرحزبی چند رأی دادند وبنده چون بی‌پرده عرض میکنم لازم می‌دانم عرض کنم که یك روزی از آقای مشیر حضور اگرچه ایشان را بنده می‌شناسم که از حزب اتفاق و ترقی هستند ولی چون بنده از هریك می‌پرسم سئوال کردم ایشان فرمودند ازحزب اتفاق و ترقی هستم وغیراز من هم باز هست و بنده نمی‌توانم فرمایش ایشان‌را رد بکنم زیرا که بعداز این جواب ایشان ازهر کسی سئوال میکنم که شما ازحزب اتفاق وترقی هستید جواب نمی‌دهند میگویند آن روزیکه پرده‌ها برداشته شد معلوم می‌شود ولی امیدوارم که آنروز صحرای قیامت نباشد در این دوره مشروطیت ودراین دوره تقنینیه ودراین مملکت باشد زیرا که ما می‌خواهیم از این مشروطیت استفاده بکنیم و برای این مملکت کار بکنیم و الا بعد از اینکه این وکلا مدت انتخابشان تمام شد ورفتند کهفائده نخواهدداشت پس خوب است معین بکنید که این احزاب سیاسی کیها هستند بنده حقیقة عرض میکنم که فرضاً یك ۴۸ نفر اسمی اینجا نوشته شده است آیا باید دانست که این ۴۸ نفراسمی که نوشته شده است کی‌ها هستند ودارای چه مسلکی می‌باشند یاخیر مثل اینکه بعضی از آقایان هستند مثل آقایان حاج سید نصرالله آقای مشیرالدوله آقای مؤتمن‌الملك دکتر علی‌خان که در روز انتخاب رئیس هم عرض کردم ونمی‌دانم که ایشان هم جزو این حزب اکثریت هستند یانیستند می‌خواهم بدانم نه تنها خودم بلکه تمام افراد این مملکت می‌خواهند بدانند تااینکه بدانند مسئول این مملکت کیست وچه اشخاصی جزء این اکثریت هستند و هر کرفانع نیستم یعنی متقاعد نمی‌شوم بااینکه بگویند هرروز که آقای نایب‌السلطنه هیئت وزراءرامعین و می‌فرستند بمجلس آن روزورفه سفید آبی معین وپیدا خواهد شد برای اینکه دراین مدت هرچه اکثریتی که در این مجلس حاصل می‌شد فردای آن روزمی‌بینیم که تغییر پیدا کرد پس نه تنها ما بلکه تمام ملت باید بدانند که یك اکثریتی درمجلس هست وآن اکثریت کیست وآن اوراق سفید وآبی ثابت است یااینکه فردای آن روزناپیدا خواهدبود .

متین‌السلطنه — در اینکه درمجلس یك اکثریتی لازم است دراین هیچ حرفی نیست واین را شاهزاده سلیمان میرزاخوب بیان فرمودند که تابحال یك اکثریتی ثابته درمجلس نبوده است بلکه اکثریت همیشه متزازل بوده است و بهمین جهت است واگر رجوع بسابقه کارهائیکه ازمجلس گذشته است بکنیم خواهیم دید که عقاید سیاسی آن دسته که خودشان را دارای اکثریت می‌دانسته‌اند ابداً دخیل در جریان کارهای سیاسی وکارهای مملکتی نبوده است وجهتش هم واضح است جهتش این است که آن فرقه وحزب اقلیت یك طریقه مشی معینی داشتند که از روی آن راه میرفتند ولی آن فرقه یا اکثریت معرفی می‌شدند یك طریقه مشی معینی اتخاذ نکرده بودند این بود که خواهی نخواهی عقاید اقلیت مدخلیت داشت و فرقه اقلیت حاکم بود پس اگر بخواهیم مسئولیت گذشته وتا بامروزرامعین کنیم باید بعهده اقلیت بگذاریم ولی حالا امیدوار هستیم باظهاراتیکه والا حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه شده است اکثریت درمقام برآیند وبدانند که چه می‌خواهند ولی برای اینکه اقلیت هم می‌دانند که اکثریت چه می‌خواهد لازم شد که حزب اکثریت مقاصد خودش‌را اظهار بدارد وحزب اقلیت از قراریکه خودشان گفتند از حیث عده همیشه اقلیت داشته‌اند لکن چنانچه عرض شد بواسطه آن روش متعددانه اقلیت حاکم بوده ولی این را نیز بباید دانست اگر چه در آتیه عقاید این اکثریت کاذب نشود باز سلب مسئولیت از اقلیت نخواهد کرد زیر اگر غیر از این باشد در واقع آن وقت اکثریت اجازه داده است بیك هیئتی که در مقابل اکثریت اقدامائی بکنند که شاید پسندیده نیست درهرحال آن اشخاصی که درعقاید خودشان بهم نزدیك بوده اند یك اکثریت ثابتی تشکیل داده اند ودر یك مواد عملی اتحاد کرده‌اند که ربطی بامال و آرزوهای مملکتی ندارد وخود بنده عقیده ام این است که اگر سئوال بکنید کدام حزب من حیث المسلك که تا بحال اکثریت داشته است نمی‌توانم بگویم اجتماعیون اعتدالیون از حیث عده اکثریت داشته‌اند یاحزب دیگر پس برای تشکیل یك اکثریت ثابت پارلمانی زیك فرقه سیاسی این‌جا گمان نمی کنم اکثریت تام حاصل شود و لازم است باینطوریکه گفته شد ائتلاف احزاب و فرق شود یعنی در یك پروگرام عملی اتحاد کنند چنانچه یك عده این اتحاد را نموده اندواین است در این هفت ماهه این پروگرام عملی را بموقع اجرا بگذارند تفاوت این پروگرام عملی باآن پروگرام مالی این است که شاید بالاخره هیچ مخالفی نداشته باشدو فوائدی که این دارداین است که معایبی که درکابینه آقای مستوفی‌الممالك واردآمد در آینده وارد نخواهد آمد تمام آقایان بخوبی در نظر دارند که وقتی که کابینه مستوفی‌الممالك معین شد یك پروگرام مالی ارائه دادند که هیچوجه ممکن نبود که بآن پروگرام نائل شد یك جزء پروگرام تعمیم معارف بود چنانچه در تمام پروگرام های مختلف مسلکهای مختلف این مطلب هست واین را نمی‌توانیم بگوئیم پروگرام عملی است یعنی بدانیم که این تعمیم معارف از کجا شروع شده و یا بچه شکل اقدام می‌شود حالا این اکثریت یك پروگرام عملی درنظر دارد که صریح وواضح است ودراین چند ماهه قابل اجرا خواهد ودایکه گفتند رأی بالاتفاق درباره آقای مستوفی‌الممالك داده شد ونردای آن روز مخالف پیدا شد صحیح است وبرای اینکه آن موقعی که رأی بالاتفاق میدادند نمی‌دانستند برای چه رأی می‌دهند بعد که یك اتفاقی میافتاد که شاید

برخلاف مصلحت عامه پدیدند بوظیفه وکالت خودشان عمل می کردند واستیضاحات بود که خواسته میشد پس برای اینکه این اتفاق نیفتد یعنی ازکابینه که بمجلس معرفی می‌شود بی‌جهت استیضاح وسؤالهای بی‌موقع نشود یااینکه معلوم شود ازکابینه چه می‌خواهند نتیجه این شد که آن اکثریت که ثابت خواهد شد مواد عملی خودشان راروی کاغذ بیاورند وازکابینه بخواهند وآن مواد آرزو وآمال نخواهد بود چیزی است که دراین دوره می‌توانند اجرا نمایند حالا میگویند آن اشخاصی که این پروگرام رادادند معرفی شوند واین موادرا بیاورند هردوی اینها خوب است لکن از عقیده بنده این است که تجزیه باین عنوان که گفته نشود بااینکه همه می‌دانند که تابحال اختلافات شخصی کمتر بود بلکه بیشتر اختلافات پلتیکی بود معذلك چقدر درخارج از این نظریات مختلفه سوء استفاده کرده‌اند واین درصورتی بود که در خارج این تجزیه معلوم نشده بود واگر درخارج هم معلوم شود خواهید دید که چقدر سوء اثر می‌بخشد مهمذا هیچ اصراری نداریم دراینکه آن اکثریت ثابت درمجلس معلوم نشود وخودش‌را بسایرین معرفی نکند وبلکه موادی را که نوشته‌اند بسایرین ارائه دهند شاید بالاتفاق پذیرفته شود این است نظریات بنده راجع باکثریت و پروگرام عملی یك چیز دیگر هم لازم است دراینجا گفته شود وآن این است که والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه دردستخط آخری خودشان وهم در دستخط اولی اشاره فرموده بودند بلکه تاکید و اصرار فرموده بودند باین مطلب که استعفای آقایان وزرا ودست کشیدن آنها از کار صحیح نیست و قانونی نیست واین لازم است اینجا گفته شود که نمایندگان محترم همه متوقع خواهند بود که این رعایت را آقایان وزراء بکنند ومادامی که وزرای جدید معرفی نشده‌اند دست ازکارنکشند ملاحظه بفرمایند یك مستخدم کوچکی را هیچکس و هیچ قانونی اجازه نمیدهد که قبل از آنکه دیگری بجای او نیامده است دست ازکار بکشد چگونه میتوانیم و چه طور تصور میشود که رئیس‌الوزرای یك مملکتی اینطور دست از کار بکشد و روند خانه خودشان بنشینند امیدوار هستیم که ایشان کناره نکنند ومشغول کار بشوند تا کابینه بمجلس معرفی شود والبته آنها هم پروگرام عملی را می‌بینند وپروگرام خودشان را مطابق آن می نویسند و نمایندگان هم مطابق همان پروگرام از آنها عمل خواهند خواست ولی مادامی که اینکار نشده است دست کشیدن از کار بر خلاف هر قانون ومضر بحال امروزی است [بعضی اجازه خواستند واظهار کردند که دراین خصوص اید مذاکره شود که خیلی مهم است]

رئیس - صحیح است ولی آقایان تشریف نمی برند اگر باید مذاکره بشود تشریف نبرند تا مذاکرات بشود حالا عده کافی نیست .

حاج آقا - این یك مطلب مهم فوق العاده است که مذاکره شده باید مذاکره شود و نتیجه از آن گرفته شود .

وزیر امورخارجه - هر کسی قانوناً حق استعفا دارد وهیچ کس نمی‌تواند بگوید کسی حق ندارد استعفا بکند مشکلات مملکت را هم وزراء زودتر ازهمه حس میکنند آنروز مرحوم صنیع‌الدوله کشته شد جهتش چه بود شاهزاده عین‌الدوله هم که وزیر داخله بود مدتی است نیست همه میدانید که وزیر عدلیه هم نبوده است یك هیئتی که چهار نفر هستند اینها مانده‌اند آقای مستوفی‌الممالك هم که تشریف نداشته‌اند لکن این چهار نفر در کمال سختی وجدیت مشغول کارند ونگفتند استعفا میکنیم وخدمت هم می کنند ولی از آنجائی که مشکلات مملکت را باین حد دیدند ناچارند که اظهار بکنند که بایستی زودتر نهایت باینکار داده شود، و آقایان کلنیك های بنده کاری بحزب وفرقه واین حرفها نداریم لکن میخواهم عرض کنم این مذاکرات چقدر طول می کشد نمی دانم آن یك مطلب علیحده است ولی کار مملکت را نمی توان تاخیر انداخت ومنتظر این حرفها شد امروز نمی شود این مطلب را به فردا انداخت اگر اکثریت مجلس همین طوریکه مسی فرمائید ومعتقدید باینکه صحیح است کاملا حاضر است عده‌اش یك کمیسیونی منتخب کنند بفرستند که باآقای نایب‌السلطنه مذاکره کنند وداخل کار شوند ومملکت را بیش ازاین معطل نگذارند .

[دراین موقع بعضی اجازه خواسته بودند .]

حاج آقا - اجازه میفرمائید

رئیس - نوبت بشما نرسیده است —(حاجی آقا این مسئولیت که گفته شد اینها تعمیم داشت وشامل همه بود باید توضیح شود اجازه بفرمائید عرض کنم .)

رئیس — سی نفر اجازه خواسته‌اند و ده نفر مانده است تا بعضر تعالی برسد و کافی نیست پس آقایان تشریف نبرند که مذاکره شود .

هشترودی - به بنده اجازه بدهید دو کلمه اینجا لازم است عرض کنم وبنده پروتست کردم بهردو طرف بجهت اینکه ازهردو طرف خارج از موضوع صحبت میشود .

وزیرجنك — بنده مکرر دیده‌ام که در جراید فرانسه نوشته اند که اتفاق افتاده است که پارلمان ۲۴ ساعت ۴۸ ساعت سه روز متوالیاً کار کرده‌اند یعنی کار مهمی اتفاق افتاده است که در سه شبانه روز چهار پنج ساعت خوابیده‌اند والباقی را کار کرده‌اند برای یك کار عمده که پیش آمده است واین مسئله راکه آقای نایب‌السلطنه نوشته‌اند و اینجا هم مکرر مذاکره شده است و امروز هم اهمیت دارد باید خیلی مدانه ومذاکره بشود وخیلی وقت لازم دارد لکن بنده یك چیزی را لازم است عرض کنم که چون بنده هیچ وقت از پلتیك ژنرال حرف نمی زنم ازکار سربازی خودم حرف نمیزنم همیشه عرض میکنم کار وزارت جنك بقدری مهم است که هرساعت بنده منتظر یك اقدام ناگواری هستم ازتبریز وشیراز وجاهای دیگر بهتر این است که هرچه زودتر تعیین تکلیف شود وزود وزرای مسئول معلوم شوند راست است که ماها حاضر باشیم وکار بکنیم بنده پریروز تب کردم حالاهم تب دارم اما وجود من فایده ندارد من طرفم وزیرمالیه است باید او حاضر باشد با او مذاکره کنم که فلان پول را بقشون فارس برساند . بنایب السلطنه میگویم میگوید من طرف نیستم بوزیرامورخارجه میگویم میگوید من وزیر امور خارجه هستم بکی بگویم یك طرفی من باید دردست داشته باشم مکرر این مسئله را بنده چندین مرتبه علیحده علیحده بوکلا گفته ام که موقع خیلی باریك است و خیلی مهم است باید فکر کار های مملکتی باشید حالا لازم است دراین ساعت دراین دقیقه فوراً درمجلس علنی بگوئید که اکثریت با فلان حزب است یافلان فرقه است بروید بنایب‌السلطنه برسانید ثابت کنید که این اکثریت ما ها هستیم تا ارهم کابینه راکه مطابق اکثریت است بمجلس معرفی کند بما مربوط نیست که با احزاب طرف باشم میخواهیم این ساعت حال مملکت را بفهمیم میخواهیم اول بفهمیم بدانیم که وزیر هستیم یا نیستیم اگروزیرهستیم برویم طرح های خود را پیدا کنیم اگروزیر نیستیم برویم خانه های خودمان بی‌کار خودمان باشیم .

ادیب‌التجار — موقع مملکت باریك تر از این است که بمحض مذاکره یاگفتگو یا خدای نکرده ببعضی چیزهای دیگر که تصور نمی کنم در اینجا باشد وآن شخصیت ونفسانیت است که انشاء الله در این مجلس نیست اظهاراتی که در اینجا شد چند مسئله بود یکی ازآنها راجع بدستخط آقای نایب‌السلطنه درخصوص اکثریت و یکی درخصوص وزراء اینجا صحبت شد اما در خصوص اکثریت اکثریت بوده است ومن سلب نمیکنم مسلك را از آقایان البته مسلك داشته اند لکن آن اکثریت مسلکی که مقایسه کنید با ممالك خارجه آن نبوده است بجهت اینکه اشخاصی که آنهارا وکیل کرده‌اند خودشان مسلك نداشته اند یعنی مسلك های فرق سیاسی اروپا را نداشته اند یعنی بنده را اشخاصی که انتخاب کرده‌اند فرق سیاسی نبوده‌اند لیبرال ها نبوده اند دموکراتها نبوده اند فرقه اجتماعیون اعتدالیون نبوده اند . کنسرواتور هم نبوده اند بنده را موکلین من وکالت داده‌اند که حفظ حقوق آنهارا بکنم باندازه که بتوانم و همینطور هم در مسلك مستقیم خودم با آن اندازه که توانسته ام رفتار کرده‌ام ووظیفه خودرادرحفظ حقوق موکلین خودم بجا آورده‌ام واما اینکه والاحضرت آقای نایب‌السلطنه اشاره فرمودند باحزاب که احزاب هستند لفظ احزاب را من سابقاً از تلگراف مارکشان شنیدم که حالا وجود خارجی پیدا کرده است عقیده‌شان این است که این احزاب ازروی یك قاعده صحیح باشد یعنی عقیده‌شان این است که پارلمان پارلمان بشود باین جهت این یك حزبی که هستند ومختلطند برای حصول مقصود آقای نایب‌السلطنه که فرموده‌اند یك اکثریت ثابتی باید درمجلس باشد و در تاریکی کار نکنیم و علنی کار بکنیم فرمودند که یك اکثریت ثابتی حاصل شود درمجلس که چهار روز دیگر که وزراء معرفی شدند درمجلس برخلاف آنها رفتار نشود و اگر رفتار شد آن اکثریت حافظ آنها باشد و از آنجائی که آقای نایب‌السلطنه را منتخب عموم ملت

www.iran-archive.com

می‌دانسته‌اند باین‌جهت هیئت اکثریتی تشکیل شده است و بنده‌هم ازآن حزب اکثریت هستم وخرابی های گذشته‌را این حزب میخواهد مرمت بکند و به حضرت رئیس هم گفته شد که اکثریت هست و مقصودشان و نظرایشان این‌است چون مرامنامه یك چیز اساسی است که برای بیست‌سال سی سال‌دیگر باید کاملانوشته‌شود ما در این چندین ماه که‌آمدیم در این مجلس نشستیم نتوانستیم کارهای جزئی که برای این‌موکلیت مالازم است از هیئت‌دولت‌بگیریم چطور می‌توانستیم باین‌زودی یك مرامنامه بنویسیم و این‌را تجربه کردیم که آقای رئیس‌الوزراء آمدند اینجا و پروگرام اساسی ومرامنامه خودشانرادادند به مجلس و آنها را هم دیدیم که چطور اجرا شد لهذا ماها بی غرضی خودمانرا ثابت می‌کنیم و با اینکه احزاب مختلف هستیم با هم ائتلاف میکنیم و پروگرام خودمان را معین می‌کنیم لذا بجهت بقیه این ایام وکالتمان بطور فوریت موادی‌نوشته‌و تقدیم رئیس مجلس کردیم و تقدیم حضور آقای نایب‌السلطنه‌هم میشود و عنقریب قلب مبارکشان‌را مطمئن خواهیم کرد واما درخصوص‌استعفای آقای رئیس الوزراء واظهارات والا حضرت نایب‌السلطنه خودشان فرمودند که این استعفا بی‌محل بوده است این‌استعفا بی‌قانون بوده‌است‌این‌راازدولت‌مبارکشان شنیده‌ام و اما آقایان وزراء شش‌ماه است سر کار بوده‌اند امروز که‌حضرت نایب‌السلطنه‌تشریف‌آورده اند همین دوروزه متزلزل شده‌اند و با این تاکید هم که وکلا میکنند و این ترتیبی که وکلا یك اکثریتی پیدا کرده‌اند که مملکت اداره‌شود و یك ترتیبی در امورات حاصل کرده شما تزلزل پیدا کرده‌اید تا آنساعتیکه‌درمسندوزارت‌هستیداداره‌مملکت مسئولیتش‌باشما‌است‌درکارباید باشید واما‌اینکه‌اینجا بعضی‌ازآقایان‌اظهار داشتیدکه اکثریت خودشان را معرفی بکنند ومعین بکنندبنده گمان‌می‌کنم‌درخارجه همچنین‌چیزی‌نباشد که‌یکان‌یکان‌بیایندخودشان‌رامعرفی بکنندکه ما جزء این اکثریت هستیم بنده بجهت اهد لزوم این‌مملکت وبجهت این که آقای نایب السلطنه فرمودند که اکثریت ثابت باید در مجلس معین باشد جزء این‌اکثریت‌شده‌وجزء آن‌اکثریت هستم سبب این اکثریت اصول کارهای این مملکت رامرتب بکند یعنی کابینه باستظهار این اکثریت کارها را مرتب بکنند و امیدوارم این اکثریت کمال همراهی باآن کابینه که والا حضرت‌اقدس آقای نایب‌السلطنه معین می فرمایندتاآخرین‌نفس همراهی کنند .

معاضد الملك ـــ اینجا خیلی‌مذاکرات مختلف شد وبنده چیزی که‌حس کردم سه مقصود اینجا بنظر بنده‌رسیدکه آنها را یاد داشت کردم که بنظر بنده باید در آن مقاصد فرد فرد قدری مذاکره شود یکی مشروطیت است دویم اکثریت است سیم مسئولیت بعداز آنکه این سه‌فقره معلوم شد و ثابت شد داخل پروگرام و مسلك می شویم خیلی تمجید می کنم نطق شاهزاده سلیمان میرزا راکه فرمودند مشروطیت بمنزله یك ماشینی است مثل ساعت ودارای چرخهای معین که‌اگر یکی‌از آنها منفقود شد ساعت ممکن نیست‌کار بکندوتمام چرخهای دیگر از کار می ماند پس‌ماباید ببینیم ملت آنکه ۱۵ ماه بلکه ۱۶ ماه است که‌مجلس شورای ملی افتتاح شده چه شد که چرخ اداری ما درست نمی گردد بنده تصور می کنم که‌یکی‌از آن چرخهای خیلی بزرك مشروطیت که اساس مشروطیت واکثریت مجلس و مسئولیت را مبنی بر آن می دانیم منفقود کرده‌ایم عقب فروعات می کردیم گاهی میگوئیم اکثریت مجلس متزلزل است گاهی می گوئیم اقلیت و اقلیت را هم متزلزل می دانیم بدیهی است وقتی که مسئولیت نبود همیشه ممکن است سر دسته های فرق از پروگرام خودشان تجاوز کنند و بترتیب مختلف‌اکثریت را متزلزل‌کنندخیلی تعجب‌میکنم اگر گفته شود که اکثریت اثبات نیست یا گفته شود که اکثریت ثابت نبوده است بنده مخالفم باین اظهارات و عرض میکنم مادامیکه‌این‌چرخ های مشروطیت را هم بیوند نکرده ایم ممکن نیست یك اکثریت ثابتی در مجلس پیدا شود ودر اینجا گفته شد که اکثریت مجلس باید خودش را معرفی کند که کیها هستند بنده عرض میکنم‌اکثریت مجلس یکی بنده فرضاً دو سال در اینجا بودم و خدمت نکردم بعد مرا بکشید چه فایده دارد برای مملکت و ملت‌چه فایده دارد شاهزاده‌سلیمان میرزا می‌فرمایند موکلین بدانند بعد از این این قبیل اشخاص‌را انتخاب نکنند آن موکلی که امروز در آتش می‌سوزد برای او چه فایده دارد شما وعده میدهید باو که بعد از دو سال فلان فرقه را انتخاب نکن امروز چه حاصلی برای او دارد پس این حرف ها فایده ندارد و اصلاح حال مملکت‌را نمیکند - مشروطیت یك اساسی را دارد و یك آلات وادواتی که تا آنها را بهم متصل نکنیم‌کار نخواهد کرد هر گاه آن‌آلات را بهم متصل گردید آنوقت ممکن است‌هرآده مشروطیت‌میگردد درهر مملکتی که مشروطیت دایر شداول یك هیئت‌مؤسسه دارد که آن هیئت مؤسسه در واقع از ملت‌منتخب هستند و فوراً قوای مملکت را بسه قسمت تقسیم می‌کنند اول‌قوه مجریه دوم قوه مقننه سوم قوه عالیه آن هیئت مؤسسه موقتی است بعد از اینکه قانون اساسی را نوشت تسلیم میکند بقوه عالیه و او نظارت دارد بقوه مقننه که عبارت است از مجلس شورای ملی است نظارت دارد بقوه مجریه که عبارت از هیئت وزراء و هر وقت که مجلس شورای ملی نتوانست مقصود خودش را حاصل کند و بواسطه آن فشاری که‌بقوه مجریه وارد کرد وقوه مجریه نتوانست کار بکند فوری آن قوه عالیه بواسطه حکمیتی که دارد تصدیق می کند ازطرف ملت که این وکلا نمی‌توانند بوظیفه خودشان‌رفتار کنند و از عهده مسئولیت خود بر آیند واین‌قوه بموجب قانون اساسی ما برده شده بمجلس سنا و در هیچ‌جای دنیا ممکن‌نیست که بگویندحکومت ملی است‌لکن دارای یك مجلس است‌آیاآن‌مجلس مسئول کیست شما می گوئیدمسئول ملت است‌این صحیح است لکن بچه طریق و بچه راه ما ها می گوئیم که مسئول ملتیم ملت چه می کند چطور می‌تواند مؤاخذه در مسئولیت شما می کند اگر ما از حدود خودمان تخطی بکنیم و بوزراء بتازیم اگر ما مثلا همین‌طوری که شانزده ماه است که‌از دوره‌انتخاب‌ما می گذرد فرضاً ماعمل بوظیفه‌خودمان نکرده باشیم‌و از حدود خودمان تخطی کرده‌باشیم ملت بما چه خواهد کرد و آن مجازات معنوی ما چیست و کجا است آن مجازات همان قوه ناظره و منصفه است که بما می گویند چون نمی‌توانید یك اکثریت ثابت داشته باشیدکنار بروید یك عده دیگری انتخاب کنیم که‌آنهابتوانند اکثریت ثابت داشته باشندوکار بکنند و بنده‌امروز را مغتنم می‌شمارم و خیلی تشکر می کنم از وجود مقدس والاحضرت اقدس آقای نایب السلطنه راکه یك چنین مطلبی را مطرح فرمودند و موقع‌بدست آمد که بنده درد دل خودم راکه ۱۰ ـــ ۱۲ ماه است می‌خواستم عرض بکنم ومجال وموقع بدست نمی‌آید و نمی‌توانستم‌عرض بکنم‌حالا عرض‌می کنم که مجلس سنا لازم است و ما نداریم وتا سناداریم باین‌حال دچاریم می گویندمجلس سنامجلس‌اشراف است کدام‌اشراف می گویند حکومت ملی شده‌است بنده عرض می کنم که امروز حکومت ملی نداریم برای این‌که‌ملت نظارت دراعمال‌ماندارد‌برای‌اینکه مامسئول ملت نیستیم و در هیچ جای دنیا نیست‌که مشروطه باشد و انفصال مجلس شورا نباشد مثلااین حق را یا بشاه می‌دهند یا برئیس جمهور یا بیك مجلس دیگری‌که هر وقت مجلس شورای از حدود خود تجاوز کرد آنقوه جلوگیری کند و بگویدشما تا این درجه حق ندارید پس وقتی این‌جا مشروطه گفته می‌شود مشروطه‌وقتی است‌که‌اساس مشروطیت تماماً برقرار باشد تاوقتی‌که ما آن اساس راکاملا نداشته باشیم و یکی از چرخهای بزرك را فاقد هستیم ممکن نیست مشروطیت کامل داشته باشیم همیشه وزراء مرعوب خواهند بود و همیشه‌که چرخ ادارات دولتی بحال فلج خواهد افتاد پس عقیده بنده این است‌که اولا باید فکری کرد برای رفع این عیب بزرك یعنی آنچرخ بزرگی راکه‌از دست داده ایم بدست بیاوریم و آنچرخ محکم باشد تا اینکه مابتوانیم مشروطیت داشته باشیم و بگوئیم حکومت ملی داریم ومی‌توانیم‌کار بکنیم و بوظیفه خودمان عمل نمائیم امروز مجبوریم مجلس سنا تشکیل‌کنیم و باید قانون انتخابات مجلس سنا از طرف‌وزراء پیشنهاد بشود وازمجلس بگذردبیچاره وزراء دراین‌مدت‌جرأت نکردندیك‌هیچو پیشنهادی بکنند درصورتی که‌مطابق نص‌صریح قانون اساسی اساس مشروطیت جزاً وکلا تعطیل بردار نیست ولی یکی از اساس مشروطیت همین مجلس است و همانطوریکه عرض‌کردم باوجود اینکه مادارای حکومت‌ملی می‌باشیم وفاقد این جزء اساسی‌هستیم نمی‌توان گفت دارای حکومت‌ملی و مشروطیت‌کامل هستیم و اما حال حالیه که چه‌باید کرد اگر امروز بخواهیم مجلس سنا تشکیل کنیم چون تابحال‌وزراء بجهت مرعوبیت جرأت‌نکردندقانون انتخابات‌مجلس سنارا بنویسند و پیشنهاد مجلس کنند قدری‌معطلی دارد باید فکری فوری بکنیم برای حال حالیه

مملکت آنچه بنظر بنده رسیده است اینست که‌یك اشخاصی‌امروز درمجلس آمدند و اتفاق کرده‌اند که ترتیبی برای اصلاحات آنچه بدهند مرامنامه‌ها می‌دانند که آرزو و آمال است این آرزو برای دوره های بعد است فرضاً من آرزو دارم که در دوره های بعد مثلا انتخابات مستقیم باشد دیگری میل دارد که غیرمستقیم باشد این یك آرزوئی‌است برای بعد حالا برای حال حالیه مملکت واز برای رفع خرابی هائی که حالا داریم یك عده از مجلس تقاضا کرده‌اند که آن خرابی‌ها را مرمت بکنند بقدری که ممکن باشد یعنی یك‌حد اقلی برای آن فرض کرده‌اند که مقدور باشد برای وزراء که در این دوره تقنینیه بآن عمل کنند و آنرا اجراء نمایند مثلا یکی از مسائل در مالیه ایجاد اداره تفتیش است که قرار بود وزرای سابق ما تأسیس نمایند و تاکنون نشده‌است حالا این هیئت‌چندماده را روی‌کاغذ می‌آورند آرزوی‌ما از شما که وزراء هستید اینست که ایجاد اداره تفتیش درمالیه بکنید چنانچه اگر نظر آقایان باشد در همان مرامنامه که آقای مستوفی‌الممالك تقدیم مجلس کرد یکی ازموادآن گمان میکنم راجع بتشکیل اداره تفتیش بود تاکنون بهیچوجه اقدام نشده است مثلا دیوان محاسبات ماقانونی‌نیست چون قانون‌دیوان‌محاسبات گذشته‌است آرزو داریم که دیوان محاسبات قانونی ما تشکیل‌شود که پول دولت حیف ومیل نشود مثلا این وزارت جنك ما نمی‌خواهیم که امروز سی هزار قشون نظامی رفورمه مثل قشون‌آلمان فوری برای ما تهیه کند بجهت‌اینکه می‌دانیم این چیزی نیست که فوری تهیه شود بسایستی تحصیلات نظامی بکنند مدرسه بروند نظامی داشته باشند و این اسباب فعلا موجود نیست پس اینها آمال و آرزو است‌لکن چیزی راکه امروز ما میخواهیم وزارت جنك تکلیف بکنیم وبتواند انجام بدهند این‌است چندداردوی مرتب سیار وساخلو درنقاط لازمه‌ترتیب وتشکیل بدهند که دچار صدمات نایب حسین و بعضی اشرار دیگر نشویم وعلاج واقعه را قبل از وقوع کرده‌باشیم ومنتظر نباشیم وقتی که حادثه واقع شد شروع بنمائیم مثلا در معارف عمر صاحب منصبی آرزویش این است که افراد ملت دارای کمالات وصنایع ومعلومات علمی باشند لکن افراد ملت ما که عالم نیستند حالا چه‌باید کرد برای ترقیات علمی آنها امروز چیزی که مقصود ما [illegible] این است که یك پیروی کرام متعدی را روی کاغذ [illegible] که بتوانند از روی آن پروگرام تعصیر بکنند [illegible] میکنند لااقل عمر [illegible] که سومال [illegible] دریکمدرسه‌تجدید [illegible] مجبورمیشوند [illegible] بمدرسه [illegible] تجدید [illegible] دوباره [illegible] درد مثلا [illegible] تشکیل بکنند [illegible] مقدماتی تأسیس بکنند [illegible] برای ایالات وولایات تااینکه یك اصلاحات اساسی کلی پیشنهاد وزراء کرده باشیم از برای تأسیسات و تنظیمات‌مملکتی که امروز ما بعداز آنکه آرا پیشنهاد وزراء کردیم نمیدانیم تکلیف ما بعدها باآنها چیست بنده‌مقاصد وموادی را پیشنهاد کرده‌ایم که اگر بعداز چهارماه که وزراء تشکیل اداره تفتیش مالیه‌رانکردند بنده نمیتوانم بگویم چون‌شما وعده کردید که شروع کنید بتأسیس اداره تفتیش و اقدامی نکردید ازاین جهت من ازشما‌استیضاح‌میکنم این‌هیئت‌هیچ‌منظوری جز منافع عامه ندارند فقط میخواهند مملکت آباد باشد ودر این‌مدت هم گمان نمیکنم کسی باکابینه ضدیتی کرده باشد وهر کابینه‌که معرفی میشده است فرد فرد ازو کلا جدیت داشته‌اند درنگاهداری آن و فرضاً اگر استیضاحی شده‌است بواسطه اتفاقاتی‌که برخلاف مصالح‌عامه واقع شده واگر هم‌رأی‌میگرفتند شاید رأی مثبت درحق آن‌وزیر میدادندلکن‌بشکار آسان است که عرض‌کردم چون مشروطیت ما کامل نیست وناقص است و چرخهای اینکار تماماً تأسیس نشده ممکن است که آن اکثریت ثابتهرا دارا باشیم کهوالاحضرت اقدس نایب‌السلطنه میخواهند و چون عمر دوره تقنینیه نزدیك‌است بآخر برسد بنده تقاضا میکنم بلکه استدعا میکنم‌که قانون انتخابات مجلس سنارا وزراء پیشنهاد مجلس شورای‌ملی کنند که‌دوره آتیه دچاراین محظورات نشویم وامیدواریم که دراین دوره ازمجلس بگذرد و مسائلی که فرقه د وکرات یااعتدالیون آرزو دارند شاید ده‌سال طول‌بکشد تا بتوان در آن اقدامی کرد مرامنامه یکچیزی نیست که بتوان از روی آن اقدامات وزراء را خواست لکن‌اینهائی که‌عرض‌کردم چیزی نیست که موافقانونی داشته باشد چون قانون ازبرای سالهای دراز است شاید یك‌اختلاف مسلکی پیدا شود اما اینهاچیزهائی است که‌گمان نمیکنم اتفاق تام‌هم حاصل شود بجهت اینکه مامیخواهیم ایجاداداره تفتیش مالیه بکنیم کدام وکیل‌است که منکر ایجاد اداره‌تفتیش باشدمامیخواهیم ادارات ما تصفیه شود عدلیه ما بااین همه صداهائی‌که [illegible] عدلیه ما بااین همه صداهائی‌که [illegible] اصلاح شود گمان نمی کنم کسی مخالف باشد باینکه بگویند عدلیه‌نباید تصفیه شودهمه اتفاق‌دارندکه عدلیه باید تصفیه‌شود نهایت در ترتیب‌آن اختلاف ممکن است بشود وترتیب‌تصفیه آنرا وزرا باید بپیشنهاد مجلس شورا بکنند مثل اینکه در سابق هم شده است وزرا آمده‌اند اینجا تعهدات میکرده اند واجازه هم ازطرف مجلس به آنها داده میشدکه جرح وتعدیل درادارات بنمایند آن وقت میرفتند ولی نمیدانم از چه راه بود که مرعوب میشدند یا چه جهت داشت که خودشان را کنار میکشیدند بنده تقصیر را ازهیئت مجلس‌میدانم بجهت اینکه طبیعی است وقتی که انسان دارای مسئولیت نبود ممکن است بنده اگرتقاضائی بکنم ازیك وزیری‌وازیه ملاحظاتی نپذیرد بیایم ونتوانم جلوگیری ازتقصیر بکنم یك حرارتی در من حادث شود [illegible] بکنم بواسطه همین‌فشاری که قوه مقننه بنده مجبور [illegible] مراورد قوه مجریه‌همیشه مرعوب [illegible] کاری از او بشرفت نمی کند [illegible] قوه مجریه استقلال تام‌که نداشته باشد نمی‌تواند کار بکند این بود عرایض بنده .

محمد هاشم میرزا ـــ آنوقتی که بنده اجازه خواسته ام غالب عرایض بنده گفته شد وچون دوسه کلمه بود که‌گفته نشد لازم شد عرض کنم که اینکه گفته شد فرقه اعتدال اکثریت داشته و رفته رفته تا دیروز به۴۸۸ نفر رسیده است که‌شاهزاده سلیمان میرزا میفرمایند بنده عرض میکنم اینطور نیست فرقه اعتدال که فعلا به۴۸۸ نفر بالغ شده است بیشترازهمین عده که‌آقایان دموکرات‌هستند نبود و اگر اینطوری که حالا ثابت هستند ثابت نبودند ابدا اینطور نبود که شد حالا که ۴۸ رأی ثابت محکمی‌داشته‌باشند که غلبه‌برطرف بکنندبنده اینرا تصورنمیکنم که یك چنین‌اکثریتی تا دوسه ماه قبل داشته باشیم آیااین موضوعی راکه میفرمایند که غیر دموکرات نباید درطرف چپ بنشینندبارسال اگرخاطرشان باشد همان وقت کهبنشان میآمداز لفظ انقلاب‌واگرکسی میگفت‌انقلاب آشفته‌میشدند همان وقت آقای وحیدالملك گفتند که سمت دست راست وجمعی از این اظهار بر آشفته بنده هم در همان وقت عرض کردم که‌اگر مراد ازدست راست معین اشخاصی‌که آزادی‌خواه نیستندیعنی تعبیر آنها یعنی کنسروا‌تورها هستند بنده کنسروا‌تور نیستم وداخل آن‌دست راست نیستم وازطرف دسته دست چپ هستم لکن‌داخل هیچ کدام‌ازاین دوحزب‌نیستم که‌باید در تحت نظم یك فرقه مخصوص باشد اما این که آقای‌متین‌السلطنه فرمودند که‌حالا موقع‌آن نیست که‌اکثریت معین بشود بجهت اینکه درخارج سوء تفاهمی خواهد داشت و آقای ادیب التجار اظهار کردند که‌آن کسانیکه مارا انتخاب کردند ابداً اسمی ازمسلك نشنیده بودند عرض‌میکنم حالا اینطور است پارسال غیر ازامسال بود همان‌موکلین ما تمام اسمها راشنیده‌اندبتمام جاها این‌مسلکهای مختلف‌رفته‌است‌همه‌جادموکرات‌اجتماعیون‌اعتدالیون اتفاق ترقی حتی داشناکسیون وبعضی فرق دیگر هستند وهر یك ازموکلین ما الان دارای یکی از این‌مسالك است درهریك ازایالات اجتماعها دارند کلوبها دارند کمیته ها دارند تمام این‌مسلکها در ولایت ماهست وبه‌عقیده بنده حالا بایدتمام‌مسلکها را درست واضح بکنید که بدانند و اینکه آقای معاضدالملك میفرمایند چه فایده دارداینطورنیست بعقیده‌بنده‌حالاوقتی‌راست که‌موکلین‌من بایدبدانندمن جزء چه‌فرقه هستم‌این صحیح‌است یکدسته‌هیچ‌فایده ندارد ولی برای آنچه خیلی فایده دارد موکلین ما می دانند درآنچه چه اشخاصی را انتخاب کنند می دانند که این‌کی بود که فرستادند که مظهر عقاید آنها باشد آنوقت اگر فرضاً دیگری وظایف خودش عمل‌نکرد دیگر [illegible] نیستم ولی‌امروز خیلی کار مشکل‌تری [illegible] که آن وقت‌که مرا [illegible] مسلکی دارم فقط [illegible] شخص خودم فی الواقع [illegible] از آقایان فرمودند و [illegible] شده اند مثل این [illegible] سابق بدست یك نفر [illegible] بیست نفر است بجهت اینکه [illegible] نظامیت ندارد همان رأی شخصی صادر [illegible] نفر است‌دوباره ترتیب مقصود ماکه حکومت ملی است بعما نمی آید اما حالا که بنده از روی یك مسلك انتخاب شده‌ام مجبور نیستم که در تحت نظام یك فرقه در بیایم بجهت اینکه ممکن است که یك وقتی ببینم

www.iran-archive.com

در یك مطلبی که صلاح وصرفه مملکت در این است که آن فرقه می‌گویند یا مرام نامه یکی از آنها مطابق است بآن رأی می‌دهیم و وقتیکه دیدم آن عقیده ثابته که بنده دارم مساوی ومطابق رای دیگران باشد آنوقت مطابق رای آنها رای می دهم غرض اینست که گفته شد بیطرف نه اینکه معنیش بی مسلك باشد ممکن است یك نفر بی طرف باشد لکن این قسم بیطرف باشد ممکن است شخصی یك عقیده ثابته داشته باشد که در پنج ماده عقایدش مطابق عقاید فرقه دموکرات باشد و چهارتایش مطابق عقاید اعتدالیون یا دوتایش مطابق عقاید یك فرقه دیگر بله اگر تمام جزئیات و تمام چیزها و تمام تصورات را که فرمودند در یکی از مسالك بود آنوقت شاید بنده هم می توانستم در تحت یك فرقه ویك حزبی باشم ولی ممکن است مرامنامه یك حزبی را کلا بنده موافق نباشم درآن صورت نمی‌توانم مسلك یك حزبی را قبول کنم بله اگر یك مرامنامه درجمیع امورییکه مبتلا به تمام حوائج دوره تقنینیه است مطابق باعقاید باشد میتوان آن را قبول کند اما درصورتی که آنطور نباشد آنوقت ممکن است خودش چیزهائی را اختیار کند که چنانچه عرض کردم درضمن مسالك مختلفه باشد و اما موادی که این اکثریتی که عبارت است از ائتلاف بعضی مسالك مختلفه نوشته اند بنده ارائه نداده‌ام یاتقصیر ازخودبنده بوده یاازاراء این بوده است که بنده قابلیت نداشته‌ام که بنده ارائه بدهند یا اینکه آقای ادیب التجار فرمودند من از آن چهل و هشت نفر هستم بنده عرض میکنم بنده ازآن چهارهشت نفرنیستم چون عرض کردم آن موادرا ندیده‌ام شاید اگرمیدیدم قبول می کردم شاید هم رد نمی کردم ولی بنده هیچ ندیده‌ام وجزء آنها هم نیستم بنده بی طرف هستم لکن بآن معنی که عرض کردم .

حاج آقا - اگرچه خیلی مجلس طول کشید ولی باصرار بنده ورفقایم چون طول مجلس لازم بود آقای رئیس قبول فرمودند لازم می دانم اول آن چیزی که راجع بدستخط حضرت اقدس آقای نایب السلطنه است عرض کنم که آقایان وزراء زاین جهت آسوده خاطر باشند بعد چیزهائی که حضرت والا سلیمان میرزا فرمودند مقداری درآن یواش یواش صحبت کنم آنچه راجع بدستخط والاحضرت نایب السلطنه است بطوریکه گفته شد آن ٤٨ نفر همانطوریکه حضوراً در دربار بآقای نایب السلطنه عرض شد بتوسط آقای رئیس مقاصد خودشان را نوشته فرستادند و یکی که متمایل بودند آن ٤٨ نفر اورا خدمتشان معرفی کردند واینکه میفرمائید آقای نایب السلطنه می خواهند عقاید ومسلك احزاب مجلس را بدانند بایهی است آنها که احزاب مجلس هستندهمه پروگرام خودشان را نوشته وچاپ کرده‌اند ومنتشر کرده‌اند وتصور نمی کنم که آقای نایب السلطنه آنها را ندیده باشند وهمینطوری که آقای سلیمان میرزامرامنامه خودشان را نشان دادند ودیگران هم دیده اند اما آن چیزهائی که مورد اجتماع وائتلاف بود در چند ماده که ائتلاف کرده‌اند اگر نظر والاحضرت این بوده است البته آنهم یك ترتیب مخصوصی دارد همانطوری که فرمودند چند نفر را انتخاب میکنند وبحضور والاحضرت آقای نایب السلطنه میفرستند و آن مقصد را بایشان عرضه می‌دارند وآن مقاصد ترتیب داده می‌شود وتصور می کنم مطلب دیگری دراین باب نباشد بجهت اینکه پروگرامهای مسلکی یاراجع باجتماعیون اعتدالیون است که همه دیده‌اند یاراجع بفرقه دموکرات است که همه دیده اند یا راجع باتحاد ترقی است که همه دیده اند واین موادی هم که عرض شد فرستاده می‌شود واین هم یك مطلبی نیست در اینجا که عرض شد آقای نایب السلطنه بشنوند البته باید یك چند نفری انتخاب شوند واین مواد را نوشته خدمتشان ببرند آنقدر حرفها هم لازم نداشت واما آنچه راجع بفرمایشات آقای سلیمان میرزا است وبترتیب مجلس ملی درحضور حضرت اقدس آقای نایب السلطنه ایشان همان طور اظهاراتی که فرمودند وبنده هم عرض کردم وچون حضرت والا اظهارات خودشان را فرمودند بنده هم مجبورم آن عرایض خودم را تکرار کنم تا اینکه معلوم بشود و تمام مردم بفهمند بنده عرض کردم که دراین مجلس یك مسلکی که مرکب ازمسالك مختلفه که هم افق بیکدیگر و نزدیك بیکدیگر است بوده وهست که درهرکاری از کارهای اساسی خودنمائی کرده‌اند یعنی بواسطه توافق مسالك سیاسی اینها همیشه موافق بوده‌اند وکارهای اساسی راهم همیشه آن اکثریت پیش برده‌اند وفهمیده اند که روز ومذاق این اکثریت چه بوده است وچه کرده‌اند وهمه هم فهمیده‌اند که آن اکثریت روش چه است وروش اقلیت چیست وامروزاگر ازتمام مردم سؤال کنند که روش این دومسلك چه بوده است همه کسر بخوبی میدانند وبیان میکنند آنجا هم عرض کردم بانجام عرض میکنم که شاهزاده سلیمان میرزا وسایر آقایان تصور میفرمایند که مسلك اسم مسلك است مسلك یك حقیقت ومعنویتی دارد یك مصداق ویك حقیقتی دارد که عبارت است از اجتهادات در روش امورات مملکت وهرکس که خواست داخل در یك یك مملکت بشود آن اجتهادات وآن روش که هرکس برای خودش اتخاذ میکند یك شخص عالم سیاسی آن عقیده و ترتیبی که در مغزاو است که بآن ترتیب عمل بکند آن عقیده اش مسلك او است نه آنکه اگر اسم روی آن نگذارند آنرا نمیتوان مسلك گفت درمقابله ودر مقام تغییر یك اسمی رایش میگذارند نه اینکه اگر اسم برایش میگذارند نه اینکه اگر اسم برایش نگذارند آنمسلك نیست یا اینکه اسم محض معنی است اینطور نیست بنده میآیم اینجا درمطالب اساسی مثلا اینکه باید حکماً از طرق شرعیه اجراء یا علماء درعدلیه باشد یایك وزیر مسلمی در آنجا باشد اگر یك چنین عقیدهٔ را اظهار کردتمام اهل این مملکت میدانند که من دموکرات نیستم بلواینکه بگویم من از دموکرات هستم برای اینکه یکی از مواد مرامنامه دموکرات تفکیك قوه سیاسی است از قوه روحانی دموکراتها یکه نه تکذیب کردند که اینطور نیست

آقا شیخ رضا - اینطور نیست تهمت نزنید .

حاج آقا - مثلا من اگر در اینمقام باشم و بگویم ترتیب تسلط مالکین بر املاکشان و بترتیب بیع مالکین بر رعایا ترتیب بانك زراعتی و غیره باید بشود و بگویم من از اجتماعیون اعتدالیون هستم آن وقت همه میدانند که دموکرات هستم بجهت اینکه یکی از مواد مرامنامه دموکرات این است که حتی الامکان رعیت مقدم است در بیع بهر وسیله که ممکن شود پس عقیده ومسلك را باید از آرائی که پشت این تریبون گفته میشود ورأی داده میشود ترتیب مسلك را باید از آن فهمید یا بنویسیم که آقایان بدانید آقایان اشراف که مسلك من برضد شما است و اینجا برنفع آنها حرف نزنیم ورأی بدهیم یا اینکه بگوئیم آقایان فقرا مسلك من برنفع شما است و تمام برضد آنها حرف نزنیم این ترتیبی است که شبهه ندارد و مسلك را ظاهر میکند در خارج باید ما به عناوین تقلیدیه هی دنبال اسم برویم باید عقیده ومسلك را ازروی آراء قرار داد از رأی دادنش بدانند درنطق باید بفهمند واینکه قرارداده‌اند تمام نطق‌ها باید نوشته شود برای همین است که اگر من یك عقیده داشته باشم ظاهر شود که همه بدانند که مسلك من چه چیز است پس این راه تحقیقی مسلك است. اگر من فهمیده ام واین ترتیب هم باشد تشریف بیاورند بفرمایند وبنده دارد کندوا در باب مسئولیت که فرمود که بنده درحضور حضرت آقای نایب السلطنه عرض کرده ام دراینجا هم عرض می کنم چون بایدی پرده گفت چون دیگر طاقت این مردم تمام شده و باید دردرا علاج کرد دیگر نباید مطلب را درپرده گذاشت دیگر نمی شود که همین طوری ملاحظه کنیم و هی میگوئیم مجلس رسمی است وتمام مطالب را نمی‌شود گفت که مردم در خارج بگویند دوتا هستیم سه تا هستیم مردم فهمیده اند وگفته شد حالا هم باید خودمان بگوئیم دیگر نمی توانیم خودمان را تغییر بدهیم و تمام بدبختی این مملکت ازدوره تجدد تاکنون ازاین بوده است نه قانون مشروطیت عمل نشده است آن قانون مشروطیتی که همه افراد ملت آزادند و آنهائی که یك مقداری بصیرت دارند تماماً همه ناله میکنند و فریاد می کنند همه خطابه می‌نویسند ومقاله میفرستند همه ناله می کنند ومی گویند باید دریك مملکتی که مشروطه شد اکثریت حکومت داشته باشد وحکومت اکثریت ملت بسته باکثریت پارلمان است در هر جائیکه اکثریت پارلمان بحریان افتاد بمشروطیت عمل شده است والاهر چه بگوئیم ازلفظ مشروطیت است وعمل نبوده است وتمام بدبختی هااز این بوده است که حقیقت مشروطیت در مملکت نبوده است همین طوریکه شاهزاده سلیمان میرزا فریاد زدند که بفهمند بنده هم فریاد میزنم که تاامروز آنطوریکه باید مشروطیت دراین مملکت باشد نبوده وحقیقت مشروطیت تا امروز هنوز جاری نشده است یعنی حکومت باکثریت مملکت جزء پارلمان نبوده باکثریت دولت نبوده بواسطه اینکه دو کابینه دراین دوره تشکیل شد یکی کابینه آقای مستوفی الممالك بود یکی کابینه آقای سپهدار اعظم بود کابینه سپهدار دروقتی تشکیل شد که مملکت درحالت (دولسیون) بود وقتی که نه مجلس بود نه وکلای ملی بود هیچ دیگر یك هیئتی ازسردارهائی که تازه وارد شده بودند وقوای ظالمه را مضمحل کرده بودند ورشته حکومت ملی را بدست گرفته بودند آنوقت طبیعی بود که کار را باید آنها از پیش ببرند بطوریکه میلشان بود

بدیهی است که آن وقت ملاحظه این بود که کسانی که بالایشان هم قدم بودند وهم خیال بودند آنهارا بکار منصوب میکردند آنوقت دیگر صحبت مسلك صحبت اکثریت درکار نبود همین قدر که فلان شخص برای فلان کار خوب است کافی بود برای سپردن یك کاری باو وبهمین ترتیب کابینه تشکیل شد ومشغول کار شد ومجلس عالی تبدیل بهیئت مدیره شد بعد مجلس تشکیل شد درموقعی این وزراء مقبول کار شدند که هنوز پارلمانی نبود اکثریتی درکار نبود که داخل در اینکار شده بودند ونمی‌دانستند که کدام فرقه اکثریت دارد باعتمادیات وزراء موافق با مقصود آنها است یا نیست واین مطلب راهم میخواهم عرض کنم و نگفته نگذارم که این آقایانی که انتخاب شده‌اند ازبلاد دور کاری بترتیب انتخاب آنها نداریم بطوری که گفتند اینها ازروی یك مسالك مستقیمه انتخاب شده اند که مثلا چهل نفر وکیل ازروی فلان مسالك انتخاب شده باشد واینجا وارد شود برود روی صندلی خود بنشیند شه چهار ماه کار میکند یکمده وکیل هم ازیك مسلك دیگر انتخاب شده باشند آنهاهم مدتی روی صندلی خودشان بنشینند وکار بکنند بعداز مدتی اتفاق نیابات سیاسی آنهاقریب بهم که شد آنوقت تشکیل یکدسته بدهند والا اول وحله من نمیدانم دموکراتم نمیدانم اعتدال هستم چه هستم ووقتی هم که وارد طهران شدم آنوقت عنوان انقلاب واعتدال بود وهر کس من میگفت تو چه مسلکی داری من جواب نمیدادم و منتظر بودم که هرچه وجدانم حکم کند آن مسلك من است و از طرف دیگر چیزهای دیگر میگفتند وجوابی نمیدادم وبدیهی است که خیلی ازاینکه و کلااینجا وارد شوند یك جائی نداشتند که درآنجا مجتمع شوند ومذاکرات بکنند وهر کدام مسلك خودشان را بدانند وبروند وبروی صندلیشان بنشینند معلوم است که ازروی این طریقه نبود پس محل اجتماع اینها مجلس بود که در اینجا جمع شدند آنوقت مذاکراتشان کم کم معلوم شد و دسته‌های مختلف تشکیل شد آنوقت یواش یواش بنای پاره اقدامات شد و کابینه سپهدار بنای بحران گذاشت ومخالفت آنها باوزراء کم کم سبب شد از برای اینکه کابینه سپهدار بنای بحرانهای پیاپی را گذاشت و گمان نمیکنم بسکفر از اهل این مملکت باشد که بتواند بگوید آن کابینه سپهدار اکثریت داشت اما اینکه شاهزاده سلیمان میرزا گفتند کابینه سپهدار راکی عقب گردو کی حمله باو کرد بنده عرض میکنم که ظاهراً روزنامه های آن روزها تماماً تاریخ یومیه است و اگر آنهارا جلوی خودمان بگذاریم معلوم میشود که حمله از کدام طرف بود واین شبهه نداشت که در کابینه آقای مستوفی الممالك اینمملکت حال آنارشیستی پیدا کرده بوددرخیابانها علناً درروزروشن آدم میکشتند چنانچه مرحوم میرزا علی محمد خان را کشتند مرحوم میرزا عبدالرزاق خان را کشتند مرحوم آقاسید عبدالله را بسآن وضع شهید کردند وهمین ترتیبات را فراهم آوردند و آنکابینه که تشکیل شد هریك وزارت خانه او یك ملاحظه بود که انتخاب شدند یکی بملاحظه انتساب باقلیت بود یکی بملاحظه انتساب بفلان تنقید یکی بملاحظه انتساب باکثریت یکی برای اینکه بنده خوشم بیاید یکی برای اینکه شاهزاده سلیمان میرزا خوشش بیاید وقتی که یك چنین کابینه تشکیل شد بدیهی است و طبیعی است که دریك همچو مملکتی که حکومت ملی است که هروزپرش بیك ملاحظه بوده یك چنین کابینه برای مملکت چه میکند همان چیزی رامیکند که شده است پس آن کابینه دوم هم کابینه اکثریت نبود پس از آنروز تاحالاهم اقداماتی که شد بواسطه این بود که کابینه اکثریت نبود که ترتیب مشروطیت در مملکت می بایست تشکیل شود و اینکه من بگویم من هستم و ٤٨ رأی واین کلمه راهم در منزل آقای نایب السلطنه گفتم من تصور نمی کنم که آنقدر بی مدرك باشم که بگویم ٤٨ رأی هستیم ما ومسئول ملت هستیم همچنین کلمه را بنده نمی گویم مسئول مملکت وزرا هستند و هیئت مجلس وقتی که من گفتم من هستم و ٤٨ رأی و شاهزاده سلیمان میرزا گفتند من هستم و ٢١ رأی نه اینکه مسئولیت بعهده من است بعهدهٔ ایشان نیست همانطوریکه من بایدخدمت بکنم شاهزاده سلیمان میرزاهم بایدخدمت بکنند همانطوری که گفتند باید یا تنقید بکنند یا (کرتیك) بکنند (بخیالم اربابها اینجا است) و همانطوری که اکثریت باید کابینه را حفظ بکند اقلیتهم نباید دربی این باشد که هرروزه حمله بکند بکابینه و جلوگیری از اقدامات کابینه بکند بواسطه اینکه اگر بناشد هی صحبت جلو راه کابینه انداخت لابد کابینه ازکارخواهد افتاد بواسطه اینکه کابینه روئین تن نیست که هرقدر سخت باشد از کار خواهد افتاد باید اقلیت تبعیت اکثریت را بکند واگر اکثریت لغزش دارد اکثریت را متنبه بکند اگر واقعاً چیزی از طریقه اقلیت و اکثریت نداشت و از مجلس خارج شد آن وقت اقلیت بنای حکومت را گذاشت در خارج جلوی قانونرا نگیرد اگر یك چنین ترتیبی شد آنوقت گمان میکنم این یك مسئولیت بزرگی است واقلیت هم مسئول است باید اقلیت هم وظیفه خودشانرا بداند وقتی که یك قانونی گذشت ولو برضد عقیده اقلیت بود نباید جلوگیری ازپیشرفت واجرای آن بکند فقط جلو لغزش اکثریت رابایدبگیرند. اینها همه وظیفه اقلیت است واقلیت و اکثریت هر دو مسئول میباشند وباید خودشانرا مسئول این ملت بدانند ونفع وضرر مملکت راجع بهردو است واما راجع بپروز و ظهور که فرمودند من خیلی دلم می خواهد که خودشان را معرفی کنند مثلا حاج آقا یا دیگری بیاید بگوید من هستم وفلان هست وفلان هست من تصور نمیکنم درهیچ پارلمانی درهیچ مملکتی یك فرقه همچو تسلطی نسبت بفرقه دیگر داشته باشد که بگوید شما بیائید عدهٔ خودتان را بشمارید من می‌خواهم امشب بشمارم وبدانم کیها عضو خصوصاً یك چنین هیئتی که خودشان می‌فرمایند ما اقلیتیم یك چنین حکومتی به اکثریت می کند که من می‌خواهم شمارا بشناسم که شما کیها هستید خیر بنده عده خودم را بشمانمیشناسانم وهر کزهم نمی‌خواهم بدانم که شما چند نفر هستید برای اینکه من همیشه عقیده را از روی رأی واز روی حرف زدن می‌دانم دیگر لازم نیست که بگویم شما جزء کدام فرقه هستید خصوص کسیکه همیشه در پارلمان است لازم است که خودش را معرفی بکند که من اجتماعیون اعتدالیون هستم یااینکه ازفرقه دموکرات هستم بواسطه اینکه اگر من گفتم از فرقه اعتدالم و بعد رای مطابق دموکراتها بدهم بایددموکرات مرا ازخودش بداند وهمینطور کسی که خودش را از فرقه دموکرات بداند وقتی که رای بدهد مطابق آراء اجتماعیون اعتدالیون من بایدو او را از اعتدالیون بدانم واو صد مرتبه بگوید من ازفرقه دموکرات هستم وهمچنین یك حکومت دیگر هم کردند که احزاب هم بیایند خودشان را معرفی بکنند بگویند ما چند حزب هستیم وچند نفر هستیم در هر یك از احزاب اینهم خیلی غریب است که خودشان راببایند از روی عدد وعقیده بشما بشناسانند بجهت اینکه چنانچه عرض کردم مسلك از روی عقیده معلوم می‌شود و در هیچ جای عالم ظاهرا این معنی نباشد که یك فرقه بیك فرقه دیگر بگویند که می‌خواهم شمارا بشناسم که شما کی‌ها هستید حکماً شما خودتان را بشمارید که من هستم فلان است فلان است این معنی حکومت اقلیت بر اکثریت است .

رئیس شرحی مفصل از لزوم تشخیص احزاب (خاصه حزب اکثر و تعیین رؤساء و ناطقین شان و کاندیدائی که حزب اکثر برای وزارت درنظر دارد بیان فرموده و لزوم تکیه کردن وزارت باکثریت مجلس و دفاع اکثر از وزراء و این که بدون ترتیب کار پیش نمی‌رود و تاکنون هم علت پیش نرفتن کارهای ایران همین مسئله بود فرمودند و بالاخره گفتند فردا و پس فردا افکار خود را صاف کرده و تکلیف بنده را در ۳شنبه معین کنید که بتوانم حضور آقای نایب السلطنه عرضه بدارم و مادامی که وزرای جدید معرفی نشده‌اند همانطور که والاحضرت در دستخط خود اشاره فرموده اند این وزراء باید مشغول کار باشند دستور جلسه آتیه شور درقانون محاسبات عمومی راپورت کمیسیون نظام راجع باخذ سوار از ایلات قانون قبول و نکول بروات قانون ثبت استناد ۲ ساعت و نیم از شب گذشته رئیس حرکت کرد ومجلس ختم شد.)

جلسه ۲۱۳

صورت مشروح مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۱ شهر صفر المظفر ۱۳۲۹

مجلس دو ساعت وربع ازغروب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد .

صورت مجلس روزشنبه را آقای معاضد الملك قرائت نمود .

(غائبین جلسه قبل) - آقاشیخ ابراهیم زنجانی باجازه غائب .

آقا شیخعلی فارسی - آقاسید محمد باقر ادیب - آقا میرزا ابراهیم فهمی بموقع حاضرنشده آقای اسان الحکماء مریض بودند .

نایب رئیس - درصورتمجلس اگرملاحظاتی هست بفرمائید .

آقامیرزا احمد - عرض بنده راجع صورت مجلس نیست میخواستم تقاضا بکنم تلگراف آذربایجان خوانده شود .

نایب رئیس — این فرمایش جناب عالی راجع بصورت مجلس نبود و بعلاوه آن تلگرافات بکمیسیون عرایض فرستاده شد درصورت مجلس اگر

www.iran-archive.com

ملاحظه نرسیده است بفرمائید (ظهاری نشده صورتمجلس امضاء شد).

کاشف — عرض بنده هم راجع بهمین اظهار آقای آقامیرزا احمد بود که تلگرافاتیکه ازخراسان راجع بوقعه ناگوارمرحوم صنیع‌الدوله شده بود می خواستم تقاضا کنم خوانده شود چون مدتی است این تلگرافات آمده ولازم است خوانده شود.

نایب رئیس — اینمطلب مکرر در اینجا ایراد شده است که نوشتجاتیکه میرسد کلیهٔ راجع‌می شود بکمیسیون عرایض ودر کمیسیون عرایض سه قسمت میشود یکقسمت را ارجاع بوزارت خانه ها میکنند یکقسمت را میفرستند بمجلس که در مجلس خوانده شود ویکقسمت را بلاجواب میگذارند والبته آنچه راکه بهیئت‌رئیسه میفرستند که درمجلس‌خوانده شود قرائت خواهد شد.

کاشف - ولی تابحال این ترتیب معمول نشده است برای اینکه تلگرافاتیکه از آذربایجان میرسد مستقیماً میآید ودرمجلس قرائت میشودولی تلگرافاتی که ازسایر جاها میرسد نمیخوانند وعلت این تبعیض رابنده نمیدانم چیست.

محمدهاشم میرزا - مخصوصاً درموضوع وقعه مرحوم صنیع‌الدوله ازخراسان تلگرافات رسیده وخوانده نشده است ولی تلگرافات آذربایجان قرائت شده است.

نایب رئیس — عرض کردم آنچه نوشتجات وتلگرافات میرسد بکمیسیون عرایض میرود ودرآنجا تکلیف آنها معلوم میشود و تا بحال همین ترتیب معمول بوده است.

(راپورت کمیسیون تفسیر بعبارت‌ذیل قرائت شد)

ماده (۴۹) لایحه محاسبات عمومی درباب اینکه آیا مضمون آن باقانون اساسی مخالف است یا نه درکمیسیون تفسیر مطرح گردید بالاخره رأی اکثر کمیسیون براین قرار گرفت که مضمون ماده مذکور با قانون اساسی بهیچوجه منافاتی ندارد وآنچه درقانون اساسی دیده می شود که پاره از امور راجع بعایدات امور راجعه بمالیه مربوط بتصویب مجلس ملی گردد وآن ارجاع میشود بقانون اینکه از مجلس سنا [illegible] من باب این است که آن امور راجع [illegible] حق [illegible] سنا را در آنها حق مداخله [illegible] من باب این است که [illegible] نظر مقصود بوده بتذکیر [illegible] بفرمان یك نفر [illegible] برای اکثریت است وجود [illegible] برای دوران امور [illegible] وطریقه شوریه بجای آن [illegible] مجلسیکه بزودی تشکیل [illegible] همانمجلس [illegible] بنظر نمی آمد که مجلس سنا باین زودی تشکیل یابد فلهذا درقانون اساسی که [illegible] آن طریق تفسیر وضع استبدادی برضع شورا بودن امور ارجاع بمجلس ملی و بسته بتصویب آن گردید والامعلوم است که درامور این مملکت که امروز قانون دارای مجلس سنا است مانند سایر ممالك سنا وازهر دومجلس حق مداخلهٔ رسمیه خواهند داشت چنانکه دراصل (۳۳) قانون اساسی باین تصریح شده است واختصاصیکه بمجلس ملی داده‌شده نسبت بامور مالیه فقط باندازه‌ایست که‌دراصل (۴۶) قانون اساسی بیان شده‌است که آن امور درمجلس ملی تصویب شده بعدبمجلس‌سنا میرود ومجلس‌سنا اگر نظراتی درآن داشته باشد نظرات خودرا بمجلس‌ملی تقدیم می کند مجلس‌ملی بعد از مداقه در آن نظرات اختیار دارد که آن نظرات را قبول و یا رد نماید محض اینکه امور اینقدر اختصاصی بمجلس ملی دارد که تصویب شده‌آنرا مجلس سنانمی‌تواند ردنماید بلکه‌چنانکه گفته شد مجلس‌سنا اگرنظراتی درآن‌داشته باشد بمجلس ملی تقدیم می کند مجلس ملی می‌تواند نظرات سنارا بپذیرد ومی‌تواند ردنماید.

آقاشیخ‌رضا - اولا باید آنچیزیکه‌نظر کمیسیون بآن بوده‌است‌عرض کنم بعدادله آنرا وعقیده‌خودم راعرض می کنم کمیسیون تفسیر چنانچه خوانده‌شد باکثریت رأیشان‌براین بود که‌این‌ماده (۴۹)قانون محاسبات عمومی منافاتی با قانون اساسی ندارد چنانچه درجلسات گذشته هم دراینخصوص مذاکره شد کمیسیون تفسیر اعضایش اتفاقاعقیده‌شان‌براین بود که‌امورمالیه‌راجع‌بمجلس ملی‌است‌بآن‌معنائیکه اینجا خوانده شد که‌تصویب‌شده اورا هیچ‌هیئتی‌از هیئت‌های دولتی نمی‌تواند ردبنماید چه‌سنا وچه‌غیر سنا این مقدار از اختصاصی را هیچیك از اعضاء کمیسیون ردنکرده‌اند قبول کرده‌اند ولی‌مسئله که در باب آن کمیسیون تفسیر اکثریت واقلیت پیدا کرده‌است این‌بود که‌آیا درامور مالیه مجلس سنا هم حق‌مداخله رسمیه را دارد چنانکه لایحه قانون عمومی می گوید که کمیسیونی وزیرمالیه از حضور اعلیحضرت‌همایونی‌درخواست‌می کند که مرکب‌است از اعضاء دیوان محاسبات ومجلس ملی‌ومجلس سنا که‌مرکب شدن آن کمیسیون ازاعضاء مجلس سنا میرساند که‌مجلس‌سنا حق‌مداخله رسمیه رادر امور مالیه دارد ولی‌حق‌ردنمودن‌تصویب شدهٔ مجلس‌ملی را ندارد بااینکه مجلس حق این‌مداخله رسمیه را ندارد کمیسیون‌تفسیردراین‌باب اختلاف بهم‌رسانید اکثریت کمیسیون عقیده‌شان براین بوده که حق مداخله رسمیه را دارد فقط یك‌نفر آنها عقیده‌اش این‌بود که‌هیچ یك‌از هیئتهای دولتی حق مداخله رسمیه درامورمالیه ندارد ولی‌باز اکثریت کمیسیون همان بوده‌که عرض کردم واین‌اکثریت‌هم نظریه آنچه بنده فهمیده‌ام و اینجانهم در راپورت ملاحظه خوانده‌شده‌این‌است که‌این‌قانون‌اساسی [illegible] وپیش هریك ازماها هست وقتی نوشته شده‌است که ملیون درمقابل قوه استبدادی مجاهده می‌کردند و تمام همشان وعمده نظرشان‌این‌بود که‌امورمملکتی تماماً باید بطریقه شورا اداره بشود نه‌بمیل‌وفرمان یك‌نفر و در آن ایام چنانکه اتفاق هم افتاد هیچ نظر نداشتند باینکه‌باین زودیها مجلس سناتشکیل بشود بلکه‌نظربراین‌بود که‌بزودی‌تشکیل میابد همان مجلس‌ملی‌است وآنچه رامورملی‌باید پیش‌برود باید بترتیب شورا پیش برود و بتصویب مجلس ملی‌باشد اینستکه در قانون اساسی از این نقطه نظر غالب اموررا می‌بینیم که ارجاع بمجلس شورای ملی کرده‌است‌پس‌هرچه درقانون می‌نویسد که ارجاع بمجلس ملی می‌شود وازمجلس سنااسمی برده نمی‌شود نه‌ازجهة این‌است که مجلس سنا در این امور حق‌مداخله رسمیه راندارد بلکه از بابت این بود که عرض‌شد که آنوقت می‌خواستندوضع استبدادی رابرگردانند بشور او آن هیئت فوری هم که‌درآنوقت تشکیل می‌شد منحصربوده بمجلس ملی ازاینجهة اسم اورا بردند و باو اختصاص‌دادند والا هر چه را که مجلس شورای ملی حق دارد مجلس‌سناهم حق‌دارداین‌بود دلیل‌اکثریت کمیسیون تفسیر که بعرض‌نمایندگان وتماشاچیان رسانیدم که می گویند درامورات‌مملکتی که‌درقانون‌اساسی ذکر شده است حتی درآن موادی که بعضی‌ها اشتباه می‌کرده‌اند که در آنجا مجلس تنها حق مداخله درآن خواهدداشت‌اینطورنیست که‌اختصاص بمجلس داشته‌باشد مثلادر تأسیس دیوان‌محاسبات که در اصل (۱۲) قانون اساسی می گوید اعضای دیوان محاسبات رامجلس شورای‌ملی انتخاب‌خواهد کرد آنهم از همین‌نقطهٔ نظر بوده است که چون می‌دانستند مجلس سنا باین زودی تشکیل‌نمیشود و می‌خواستند وضع استبدادی رابر هم بزنند وبی ترتیب بکنند و مجلس ملی یك هیئتی بود ملی و شورا زودتر تشکیل می‌شداز اینجهت ارجاع کردند انتخاب اعضاء آنرا بمجلس ملی و الا بنا بر این نقطه نظرکه عرض شد او هم حق تعیین و انتخاب را دارد ودرصورتیکه مجلس سنا داشته باشیم‌باید مجلس ملی با معیت او اینکار را بکند حتی در سایر چیزها مثلا مثل معاش قشونی از چیزهائیکه صورتاً اختصاص داده شده است در قانون اساسی بمجلس ملی رأی‌مجلس سنا هم در آن دخیل‌است و اختصاص بمجلس ملی ندارد این‌مقدار راجع‌بود بمخبری بنده‌که بطور غیر رسمی مخبر بودم ولی چون اجازه خواسته بودم از جهت مجاز بودن می‌خواهم بعضی نظریات خودم را در این باب عرض بکنم این را هم عرض کنم که این یك نظری بود که اکثریت کمیسیون داشتند و رأیشان بر اینقرار گرفته بود نه اینکه تصور بفرمائید که اکثریت کمیسیون سنا خواه و طرفدار مجلس‌سنا بوده‌باشند [illegible] بود برای اینکه‌بعضی ازاعضاء [illegible] که [illegible] مجلس سنا هستم معهذا [illegible] مجلس سنا هم‌مثل [illegible] در امور مالیه را ندارد یا [illegible] مجلس سنا منافات دارد با قانون اساسی یا [illegible] ندارد بعضی‌میگفتند منافات دارد و [illegible] بر این بودند که منافات‌ندارد و [illegible] حق مداخله دارد نه اینکه ملاحظه‌بفرمائید که اکثریت‌کمیسیون سنا خواه بوده‌است بلکه صحبت در این بود که بموجب قانون اساسی‌نیست بعضی می گفتند این حق را ندارد و با قانون اساسی متناقض است اکثریت براین بود که منافات ندارد و سنا خواه هم نبودند برای اینکه عرض کردم که بعضی از اعضاء را بنده میشناسم که ضد سنابودند حالا داخل‌میشویم درمطلبی‌که‌می‌خواهیم عرض بکنم نظرات خودم بر این بود که‌این نظر

اکثریت که عرض شد و درراپورت هم خوانده‌شد این بود که چون قانون اساسی در وقتیکه نوشته میشد می‌خواستند اموررا ارجاع بکنند بهیئت‌های ملیه و از چنك استبداد بیرون بیاورند وآنوقت‌آن هیئت رسمی که‌معلوم و محرز بود که‌بزودی‌تشکیل میابد مجلس ملی بود از اینجهت ارجاع باوشد و از او اسم برده شده است والا مجلس سنا هم در هر امری از امورمملکت مداخله رسمی خواهد داشت چه مالیه و چه‌غیرمالیه بنده در اینجایك‌نظر دارم و آن این است که اگر چنانچه این نظر صحیح باشد و اسم بردن از مجلس ملی تنهادرآن اموریکه از مجلس اسم برده میشود از این باب و این نقطهٔ نظر بودلازم‌بود که درهیچیك ازاصول قانون اساسی اسمی از مجلس سنا برده‌نشودبجهت اینکه‌دلیل‌این‌بود که‌چون‌می‌خواستندوضع‌استبدادی را تغییر بدهند بوضع شورا و هیئت نزدیکی که تشکیلش نزدیکی بود این‌مجلس بود از این‌جهت ارجاع باو شده‌است ومجلس‌ملی نوشته شده است و اگربهمین جهة بود لازمه‌اش این بود که‌درهیچیك از اصول قانون اساسی اسمی از مجلس سنا برده نشود و فقط اکتفا بکند بآن اصل که‌بیان‌میکند که این مملکت مجلس سناهم خواهدداشت لکن می بینم که بهمین قدر اکتفا کرده است مثل اینکه در یك اصل از قانون اساسی قبل از آن اصلی که لزوم تشکیل‌مجلس سنارا میرساند ازسنا اسم‌میبرد و همچنین اصل های دیگرهم هست که اسم سنا در آنها برده‌شده‌است و بنده آن اصلهارامیخوانم آنوقت بسته‌است بنظر اکثریت مجلس مثلا ملاحظه می‌فرمائید در اصل (۱۷) از قانون اساسی ازسنا اسم میبرد و میگوید - لوایح لازمه را در ایجاد قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر می نماید که با تصویب مجلس سنا بنحه همایونی رسانده بموقع اجرا گذارده‌شود این اصل هفدهم است‌که قبل‌از آن اصلی‌است که لزوم تشکیل سنارامیرساند بعد دراصل نوزدهم میگوید که : مجلس حق‌دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط‌حکومتی در تقسیم ایالات و ممالك ایران و تجدیدحکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجراء آراء مصوبه را از اولیاء دولت بخواهد ملاحظه می‌فرمائید که‌در اصل (۱۷) و (۱۹) اسم‌مجلس شورای‌ملی‌ومجلس سنا هردو برده شده‌است فقط در اصل [۱۸] اسم مجلس ملی‌تنهاذکرشده‌است ودراصل‌بیست‌ودوم هم همین طور میگوید که : مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یافروخته می شود یا تغییری در حدود و تغور مملکت لزوم پیدا می کند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود - همینطوریکه ملاحظه فرمودید دیدید که در آنجا که اسمی از امور مالیه نبود اسم مجلس ملی ومجلس سنا هردورا برده است‌و اینجا همینکه پای مالیه دربین آمد فقط اسم مجلس ملی را برده است همچنین دراصل بیست وسیم می گوید بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکتهای عمومی ازهر قبیل وبهر عنوان ازطرف دولت داده‌نخواهدشد مسئله‌استقراض همینطوراست یعنی بتصویب مجلس ملی‌است وهکذا اصل صد و یکم متمم قانون اساسی که‌در کیفیت تأسیس‌دیوان محاسبات است میگوید که اعضاء دیوان محاسبات را مجلس برای مدتی‌که بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهند نمود - وهمچنین دراصل صدو پنجم میگوید مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب می‌شود وهکذا هرجا را که ملاحظه می‌فرمائید همینکه پای مالیه درمیان آمد فقط اسم شورای ملی برده میشود وانحصار میدهد بمجلس ملی و هیچ حق مداخله رسمیه در آنها به‌مجلس سناناداده است درصورتی که اگر مجلس سنا حق مداخله رسمی میداشت ولو بطور تفتیش باشد آنهم دریك هیئت تفتیشیه که‌رسما معین‌میشود برای تفتیش درمحاسبات دولتی که همه می دانید دیوان‌محاسبات یك‌هیئت تفتیشیه معظمی و از آن بالاتر هیئتی نیست بایستی درقانون ودرآن‌اصلیکه راجع بدیوان محاسبات است‌مجلس سناهم برده‌شده باشد واگر بازبفرمایند که بازبهمان دلیل که‌مجلس ملی یك‌هیئتی بوده‌که زودتر تشکیل می شد از اینجهت تنها اسم‌او برده‌شده‌ازاینجهت اسم مجلس سنا برده‌نشده است بنده هم باز عرض می کنم‌که نظر باینمطلبی بود جای دیگر هم اسم از مجلس سنا برده نمیشد و حال آنکه برده شده است پس معلوم می شود مختص بودن امور مالیه است ولو بطورتفتیش هم‌باشد بمجلس شورای ملی پس بنده عرض می کنم که‌مجلس سنا ولو بطور تفتیش هم باشد حقی ندارد چنانچه قانون اساسی می فهماند واینمطلب رایك قدری بیش ازاین تائید می کند که اصل ٤٦ قانون اساسی که دررابورت هم اشاره‌بآن شده است‌و بنظراکثریت کمیسیون همچو آمده‌است که می گوید امورمالیه بمجلس ملی میرود ودرآنجا تصویب میشود بعد میرود بمجلس سناد واگرمجلس سنا در آن‌نظراتی‌داشته باشد اظهار می کندلکن حق‌رد کردن ندارد وبعد برمیگردد بمجلس ملی و مجلس مختاراست که آن نظرات راتصویب‌بکندیا رد بنماید درصورتی که بنده عرض می کنم که این اصل مقصود بنده را تائید می کند وبرعکس آن چیزی است که اکثریت کمیسیون تصور کرده اند بجهت اینکه‌اصل ٤٦ میگوید که‌پس‌ازانعقادسناتمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور درسنایا ازطرف‌هیئت‌وزرا عنوان‌شده‌بایداول درمجلس تنقیح وتصحیح باکثریت آراء قبول‌وبعد بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی‌اموری که مجلس‌شورایملی عنوان‌می‌شود برعکس ازاینمجلس بمجلس سنا خواهدرفت مگر امور مالیه — مگر استثنا است یعنی مگرامورمالیه که او این‌طورنیست یعنی از این مجلس بمجلس‌سنا نمیرود بعدمیگوید وقرار مجلس درامور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که‌مجلس‌مزبورملاحظات‌رابمجلس ملی اظهارنمایدولیکن مجلس‌ملی‌مختاراست که‌ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقه لازمه قبول یا رد نماید - این تفبیریکه در عبارت داده شده است میرساند که این مور مالیه مثل آنها نیست یعنی از این مجلس بمجلس سنا نمیرود ولی سنا هم یك هیئت دولتی معظمی است نظراتی اگر درآن‌امور داشته باشد مثل سایر افراد مردم که این حق را دارند بنظر مجلس خواهد رسانید چنانچه دراینجا می گوید که مجلس مزبور ملاحظات خود را بنظر مجلس خواهد رسانید لکن مجلس اختیار دارد که آنها را بپذیرد یا رد نماید پس بنده بعد ازاین عرایض که عرض کردم باز عرض میکنم که از این اصلها همچو برمیآید که امور مالیه بطور رسمی راجع بمجلس ملی است ولو اینکه تمام‌افراد ملت حق تفتیش را دارند والبته باید بفهمند ولی بطوری که ازاین اصول فهمیده می‌شود بطوررسمی مخصوص است بمجلس که این کار را بکند واین رأی کمیسیون متناقض است باقانون اساسی برای اینکه قانون اساسی میگوید این حق رامجلس‌ملی دارد وغیر ازاو کسی این حق را ندارد این‌لایحه میگوید آنهم دارداین هم دارد این واضح است که تناقض می‌شود ودرآخر عرض خودم باز عرض می کنم‌چنانچه درتمام ممالك دنیا امروز معمول‌است اگرچه بطوری که قانون اساسی دارای این اصل است باید لزوماً مجلس سنا درایران تشکیل بیابد وتا این اصل ازاینجا از طرف ملت برداشته نشود باقی است و باید مجری بشود لکن در تمام دنیا دست‌چپ پارلمانها این مجلس را بالخصوص یکی ازمظالم میخوانند چنانچه عقیده بنده هم همین است واز نمایندگان بعد ازاین درایش از طرف اعقاب این ملت که هنوز حقوق خود را نفهمیده اند استرحام میکنم.

مستشارالدوله — مقدمة این را لازم است عرض کنم که این‌مطلب‌ربطی باین فقره ندارد که مجلس سنا تشکیل نشود این دو مطلب را باید بکلی ازهم تفکیك کرد لهذا خواهش میکنم از آقایانی که عقیده‌شان این‌است که‌مجلس سناتشکیل نیابد بشود ازآن نقطه نظر باین مطلب توجه نفرمایند تااین‌که معنای حقیقی این‌قانون را معلوم بکنیم — آقایان در ضمن مذاکره دریك ماده از قانون محاسبات عمومی فرمودند که بمجلس سنا مربوط نیست که‌در ضمن محاسبه دو نفرهم ازآنجا معین بکنند از برای عضویت کمیسیونیکه برای تفتیش معین میشود - جمعی دیگر اعتقادشان این بود که خیلی مناسبت دارد لهذا این مطلب راجع شد بکمیسیون تفسیر که‌بنده هم یکی‌از اعضاء آن هستم البته قبلاکه کسی وارد این‌مطلب بشود ودر اصل ٤٦ قانون اساسی وسایر اصلهای دیگر آن که میگوید امور مالیه از مختصات مجلس شورای ملی است بدواً نظر می کند بنظر آنها همچو میآید که پس درعمل محاسبه هم نباید مجلس سنا مداخله داشته باشد ولی وقتی که یك‌قدری مطالعه بکنیم‌وداخل مطلب بشویم می‌بینیم درمحاسبه مالیه مملکتی مجلس سنا همان حق‌را دارد که مجلس شورای ملی آنحق‌را دارد برای این‌که امور مالیه کلیتاً عبارت‌است ازجمع وخرج ومحاسبات درجمع و خرج حق همان بوده است که در قانون اساسی نوشته شده است که‌یکی ازمختصات مجلس شورای

www.iran-archive.com

ملی است برای این‌که جمع یك‌تحمیلی است که برملت میشود و مجلس شورای ملی مرکب است ازنمایندگان ملت یعنی ازآن اشخاصی که مالیات برآنها تحمیل میشود باید جمع مملکت را مجلس تصویب بکند وهمانطوری که باید مالیات رایعنی درآمد و عایدات مملکتی را تصویب بکنند وبر موکلین خودشان تحمیل بنمایند باید خرج‌را هم تصویب بکنند ولی‌مسئله محاسبه‌خودش مستقلا یك مطلب دیگری است که راجع است بصحت و سقم اعمال راجع است باخلاق اجتماعی ملت که باید ببینند که آیا آن مباشرین و آن محاسبین درست ازعهده برمیآیند یااین که نمی‌توانند درست از عهده برمیایند رسیدگی بیك همچو کاری معلوم است که‌هم حق مجلس شورای ملی است وهم حق مجلس سنا واگر بطور مبالغه اعتقاد بکنیم براین که هر آنچه که مربوط است و هر چیزی که نسبتش را می توان بمالیه داد مختص است بمجلس شورای ملی این واقعاً خیلی مبالغه است مثلا اگر مایك مجمع ادبائی میداشتیم برای تنقیح و تصفیه زبان فارسی ودرضمن صحبت می خواست متوجه بشود بالفاظ وکلماتی که راجع است بامور مالیه آنوقت مجلس می‌بایستی مدعی بشود که‌این‌مختصات مجلس ملی‌است خصوصاً این که یکی دوماده است درقانون اساسی که دراحت کامله دارد براینکه مجلس‌سنا می‌تواند بمحاسبات مملکتی‌مداخله بکند مثل این که اصل (۴۲) قانون اساسی می گوید که مجلس سنا حق رسیدگی درتمام امور مملکتی دارد و البته محاسبه را نمی توان از امور کلیه مملکت مجزا کرد در یك اصل دیگر می نویسد که وزراء مسئول مجلسین هستند وقتی که می گویند وزراءمسئول مجلسین هستند یعنی‌همه وزراء مسئول مجلسین هستند و اگر بنا بشود در هرآن چیزی که راجع است بامور مالیه راجع بمجلس شورا باشد آنوقت می بایستی بگویند که وزراء مسئول مجلسین هستند باستثنای وزیر مالیه که‌او فقط درمقابل مجلس‌شورایملی‌است برای اینکه وقتی گفتند تمام امور راجعه بمالیه حتی محاسبه هم راجع بمجلس شورایملی آنوقت در چه موردوزیر مالیه مسئول مجلس سنا خواهد بود بر فرض‌این‌دو مواد هم نبود فرض‌بفرمائید که‌مجلس شورایملی‌مرکب است‌از نمایندگان ملت مجلس سنا مرکب است از یك قسمت نمایندگان ملت ویك قسمت از نمایندگان قوه مجریه وایندوهیئت هم واضح است که برای این هستند که‌نظارت ورسیدگی بکنند در کلیه امورات خصوصاً بمحاسبات مملکتی دراینصورت نمیتوان گفت بایندو هیئت که‌شما ازآن‌درکه این‌مجلس مجلس‌ملی است باید در محاسبات نظارت بکنید واز آن در که اینمجلس مجلس سنا است نباید نظارت بکنید البته آنهائیکه از ملت برای عضویت مجلس سنا انتخاب میشوند حق دارند بامر محاسبات رسیدگی بکنند در اینخصوص حق این دو مجلس یکی است حتی اگر در یك‌محاسبه مجلس قانع بشود که اینمحاسبه صحیح است ولی مجلس سناقانع نشود باز حق‌دارد که‌مجلس سنا که‌آنرا رد نماید ومجلس شورا نمیتواند بگوید چون‌این‌راجع‌بامرمالیه است‌مختص‌بملی‌است‌ومن‌چون قانع شده‌ام شما دیگر حق‌اعتراض ندارید و همچنین اگر مجلس سنادر امر محاسبه یك‌تناقضی تصور بکند ملاحظات خود را بمجلس شورایملی پیشنهاد میکند مجلس‌شورا موافقت باآن ندارد نداشته باشد مجلس سنامیتواند ملاحظات خودرا تعقیب بکند مثلا تریاك را مجلس‌ملی‌متقال‌سه‌شاهی‌تصویب‌میکند دراینخصوص اگر ملاحظات مجلس سنا موافقت نکرد با ملاحظات مجلس ملی البته ملاحظات اوطرف اعتبار نیست‌و هم چنین‌در تصویب خرج آن باید مجلس ملی تصویب نکند ولی درآن اعتباریکه مجلس ملی‌در آنخصوص بهیئت وزراء داده‌است مجلس سنا حق‌دارد‌رسیدگی بکند واگر قانع نشد‌حق‌دارد‌بگوید که‌اینحساب‌صحیح نیست پس‌باین دلیل مجلس سنا هم‌مثل مجلس شورا حق‌دارد‌بمحاسبات‌رسیدگی‌بکند‌حالا اگردراینخصوص میگفتند که‌مجلس سنا و مجلس ملی علیحده علیحده بحساب رسیدگی‌بکنند معلوم‌است که‌اینکار‌تولید چه اشکالاتی خواهد کرد برای اینکه ممکن بود یکجائی را مجلس ملی صحیح بداند ولی‌مجلس سنا آنراصحیح نداند ازاینجهة گفته‌اند که کمیسیونی تشکیل بشود مرکب‌از اعضاء مجلس و دیوان محاسبات و دو نفراز مجلس سنا که اینها باتفاق هم‌رسیدگی در آنخصوص بکنند وباکثریت آن کمیسیون رفع اختلافات بشود .

حاج‌سیدابراهیم — بنده‌در اصل مطلبیکه آقای مستشار الدوله فرمودند فقط دو کلمه میخواستم عرض کنم که اینمطلبی را که گفتند صحیح است بجهة اینکه ترتیب‌امورات غیرمالیه‌را درقانون اساسی معین کرده است که راجع است بمجلس سنا و مجلس شورایملی ودر آنها اینهو مجلس باهم همدرشند اما درامور مالیه بعداز آنکه گفته است مخصوص مجلس است‌گفته‌است‌چطوروبچه‌قسم‌مخصوص‌مجلس‌است‌یعنی مجلس‌سنا‌بامجلس‌ملی‌دراینخصوص همدوش‌نیست‌برای اینکه‌اول‌درمجلس‌شورایملی تصویب‌میشود‌بعداز آنمجلس سناهم‌نظرات‌خودرادر آنخصوص‌اظهارمی کند‌ولی‌مجلس شورا مختار است در آنکه‌آن‌نظرات را رد یا تصویب بکند و اگر هم نگاه باصل قانون اساسی بکنیم نمی‌توانیم بگوئیم که امورمالیه بکلی‌ازمجلس سنا مجزااست فقط چیزیکه‌هست این است که‌مجلس سنا مداخله اش در امور مالیه مثل مداخله اش در سایرامورنیست فقط‌حقی‌که دارداین است که اطلاعات و نظریات خودش راباید بمجلس ملی اظهاربکند و مجلس ملی هم در رد و قبول آن مختار است‌و در خصوص محاسبات هم ما می‌توانیم امروز رای بدهیم بر این‌که فقط منحصر باشد بمجلس شورای ملی اما بملاحظه همان نکات و دقایقی که فرمودند که این امر راجع بمحاسبات‌کلیه مملکتی است‌لازم است که این اندازه را بمجلس سنا حق بدهیم که دو نفر یا سه نفری ازاعضاء آن در این کمیسیون باشد و بافلسفه وضع قوانین‌هم هیچ مخالفتی‌نخواهد داشت که این اندازه در آن مذاکره بشود و باید در این خصوص رای گرفت .

رئیس — چون عده زیادی از نمایندگان محترم‌اجازه خواسته‌اند مستدعی‌هستم‌مراعات‌مخالف و موافق را بنمایند .

سلیمان‌میرزا - بنده همین طوریکه‌آقای مستشار الدوله فرمودند بهیچوجه نظریات مسلکی را در این موضوع مدخلیت نمی‌دهم‌و تقاضامی کنم که نظریاتی‌که در این خصوص می‌شود از روی بی‌طرفی باشد تا این که ببینیم از اصول قانون اساسی چه استخراج می‌شود وچه برمی‌آید یگانه دلیلی که در این جا از کمیسیون تفسیر نوشته اند که خوانده می‌شود این است که چون در آنوقت نظر هیئت مقننه براین بود که کارها از ترتیب و طریقه استبدادیه‌خارج شده وداخل‌در ترتیب‌شوریه بشود و زودتر مجلسی که انتخاب و تشکیل می‌شد مجلس ملی بود بنابر این‌کلیه و بیشتر امورات را بمجلس ملی واگذار کرده اند که زودتر بتوانند از آن استفاده بنمایند و همچو تصور می کنند که هر جا لفظ مجلس هست می‌توان آنرا بمجلسین تفسیر کرد این دلیلی است که کمیسیون ذکر کرده است و بنده‌هم همانطوریکه آقای‌مستشار الدوله فرمودند تصدیق می‌کنم که اگر این طور باشدخوب‌است و مطالب خیلی سهل می‌شود ولی‌کلیه این رابایدد دانستکه در هر مملکتی افراد و ملت آن مملکت هرطوریکه خواست مملکت خودرا اداره بکندآن قانون می‌شود وملت هروقت بخواهد می‌تواندترتیب کارهای مملکتی خودش را بهر طوریکه بخواهد اداره نماید وآنهم بسته است بمراتب ترقی‌وتکامل این مملکت واگر نگاه بکنیم بترتیب مشروطیت سایر ممالك می‌بینیم‌که هر کدام بیك طوری کار های خودشانرا ترتیب داده‌اند مثلا درآلمان وزرا بهیچوجه مسئول مجلسین نیستند یا این که اتازونی مثلا انفکاك را رد کرده است که رئیس جمهوری حق‌ندارد کابینه‌را انتخاب‌نمایدپس نمی‌توانیم‌بگوئیم اگر این طور باشد بهتر است یاآنطور باشدبهتر است برای این که قانون بسته است بمیل ملت‌ومیل اکثریت ملت و اکثریت ملت هرچه را که خواست آن قانون است ومجرا است‌ومطاع ومتبع است‌حالا در قانون اساسی‌که بنده دقت کرده‌ام بعضی اصلها هست‌که در آن فقط اسم مجلس سنابرده شده‌است اصل (۴۳) و (۴۴) و (۴۵) است و معلوم است‌که هریك ازآنها مطاع و متبع است تاوقتیکه ملت واکثریت‌ملت آنرا اگرلازم دانست‌تغییر بدهد دربعضی جاهای دیگر هم هست‌که اسم مجلس‌برده می‌شود ازقبیل اصل ۲۳ و (۲۴) و (۲۵)که آقای مستشار الدوله هم فرمودند ودرهریك ازآن ها‌حقوق مختصه ازبرای مجلس معین‌میکند و اگر ماازین‌دلیل کمیسیون‌تفسیررا قبول‌بکنیم‌که چون‌نقطه نظر مقنن‌آن زمان این‌بودکه اول‌مجلسی‌که تشکیل میشود مجلس شورای‌ملی است از اینجهة اغلب از امور را بمجلس شورای ملی اختصاص داده است بنده عرض میکنم‌که در اینصورت ما باید خیلی از حقوقات مختصه مجلس‌شورای ملی را ازدست‌بدهیم مثلا در اصل ۲۲ که مینویسد مواردیکه قسمتی از عایدات یا دارائی دولت ومملکت منتقل یافروخته میشود درآنجا فقط‌لفظ مجلس را ذکر کرده است میتوان از این نقطه نظر مجلس را مجلسین فرض کرد ودر اصل (۴۲) در تعیین تکلیف عرایض که می‌نویسدبدفتر خانه عرایض مجلس عرضه بدارند پس اگر سنا تشکیل می‌شد می‌توان این‌مجلس‌را

در این جا مجلسین فرض کرد که عرایض حقه را بآنجا می‌توانند بدهند وهم چنین باز دراصل ۲۰ در موضوع مینویسد که بهر اسم وبهر عنوان واز هرکسی باشد باید بتصویب مجلس باشد در آنجا هم می‌توان مجلسین فرض کرد که‌هردوباید تصویب بکنند و بالاخره مطابق این تفسیر باید هیچ حقی را اختصاص بمجلس شورا ندهیم مثلا در اصل ۱۸ که میگوید تسویه امور مالیه جرح وتعدیل بودجه در وضع مالیات هاوغیر اینها راکه بتصویب مجلس موکول منحصر میکند هر دو مجلس‌حق برای‌این که مراد از مجلس بنابراین دلیلیکه ذکر کرده‌اند مجلسین است و هم چنین در اصل (۱۰۱) در انتخاب اعضاءدیوان محاسبات که‌هر چه ازترتیب مالیه مملکت و بودجه است درآنجااست ومخصوص میکند انتخاب‌آنهارا بمجلس شورای ملی ودراصل (٤٦) که بازامورمالیه‌را منحصر میکند بمجلس ملی درتمام اینجاها ممکن‌است‌کلمه مجلس‌راتفسیر بکنیم بمجلسین وبگوئیم هردومجلس دراین موارد بالسویه‌حق دارند زیراکه بهمان دلیلیکه فرمودند رسیدگی بحساب را تمام افراد ملت حق دارد و مجلس سنا هم مثل مجلس ملی‌است پس خوب است اینرا هم حق بدهیم‌که مجلسین بالاتفاق اعضاء دیوان محاسبات را انتخاب بکنند و اگر اینطور باشد کار بهتر میگذرد و بهمین جهة هم ممکن است از برای تفریغ بودجه سه نفر از مجلس‌سنا برای عضویت این کمیسیون انتخاب بشود و آن اشکالاتی راکه بنده آن روز در اینخصوص کردم یکی از نمایندگان که حالادر نظرم نیست که کدام یك از آنها بودند جواب فرمودند که ازبرای اینکه کمتر اختلاف نظر ما بین مجلس شورایملی ومجلس‌سنا حاصل بشود بهتر این است که دو نفر هم‌از مجلس سنا دراین کمیسیون باشند که‌تحقیق ورسیدگی کرده راپورت خودشان رابعرض مجلس برسانند بنده عرض میکنم که باینجهت بهتر این است که‌اعضاء دیوان محاسبات را هم که انتخاب مینمایند مجلس سنا مداخله داشته باشد زیرا که شمادر اینجا مجلس رانتفسیر میکنید به مجلسین و اینکه سناهم حق انتخاب دونفر باسه نفر رادر این کمیسیون داشته‌باشد پس‌بهتر این‌است که‌درانتخاب اعضاء دیوان محاسبات هم مجلس را بمجلسین تفسیر کنید که‌یك عده را هم مجلس سنا انتخاب بکند تااینکه هیچ اختلاف نظری پیدا نشودوبنده هرچه تصور میکنم می بینم که‌این دلیل کمیسیون راهیچ اهمیتی نمیشود دادزیراکه‌اگر مااین‌دلیل‌را قانع بشویم که‌چون آنوقت‌اولین مجلسیکه افتتاح میشد مجلس شورایملی بود وبنا بر این در اغلب جاها لفظ مجلس تنها راذکر کرده‌اند وبگوئیم که مراد ازآنها تمام مجلسین است باید این وظایفی راکه‌بنده عرض کردم که دراصل ٤٦ مینویسدامور مالیه ودر جاهای دیگر میگویدجرح وتعدیل‌بودجه تعدیل مالیات تغییر حدود و ثغور استقراض‌دولتی عرضحال‌تسویه‌امور مالیه‌تعیین‌اعضاء دیوان‌محاسبات گفت که حق‌هر دومجلس است وبالاشتراك حق دارند وبنا بر ان مجلس‌هیچ حق اختصاصی‌نخواهد داشت این‌است آنچه راکه‌بنده ازاین اصلها ومواد میفهمم‌واین عرایض راهم‌که‌بعرض آقایان‌رسانیدم هیچ‌از نقطه نظرمسلکی نبوده زیراکه فایده ندارد واین یك مسئله‌ایست که‌بسته است برای اکثریت مجلس هروقت اکثریت مجلس‌نخواست گفتن‌ماهم فایده نداردواستدعامیکنم ازآقایانیکه‌بعدازبنده‌لابد بنده‌رادارد‌خواهندفرمودباین‌دلائلی که‌بنده‌عرض کردم بااقلیت خودم این تفسیر راقبول نفرمایند زیرا که این تفسیر راقبول بکنید که‌هر جا که لفظ مجلس ذکر شده‌است‌مراد مجلسین است وقتیکه یك‌مجلس سنائی دراین‌دو ره یادوره‌دیگرمنعقد شدوبااعتراض کرد که چه‌شد که درمورد انتخاب دونفر از اعضا من‌در کمیسیون تفتیش برای اینکه بمن حق‌بدهید حکمه مجلس رابمجلسین تفسیر گردید ودر مورد انتخاب اعضاء دیوان محاسبات این‌تفسیر رانکردید آنروز دیگر جوابی نخواهد داشت که مجلس سنا راقانع ومتقاعد بکند و آنها خواهند گفت که بنا براین تفسیر مادرتمام حقوق بالاختصاص شماشریك هستیم وعقیده بنده این مسئله خیلی مهم‌است ومر قدر که‌در آن مذاکره بشود بیموقع نخواهد بود برای اینکه آقایان باید فکر بکنند وباکمال‌دقت در آن رای بدهند و هر چه بیشتر مذاکره بشود جادارد .

حاج آقا — تصور می کنم بعد از این بیاناتی که آقای مستشار الدوله فرمودند نظریات کمیسیون خوب ظاهر شده و دلیلمان هم نه این دلیل است که در راپورت نوشته شده است یعنی ظاهر قانون اساسی را تصدیق کرده باشند که اینکار از مختصات مجلس است وخواسته باشیم‌تفسیر بکنیم قانون اساسی‌را برخلاف ظهور او آن اصل از قانون اساسی بجای خودش صحیح است و همان طور هم باید باشد و فلسفه آن هم معلوم است و آقای مستشار الدوله هم بیان کردند که چون مالیات کلیه تحمیل برملت می‌شود باید به تصویب نمایندگان عموم باشدچنانچه درضمن‌قانون اساسی هم تصریح باین مطلب شده‌است ولی‌مسئله محاسبات مملکتی خودش‌یك‌مطلب‌مستقل مخصوصی است و نمی‌شود گفت که از مختصات مجلس است برای اینکه راجع بامور مالیه است درغالب‌پارلمان های عالم همانطورکه‌گفته شد امر مالیه اختصاص بمجلس داده‌اند که البته باید بتصویب مجلس و نمایندگان عمومی باشد هم درموقع وضع‌یك‌مالیاتی برای این‌که تحمیل می‌شود برملت وهم در موقع خرج برای اینکه اینها ازطرف آنهائی که مالیات را می‌دهند نماینده هستند ودراصل هجدهم قانون اساسی هم چنانچه شاهزاده سلیمان میرزا اشاره به آن کردند همین مطلب را تصریح میکند می گوید که تسویه امور مالیه‌جرح وتعدیل بودجه تغییردر وضع مالیات‌ها ردو قبول و عوض‌و فروعات همچنان میزبهای جدید که ازطرف دولت اقدام خواهدشد بتصویب مجلس خواهد بود ولی تفتیش درمحاسبه این یك‌چیزی نیست که راجع‌بجمع یاخرج یاتعدیل وجرح بودجه باشد یاغیر اینها خوب بود اگر یك جهة مخالفتی این ماده باقانون اساسی دارد آنرا بیان بکنید و همانطوری که فرمودند این راپورتی که داده شده است برای‌رسانیدن اصل مطلب‌وادله اعضاء کمیسیون کافی نیست ماهم تصدیق داریم که مراد از کلمه مجلس که در قانون اساسی می‌نویسد مجلس شورای ملی است نه مجلسین و تصور هم نمی کنم که کسی‌بگوید مراد مجلسین است ولی‌فقره در امور مالیه اختصاص بمجلس شورای ملی دارد زیادتر ازآن چیزی نیست که دراصل (۱۸) نوشته شده است وحکمتی هم که دراینکار هست که مجبور کرده است تمام عالم راکه این اختصاص‌رامجلس شورای ملی بدهند همان است که عرض کردم که‌جمع وخرج یك‌چیزی است که راجع است بعامه و عموم باید نظارت درآن داشته باشند واصل (۳۳) متمم قانون اساسی را اگرملاحظه‌فرموده باشند درآنجا می‌نویسد که هریك آن مجلسین‌حق تحقیق وتفحص درهر امری ازامور مملکتی دارند و واضح است که بزرگتر تحقیق و تفحص در محاسبه مملکتی است و البته معلوم است که در این تفتیش نقطه نظرش همان حدودی است که مجلس شورای ملی معین کرده است و از آن تجاوز نخواهد کرد برای اینکه جمع وخرج همان جمع و خرجی است که درابتداء سال مجلس تصویب کرده است فقط مجلس سنا یك‌نظارتی می کند در اینکه ببیند این چیزی که ازمجلس شورای ملی گذاشته است بهمان ترتیب که تصویب شده‌است عمل شده است یانشده است واین هیچ‌مخالفتی باقانون اساسی و اختصاصات مجلس نخواهد داشت و خواهش میکنم اگر کسی مخالفتی دراین خصوص می‌بیند فقط آن نقطه نظر مخالفت با قانون اساسی را بیان بکند چون ما می‌بینیم در این ماده قانون محاسبات عمومی که می‌نویسد کمیسیونی که تشکیل می‌شود برای تفتیش در محاسبات مرکب خواهد بود از اعضاء مجلس شورای ملی و دیوان محاسبات و دو نفر از مجلس سنا این‌ماده هیچ مخالفتی با قانون اساسی ندارد غیراز اصل ٤٦ که می نویسد پس انقاد سنا تمام امور بایدبتصویب‌هردو مجلس‌باشد اگرآن امور در سنا یاازطرف هیئت وزراعنوان شده باید اول درمجلس تنقیح شده باکثریت‌آراء قبول وبعد بتصویب مجلس شورای ملی برسد ولی اموریکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود بر عکس از این مجلس بمجلس سنا خواهد رفت‌مگر امور مالیه دراین جا می توان گفت که آن ماده مخالف باقانون اساسی است بعدمی گوید مگرامور مالیه‌که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را به مجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس مختار است که ملاحظات مجلس سنا رادر مدانه لازمه قبول یا رد نماید ولی من‌تصور می کنم که این‌اصل‌تفسیرش بهمان اصل هفدهم و هیجدهم خوب است و هیچ منافاتی ندارد برای این که امور مالیه را در آن دو اصل معنی کرده است که یا جمع است‌ویا خرج ولی راجع بتفریغ بودجه یا نظارت در امر بودجه که ما نگوئیم در کمیسیونی که برای تفتیش در حساب ها معین می شود که دونفر از مجلس سنا باشد هیچ مخالف نیست با این که امور مالیه مختص است به مجلس و حالا سایر آقایان هم

www.iran-archive.com

اگر مخالفتی در این مطلب با قانون اساسی مشاهده می فرمایند نقطه نظر خود را خواهند بیان فرمود و هرچه که مجلس رای داد همان خواهد بود

آقامیرزا احمد — بنده اولا یك اعتراض کوچکی بآقای مخبر دارم بنظر بنده کسی که مخبر یك کمیسیونی شد اول وظیفه‌اش این است که عقیده خودش را موافق با عقیده کمیسیون بکند و الا دفاع ودفاع نخواهد بود و انسان‌هم که‌میخواهد اظهاری بکند نمی‌داند موافق است یا مخالف بجهة اینکه بنده مثلا می بینم که با راپورت کمیسیون مخالفم ولی با مخبر موافقم و از این جهة مردم در اینکه مخالفت خود را عرض بکنم یا عرض نکنم این است که بعقیدهٔ بنده بعد از این مخبرینی که معین می‌شوند اگر عقیده‌شان موافق با اکثریت کمیسیون نیست واگذار بکنید دفاع را بیك مخبری که عقیده‌اش موافق باشد با اکثریت کمیسیون واز روی عقیده و سلیقه خودش دفاع بکند و اما راجع براپورت همانطور که گفته شد این راپورت صحیح نیست و دلیل او هم منطقی نیست برای اینکه میگوید که در آن وقت فقط نظر بر گشتن ترتیب استبداد بود دیگر التفاتی چندان بکم و کیف مجلس نداشتند و این معنی را تکذیب میکند عین اصل (٤٦) قانون اساسی که میگوید پس‌از انعقاد سنا و لفظ پس از انعقاد سنا دیگر محلی برای این نمی گذارد که بجهت تاخیر در انعقاد سنا بوده است که اغلب امور را بمجلس شورای ملی ارجاع کرده‌اند و این دلیلی را هم که آقای مستشارالدوله فرمودند ازحیث دلیلیت خیلی صحیح است ولی دراین مورد که‌ملاحظه‌میکنیم می‌بینیم که‌این فرمایش ایشان‌در واقع معارضه نص‌است‌با دلیل‌مثلا‌میفرمایند وزیر مالیه در مقابل مجلسین مسئول است یا اینکه مناقشه میفرمایند بیك مجمع ادبی که بخواهد در اصلاح کلیات راجع‌بامورمالیه مذاکره‌بکند اینهاهیچکدام وقتیکه ملاحظه می کنیم می‌بینیم که مقاومت با نص صریح قانون اساسی نمیکند و دلیلیت ندارد میفرمایند امور مالیه دو قسمت است یکی جمع و خرج است و یکی محاسبه و آنکه از مختصات مجلس شوری ملی است همان مسئله جمع و خرج است و امر محاسبه مختص بمجلس نیست ازکجا این را میفرمایند و از کجای قانون اساسی این استنباط را فرموده‌اند در صورتیکه لفظ امورتمام آنها را می گیرد برای اینکه آنچه راجع است بامور مالیه معلوم است که جمع و خرج و محاسبه است و نمی شود اینها را از هم تفکیك کرد برای اینکه لفظ شامل همه آنها است و اگر شما در خارج هزار دلیل اقامه بکنید با این یك جمله که می‌نویسد مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بودچه خواهید کرد این گذشته‌این‌ماده نرفته بکمیسیون تفسیر مگر برای اینکه این لفظ مجمل بود اگر مجمل نبود که مجلس رای نمیداد که برود بکمیسیون تفسیر و دلیلی نداشت رجوع بکمیسیون جز اجمال آن وکمیسیون در عوض اینکه رفع اجمال بکند اینطور راپورداده‌اند که چون آنوقت می‌خواستند استبداد را بردارند ونظر بمجلس سنا نداشتند از اینجهت است که اسمی‌ازسنا پرده نشده‌است‌درصورتیکه‌همین‌دلیلی‌راکه میفرمایند اصل (٤٦) تکذیب میکند اول‌راپورت را میخوانم ماده ٤٩ لایحه محاسبات عمومی در باب اینکه آیا مضمون آن با قانون اساسی مخالف است‌یانه درکمیسیون تفسیر مطرح گردید بالاخره رای‌اکثر کمیسیون بر اینقرار گرفت که مضمون ماده‌مذکور با قانون اساسی بهیچوجه منافاتی ندارد آن چه در قانون اساسی دیده می شود که پاره از امورراماننند امور راجع بمالیه منوط بتصویب مجلس ملی کرده و بآن ارجاع می نماید من دون اینکه از مجلس سنا اسم ببرند من باب این است که آن امور راجع بمجلس تنها است وسنارا درآنها حق‌مداخله رسمیه نیست بلکه من باب اینست‌که هنگام نوشتن قانون اساسی نظرها مقصود بود به تغییر وضع استبدادی که تمام امور بسته بفرمان یك نفر بود بوضع شورا که امور بسته برای اکثریت ملت‌است وچه میشد که مدار بودن رای یك نفر برای‌دوران امور نسخ شده حکومت ملیه وطریقه شوریه بجای آن برقرار گردد از این معلوم می شود که مقصود اعضاء کمیسیون اینست که در آنوقت نظرشان به مجلس سنا نبوده حالا این عبارت اصل [٤٦] را می خوانم می نویسد که پس ازانعقاد سنا تمام‌امور باید بتصویب هردو مجلس باشد آنوقت در خاتمه اینماده میگوید مگر امور مالیه‌که مخصوص‌مجلس شورای ملی خواهدبود این صریح است در اینکه امور مالیه مختص است مداخله در آن بمجلس و این فرمایش آقایان‌دلیلی است در مقابل این‌فصل و از حالا تا دو ساعت از شب رفته هر قدر دلیل اقامه کنید ابداً عمومیت کلمه امورمالیه رانمی‌توانید بر دارید و مسئله جمع و خرج و محاسبه هیچ از همدیگر مجزا نیستند تمام از امور مالیه هستند و امور مالیه تماماً راجع بمجلس شورای ملی است و از مختصات او است فقط چیزیکه هست آن‌اصل ۳۳ متمم قانون اساسی است ولی آنهم ربطی به این مطلب ندارد و تفحص وتفتیش آن چیزی‌است که در تمام ادارات میشودحتی‌درهمین کمیسیونی که از اعضاء مجلس‌شورای ملی ودیوان محاسبات باید تشکیل بشود برای تفتیش در اعمال این کمیسیون هم حق تفتیش را دارند واین یك حق دائمی‌است که از اول سال تا آخر سال آن حق را مجلسین دارند ولی این مطلب ربطی ندارد بآن چیزیکه بالاختصاص حق مجلس شورای ملی است فرمودند که اگر بنا باشد که تمام امور مالیه راجع بمجلس شورای ملی و ازمختصات او باشد دیگر مسئولیت وزیر مالیه در مقابل مجلس سنا معنی ندارد بنده یك نقص میکنم و از ایشان جواب‌می خواهم‌ایشان لابد همین طوریکه خودشان فرمودند قبول دارند که تصویب جمع وخرج مالیه مملکتی از مختصات مجلس شورای ملی است‌نسبت بهمین‌جمع وخرج وزیر مالیه چطور میتواند در مقابل مجلس سنا مسئول باشد وحال این که درهمان اموری‌که راجع بمجلس شورای ملی است مجلس سنامیتواند اورا مسئول قرار بدهد پس مسئولیت وزیر مالیه درمقابل مجلس سنادلیل نمیشود از برای این که مجلس سنا مداخله درامور مالیه بکند واما‌این‌که راجع بادبیات فرمودند بنده خیلی تعجب می کنم ازاین فرمایش ایشان می‌فرمایند اگر مایك مجمع ادبی میداشتیم و او شروع باصلاح زبان فارسی و کلمات آن می کرد دراثناء که میرسید بکلماتیکه راجع بمالیه است و در آنمورد استعمال می شود بمجلس شورای ملی خواهد گفت که امور مالیه راجع است واز مختصات من است و شما در این اصلاحی که می‌خواهیدبکنیدباید ازمن‌اجازه‌بخواهید ازایشان انصاف می‌خواهیم که ببینند چقدر فرق دارد مسئله‌جمع وخرج ومحاسبه امورمالیه بااصلاح کلماتی که راجع است بمالیه و در یك مجمع ادبی آنرا بخواهند اصلاح بنمایند اینها تمام استحبابات است واستحبابات رانمی توان درمقابل نص صریح قانون اساسی قبول کرد برای این که‌نص صریح قانون اساسی است که امورمالیه ازمختصات‌مجلس شورای ملی است حالا اگر دلیلی آوردند که‌مراد ازامور مالیه فقط همان جمع‌وخرج است و محاسبه خارج است‌از امور مالیه آنوقت بنده میتوانم قبول بکنم که محاسبه ورسیدگی بآن‌از مختصات مجلس شورای ملی نیست .

موتمن‌الملك — بنده باید تاریخ این مسئله را از اول عرض کنم تا مطلب درست معلوم شود در ماده ٤٩ قانون محاسبات عمومی نوشته شده است که یك کمیسیونی باید انتخاب شود مرکب از ۱۲ نفر شش‌نفر ازمجلس شوای ملی سه‌نفر ازمجلس سنا وسه‌نفرازدیوان محاسبات‌برای اینکه بروند به‌بینند این حسابهائی را که وزراء بمجلس یا مجلسین داده‌اند حقیقت دارد یانه یعنی موافق ومطابق‌است‌باآنچه‌دردفتر خودشان‌نوشته‌اند یا مطابق نیست بعضیها اشکال کردند که‌این ماده با قانون اساسی منافات دارد حالامی‌خواهیم‌به‌بینیم که چنانچه بعضیها ایراد کردند این مسئله باقانون اساسی مخالفت دارد یانه یعنی وجود این سه نفر اعضاء مجلس سنا دراین کمیسیون باقانون اساسی منافات دارد یانه‌یعنی‌می‌خواهیم به‌بینیم موافق‌قانون اساسی این‌کار ازحدود سنا خارج‌است یانه سنا یاد هرمجلس که دریك مملکتی باشد چه‌نوع‌اختیاراتی می‌تواند داشته باشد یکی ازاختیارات نظارت‌است یعنی حق تفحص و تفتیش وحق سئوال و استیضاح است و اگر عیبی در جائی ملاحظه کرد ایرادو استیضاح می کند این‌یك درجه از اختیارات یعنی حق نظارت درجه دوم که بالاتراست حق تصویب است یعنی اگر قانونی بآن مجلس پیشنهاد شد و تصویب شد و رای داد آن قانون قبول است و اگر رد کرد قانون نیست حالا می خواهیم بدانیم این مسئله در ماده ٤٩ محاسبات عمومی راجع بکدام یك از این دو نوع اختیار است راجع بمسئله تصویب است یعنی رای قاطع دادن یا راجع است‌بمسئله نظارت بنده‌گمان میکنم که‌این راجع بمسئله نظارت است‌وهیچکس اینجا نمیتواند بگوید که مجلس سنا حق نظارت ندارد ماده ۳۳ قانون اساسی می گوید که مجلسین حق تفتیش و تفحص درتمام‌مملکت‌دارند دیگر نمیگوید‌باستثنای

مالیه بعداز آنکه حق تفحص و تفتیش را دارد اگرعیبی در امورملاحظه کردند بموجب ماده‌دیگری که اصل ٦٠ است حق استیضاح دارند وآنماده‌این طورمیگوید که وزرا درمقابل هریك از مجلسین مسئول هستند این‌یعنی‌مجلس سنا اگر دید که‌بعضی امور مختل است می تواند وزرا را بخواهند و از آنها استیضاح بکنند پس بنده نمی‌بینم اینماده٤٩ باین ترتیبی که‌نوشته‌شده‌است‌مخالفت باقانون‌اساسی داشته باشد اما آمدیم بمسئله تصویب حق تصویب یعنی رای‌قاطع‌دادن یعنی دریك‌امری که‌رای‌ندادند ردشده محسوب‌شود بنده عقیده‌ام‌این است که‌مجلس سناموافق‌قانون اساسی‌درتمام امور حق‌تصویب‌دارد مگر آنچه‌راکه‌قانون‌اساسی‌مخصوصاً‌استثنا کرده‌است استثناهم ازراه‌تفسیر توسعه‌بردار نیست‌مسئله استثنایك مسئله‌است که باید اول‌یك‌قاعده کلی را درنظر گرفت وبعد هرچه‌در قانون استثنا شده‌است همان‌رادر تحت ملاحظه درآورد بدون اینکه ازراه تفسیر وتعبیرمعنی آنرا توسعه داده بعبارت‌اخری استثنا همان است که نوشته شده بدون اینکه معنی آن را بتوان زیاد یاکم کرد حالا ببینیم درمسئله تصویب چه اختیاری قانون اساسی بمجلس سنا داده است ماده ٤٦ که خوانده شد تقریباًدر اواخر قانون اساسی است‌واگر هم بعضی از مواد باشد که اسباب تردید و تشکیك باشد اینماده بکلی تردید را رفع میکند میگوید پس‌از تشکیل سنا تمام امور بتصویب هردو مجلس باید باشد اگر آن امور درسنا ازطرف‌هیئت وزرا عنوان شده باید اول درمجلس تنقیح و تصحیح شده باکثریت آراء قبول وبعد بتصویب مجلس‌شورایملی برسد ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس ازاین مجلس بمجلس سناخواهدرفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد م.لس‌مذکور باطلاع مجلس سنا خواهد رسیدکه مجلس مزبور ملاحظات‌رابمجلس شورایملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی‌مختاراست که‌ملاحظات مجلس سنا را بعداز مداقه لازمه قبول یارد نماید درآخر ماده توضیح میکند که‌غرض‌ازرفتن بمجلس سنا یعنی‌چه و اختصاص یعنی‌چه پس‌در امور مالیه علاوه‌بر اینکه مجلس سنا حق‌نظارت دارد یك حق‌استشاری هم‌دارد یعنی باو میگویند که ما فلانکار را میخواهیم بکنیم شما چه صلاح میدانید حالا دور نیست ایراد کنند که رای آنها محل اعتبار نیست‌بچه جهت بآنها رجوع میکنند ولی بنده عرض میکنم ممکن است ازمذاکراتی که در آنمجلس میشود یك نتیجه‌صحیحی‌بدست‌بیاید پس‌در امور مالیه‌هم‌هرطوری که‌در مجلس قرار داده میشود باید باطلاع سنا برسد اوهم مذاکره میکند ممکن است در ضمن مذاکرات خیلی مطالب معلوم شود و باطلاع‌بمجلس برسدو مجلس متقاعد بشود لکن اگر مجلس سناقبول نکرد و ردکرد آنوقت این‌رای مجلس سنا مناط اعتبار نیست این‌قسم‌رای استشاری‌است که باصطلاح‌فرنگیها (کونسول تاسیف‌اس) آقای مخبر ایراد کردند ولفظ مگررا بیك تعبیر دیگری بیان کردند و گفتند که مقصود متضمن این بوده است که اموری که بمجلس شورایملی میآید نباید بسنا برود بجهت‌اینکه مقنن میگوید مگر اموری که مختص بمجلس شورایملی‌این لفظ مگر رااینطور معنی کردند وحال‌آن که اینطور نیست ماده ٤٦ میگوید تمام امور بسنا میرود مگر امور مالیه که مخصوص خواهد بود بمجلس شورایملی وبعدهم توضیح میکند که بچه‌ترتیب مخصوص مجلس شورایملی خواهد بود یعنی قراردادش باید باطلاع مجلس سنا برسد ولی رأی سنا در رد مناط اعتبار نیست ماا گرمیخواستیم اشکال‌تراشی بکنیم‌میتوانستیم بتعبیر دیگری اختیارات سناوا بیشتر بکنیم (ماده مزبور را مجدداً قرائت کرد) بموجب قسمت‌اول ماده ٤٦ درهرامری ولو راجع بمالیه اگر ازطرف وزرا پیشنهاد مجلس بشود باید بمجلس سنا برود واز آنجا بیاید بمجلس شورایملی ولی بنده اینطورتعبیرنمیکنم بجهت اینکه نمیخواهم اشکال تراشی بکنم همینقدر بنده عرض میکنم که باید روح‌قانون را ملتفت‌شدابنجا میخواهم جواب ایرادی که شاهزاده سلیمان میرزا کرد عرض کنم ایراد کردند اگر شما بخواهید بآن ترتیبی که در این راپورت تعبیر کرده‌اند بعضی ازمواد قانون اساسی را تعبیر بکنید مجبور میشوید که‌در انتخاب اعضاء دیوان محاسبات هم بامجلس سنا شرکت‌بکنید خیراینطور نیست ما اول باید به بینیم قوه مقننه‌چه‌نوع اختیارات باید داشته باشدوقاعده‌کلی برای قوه مقننه ومجریه چه‌چیز است‌این است که‌قوه مقننه‌وضع‌قانون‌میکشد وقوه‌مجریه‌دخیل‌در اجرائیات وامور اداری است ولی‌بعضی اوقات میآیند استثناء بملاحظاتی‌بعضی‌کارهای‌اداری‌را ازقوه‌مجریه‌میگیرند ومیدهند بدست قوه مقننه‌مثل فروش اموال دولتی که جزءامورادارای‌است‌نه‌جزءامورتقنینیه‌ومثل‌تعیین‌اعضاء دیوان محاسبات که راجع است باجرائیات و ترتیب ادارات واین‌قسم اموری‌که راجع است بقوه‌مجریه واداری اینها را بطور استثنا آورده اند داده اند بقوه مقننه باید ببینیم‌بکدام یك ازاین دوقوه‌مقننه داده‌اند چنانچه عرض کردم استثنا توسعه بردار نیست اینکارهائی که متعلق بوده است بقوه مجریه وآورده‌اند بقوه مقننه رجوع کرده‌اند وهر کدامش را که بیکی ازاین دو قوه مقننه رجوع کرده اند اورا از راه تفسیر وتعبیر نمیتوان توسعه داد اگر بمجلس سنا رجوع کرده‌اند دیگر نمی‌توان‌بتفسیر توسعه داد وراجع بمجلس ملی هم کرد وبالعکس پس قاعده کلی این است که آنچه ازامور تقنینیه را بقوه مقننه داده‌اند مجلس‌ملی ومجلس سنا‌هردو بطورتساوی حق‌مداخله درآن امررا دارند‌باستثنای آن چیزهائی که مقنن مخصوصاً استثنا کرده است وهریك از امور اداری یااجرائیه را بهرکدام از مجلسین رجوع کرده اند اختصاص بهمان مجلس دارد بدون اینکه بتوان از راه تفسیر آن حق را بمجلس دیگر داد یك مسئله دیگر را میخواهم عرض کنم وآن این است که بعضی آقایان ماده ۱۷ و۱۸را مأخذ قراردادند برای بعضی‌مذاکرات واظهار بعضی عقاید بنده عرض می کنم اصل ۱۷ را بااصل ۳۳ مقایسه بکنید ببینید مخالفت‌وضدیت دارد یانه اصل ۱۷را میخوانم(بمضمون ذیل‌قرائت کرد) اصل۱۷ - لوایح لازمه را در ایجاد قانونی یاتغییروتکمیل ونسخ قوانین موجوده مجلس‌شورای ملی درموقع حاضر می‌نماید که باتصویب مجلس سنا بصحه همایونی رسانده بموقع اجرا گذارده شودبموجب این اصل۱۷قوانین تازهٔ را که‌میخواهیم وضع وبانسخ بکنیم بایدبتصویب سنا هم باشدیعنی تمام لوایح لازمه وقوانین چه در وضع وچه در نسخ بایدبتصویب هردو مجلس باشد اصل۳۳ راملاحظه بفرمائید می‌نویسد قوانین جدید که محل حاجت باشد دروزارتخانه های مسئول انشاء و تنقیح یافته بتوسط وزرای مسئول یاازطرف صدر اعظم‌بمجلس شورای‌ملی اظهار خواهدشد وپس ازتصویب‌مجلس بصحه همایونی موشح گشته بموقع اجرا گذاشته میشود واینکه گفته شد که درهر ماده که اسم مجلس برده شده است‌آنماده اختصاص بمجلس‌دارد این مسئله بنظر نمیآید زیراکه اصل ۱۷میگوید قوانین جدید بامجلسین است ولی ماده ۳۳ قوانین جدیده‌را راجع‌میکند‌بمجلس گمان‌نمیکنم که‌آنوقت که متن این قانون اساسی را نوشت این نکات را ملتفت نشده باشد و نباید خیال کرد که هرجا اسم هردو مجلس برده نشده‌است ازاین راه نبوده است که‌باید حکماً آنمسئله فقط راجع بمجلس باشد وسناهیچ حق‌مداخله نداشته‌باشد اگر اینطور باشد آن‌اشخاصی که‌با بندهم‌رأی نیستنداز ایشان خواهش دارم که‌این اصل۳۳ را بااصل ۱۷ مطابقه کنند به‌بینندچه‌معنی‌میدهدودیگر اصل۳۱ راملاحظه کنید مینویسد وزراء حق‌دارند در اجلاسات مجلس‌شورایملی حاضر شده‌ودرجائیکه‌برای آنهامقرراست نشسته مذاکرات مجلس‌را بشنوند واگرلازم دانستند از رئیس مجلس‌اجازه نطق‌خواسته توضیحات‌لازمه را از برای مذاکره‌و مدافعه امور بدهند پس‌از این روروقتیکه‌مجلس‌سنا تشکیل شد ووزراءبخواهندبروند بمجلس سنا از آنها جلوگیری خواهد شدکه بروند بمجلس سنا زیرا تنها بمجلس ملی نوشته‌است بروند و اینمخالفت دارد باقانون اساسی واین‌راهم‌عرض کنم که‌کمیسیون دو دلیل داشت انسان وقتیکه دو دلیل دارد دریك مطلب یکی از آن دلایل که‌خیلی قوی است ذکر میکند و اینمانع نمیشود از اینکه‌آن‌دلیل که ضعیف‌تر باشد آنرا نگویدو اینمسئله کمیسیون ۱۲ نفری راجع بماده ٤٦ نیست که‌درآن اختلافی باشد عقیده کمیسیون اینستکه آنچه‌درماده ٤٩قانون محاسبات عمومی نوشته شده راجع بتصویب نیست که سنا حق نداشته باشد بلکه راجع بنظارت است تعیین تفحص وتفتیش این‌نه‌شامل ماده ٤٦ است نه‌شامل۱۸ نه‌هیچکدام از اینمواد فقط درماده ۳۳ مینویسد که‌در تمام امور مجلس حق تفحص‌و تفتیش را دارد و در ماده ٦٠ که‌میگوید وزراء در مقابل مجلسین مسئول هستند اینهو ماده تمام این اختلافات‌واشکالات رارفع میکند در کمیسیون در اینمسئله ماده ۱۸ اینکه‌آنوقت قانون اساسی‌را مینوشتند یك سلطانی‌بود وفقط‌نظر مردم بآن سلطانی بود که‌میخواستنداو را تغییربدهند وامورراجع بهیئت شوروی کنند مذاکره شدولی اشکال کمیسیون‌فقط‌باین دلیل‌نبود اینمطلب‌مابدلایلی بود که فقط درضمن مذاکرات گفته‌شد حالا اگر شما میفرمائید اینلایل‌سست‌است چه‌عیب دارد کمیسیون میتواند که‌آنلایل‌را محو بکند وبادلایل دیگرقوی‌تر که‌ماده ٤٦ ومواد دیگر ثابت‌بکندوهیچ متعرض‌آن دلایل نشده حالاماده ٤٦و ماده ۳۳ و ماده ٦٠ را ملاحظه‌بفرمائید معلوم میشود که‌اینماده ٤٩ محاسبات عمومی به‌هیچوجه‌باقانون اساسی‌مخالفت‌ومنافات‌ندارد .

www.iran-archive.com

نایب‌رئیس — مذاکرات گویا بقدر کفایت شده است (اظهارشد رأی بگیرید.)

آقامیرزا اسدالله‌خان — مغز عقیده اش مخالف است باکمیسیون وحال آنکه بایدهمراه باشد ومدافعه از راپورت کمیسیون بکند.

آقاشیخ رضا- بنده‌ازبابت‌توضیح آمدم‌اینجا که بعض اعتراضات به بنده شد عرض کنم امامهم مسلك محترم آقای آقا میرزا احمد گفت که فلانی وظیفه‌مخبری رانگاهداشت واین صحیح نبودبجهت اینکه بنده عرض کردم‌که رسماً مخبر نبودم‌وازبابت مخبری نیامده‌ام اجازه خواسته‌ام و حضرات اعضاء کمیسیون میدانندکه بنده رسماً مخبری‌را در عهده نگرفتم‌وقبول نکرده بودم واو اینکه عمل‌مخبری راکه راپورت‌نوشتن‌باشد من کردم لکن مخبری را بعهده نگرفتم اما یك اعتراض دیگرکه آقا میرزا احمد کردند این بودکه این دلیل که نوشته است منطقی‌نیست وآقای مؤتمن‌الملك هم‌یکقدری سست کردنداین دلیل‌را زیرا منطقی بودن غیرازجواب دادن‌است یکدفعه‌این‌است که منطقی نیست یکدفعه این‌است که مطلب منطقی‌است ولی جواب دارداین ممکن‌است‌که یك مطلبی باشد بادلیل ولی دلیل اوجواب داشته‌باشدچنانکه هر کس از اهل استدلال باشد میداند اینکه اینجا بنده عرض‌کردم و در راپورت‌خوانده شددلیل‌است منتهی بنده آن‌نظراتم را جواب میدانستم ودلیل بودن نظرات خودم را حق میدانم ودلیل بودن هم یك حقیقت دارد لازم است با اینکه من مخالف بودم طرفداری از آن حقیقت بنمایم بنده عرض کردم که‌اکثریت کمیسیون مثبت بودند ومطلب هم یکی بآن اصل ۳۳ازمتمم قانون اساسی بود یکی اینکه این‌قانون اساسی‌در وقتی نوشته شد - آقایان چون صحبت میکنند و متوجه نمیشوند این بود اظهارات من بهوا رفت آنوقت اعتراض‌میکنند بچیزهائیکه گفته نشده‌است یا اینکه بنده صریح عرض‌کردم که راجع بمسلك نیست وکسانی که رأی دادند در کمیسیون نه‌ازبابت مسلك بود باز حرف مسلك پیش آمد نمیدانم این مسلك چه بلائی‌است‌بینندچه عرض میکنم آنوقت اعتراض بکنید بنده عرض کردم که اعضاء کمیسیون یکی‌را می‌شناسم که ضد سناست دیگران رانمی شناسم ولی صریح عرض‌کردم وعرض می کنم که جای ملاحظه مسلکی اینجا نیست توقع وتمنی دارم که درست ملاحظه بفرمائید واستماع فرمائید حالا امروز اینجا همان اشخاص وهمان اعضاء بفرمایند که غلط فهمیدی وبدنوشتی ما برگشته‌ایم ازآن عقایدودلیل ما غیراز این بود ممکن‌است بفرمائید ولی آنچه که امروزبنده گوش داده ونوشتم این‌بود که این‌قانون‌اساسی که‌نوشته میشد درمقابل استبداد بود که میخواستند بوضع شوروی برگردانند و مجلس که رودتر تشکیل میداد وضع شوروی را این مجلس ملی بود که امور را باو واگذارند و اینکه تنها در همه جا اسم مجلس ملی برده‌شده است بهمه آنها مجلس سناداری است وشامل سنت ودر دیوان محاسبات هم همینطور است امروز هم اگر نفرمایند باید یك روزی بفرمائید وباید اینرا صادر کردواین دلیلی که ذکر شد منطقی است‌شما که می‌بینید که اسم برده نشده است ازسنا این نه ازبابت این‌است که‌آن‌دخالت‌ندارد ازبابت این است که آن روز هیئتی که تشکیل میشد این مجلس شورا بود پس شما نگوئید که این دخالت ندارد مؤید اینمطلب‌اینکه ماده۴۶ قانون اساسی‌میگوید تمام‌اینمطالب‌مربوط‌بمجلسین‌است‌بآن ترتیبی که‌ذکر شدحالاجوابی که‌ازاین بابت‌بایدداده شودواشخاصی که باید جواب بدهند وازجمله یکی بنده‌هم عرض کردم اگر نظر باین بودکه من‌باب اینکه‌مجلسی که‌زودتر تشکیل‌میشد مجلس ملی بودمجلس‌دیگری نبود وفقط ایرادایمطلب است‌لازم بود که‌درهیچیك از مواد اسمی ازسنا برده نشود فقط منحصر میشد بآن ماده‌که لزوم مجلس سنا را میرسانید پس حالا می‌بینیم‌که درخیلی جاها اسم مجلس سنا برده شده است و درجای دیگر اسم برده نشده است چنانچه عرض کرده ام درمواد (۱۷) و (۱۹) امور راجعه بمجلس سناذکرمیشود و درماده [۱۸] وهرجائیکه پای مالیه درمیان است ذکر نمی شود ولو اینکه آن امور مالیه مثل تفتیش و نظارت هم باشد پس معلوم می‌شود ازاینهاکه نظر بر این نبوده است که ذکرکرده اند نه ازآن راه‌نظری‌است‌که‌آقایان فهمیده اند بلکه از نقطه نظری است‌که آن امور چنانچه آقای آقامیرزا احمد فرمودندکه امورجمع است متعلق‌است بآچیزیکه راجع است به مجلس شورایملی رسماً اماغیر رسمی مانعی نیست چنانچه عرض‌کردم که این هیئت مقننه معظمه ازآن قبیل امور نیستندکه هیچ اسمی ازمجلس سنا برده نشده است واینبدلیل است‌که درتفتیش و نظارت هم حق مداخله رسمی مجلس سناندارد واگر میداشت‌نوشته میشد و اما بعضی اظهار فرمودند بنا بر این وزیر مالیه‌مسئول‌مجلس‌سنانبایدباشدزیراامورمالیه‌که‌راجع بمجلس شورای ملی شد وزیر مالیه مسئول مجلس شورای ملی خواهد بود دیگر مسئول مجلس سنا نخواهد بود بجهت اینکه آن اموررراجع باونیست کهوزیرش هم‌مسئول آنجا بشود عرض میکنم امور دونسم است یکی‌اموری است‌که درجریان او وزیر مسئول است‌یکی اموریکه مختص بمجلس شورایملی است‌ولی درجریان اموروزرا مسئول هستندمثلا در فلان مطلب وزیر درمانده است ودرست اجرانشده است ویا اینکه غیراز این بوده است این البته در جریان امور مسئول است‌بلی در جریان اموریکه مجلس شورای ملی بهیئتی‌که از طرف وزیر مالیه تعیین‌می‌شود ومی‌آورندکه بنظر مجلس شورای‌ملی برسانند ومجلس هم گفت‌صحیح است بعهده‌مجلس‌سنا رفت ونظرات خودشانرا کردند و برگشت ثانیا به مجلس شورای ملی وگفتند که جزاین نظرات‌صحیح نیست ودرآن امور مصححه مجلس سنا حق تأکید نخواهد داشت مثلا این دیوان محاسبات بعد از نظرات زیادو تفتیش بآن عظمت و رجوع بمجلس شورای ملی واز مجلس شورا فرستادن بمجلس‌سنا و نظرات مجلس‌سنا درآن وتصویب نشدن نظرات مجلس سنا در مجلس‌شورای ملی باز درهمان امور وزیر مسئول مجلس سنا باشد استیضاح از او کنند هیچ معنی ندارد بلی اگر درموردی مجلس سنایك عیبی یك سکته‌در جریان امور مالیه دید که مجلس شورای ملی از او غفلت داشت آن وقت استیضاح بکند آنرا حق‌دارد ولی بآنطوری که عرض کردم البته وزیر مالیه مسئول نخواهد شد همان استکه عرض کردم چیزی را که مرجعی تصویب و دقت تمام کرده است چطور می‌شود که غیر مرجع آن را ردکند دیگر آنکه آقایان می‌فرمایند دخل و خرج مملکت تصویباً راجع به مجلس شورای ملی است یعنی اگر تصویب‌یك‌امر مالی را مجلس کرد سنا ردنمی‌تواند بکند بلی نظراتی می‌تواند درآن داشته باشد مثل سایر مردم ولی رد نمی تواند بکند وفلسفه این که‌چرا این‌طور است برای‌اینکه مجلس شورای ملی نمایندهٔ مالیات دهندگان است و نماینده همه است از شاه تاگدا باین‌جهت امور مالیه‌هم بتصویب مجلس‌شورای‌ملی است‌مجلس سنا من که نمی‌توانم خودم‌را گول‌بزنم مثل‌همه‌جای دنیا مجلس اشراف‌است بعبارة اروپائی‌ها مجلس لردها است‌ازاین نقطه نظر تصویب امور مالیاتی که‌راجع بملت‌است راجع بمجلس شورای‌ملی است ودرسایر ممالك همین‌طوراست مجلس‌سنا که‌مجلس اشرافست آنها گیرنده بودماند نه دهنده ولی در این مجلس شورای‌ملی که نماینده دهندهها هستند همه‌حق‌دارند که در این مجلس نماینده داشته باشند از شاه تا گدا و اما اینکه فرمودند اصل(۴۶) قانون‌اساسی نوشته‌است تمام امور بتصویب مجلسین است مکرراً استنتا ازآن جمله کردماند آقایان میدانند که جمل که متعاقب شد آن اسبق برمیگردد بجمله آخری و از همین فلسفه معلوم میشود تعیین او و اینکه میگوید باید از این مجلس بمجلس‌سنابرود این یك جمله دیگری است که بعد از او میگوید مگر عربی است و از روی عربی‌است اقتضامیکند که باین جمله‌ای که نزدیکتراست‌برخورد علاوه بر این یك قرینهٔ دیگری‌هم دارد که میگوید پس از انعقادمجلس سنا تمام امور بایدبتصویب هردومجلس باشد همین را استثنا میکند که طریق را برسانند میگوید مگر امور مالیه که آنهم باطلاع‌مجلس‌سنا خواهد رسید یعنی نمی رود بسنا بلکه نظرات آن ها بسنا خواهد رسید که اینکه خواهد رفت این‌هم دلیل‌است برای‌اینکه‌نباید سنا مداخله‌درآن امورکند و دیگر چیزیکه می خواستم عرض کنم و از نظر رفته بود آنماده(۲۳)قانون‌اساسی است که هردو مجلس حق تفتیش دارند این یك حق عام بود که همه حق تفتیش دارند آقایان می دانند درکلام یك نفر که کلام مختصری است دو جمله پیدا شد یکی عام و یکی خاص البته‌آن دو جمله بیفایده نیست خاص مخصوص عام می شود عام مخصوص خاص می شود در قانون اساسی‌است که وزراء مسئولند که امور اجرا بشود و این مخصص‌را بایدعلماء تصویب بکنند ولی آن‌جمله‌ای که علمای شرع انور باید تصویب‌بکنند وبعدموقع اجرا برسد پس لازم نیست که مخصص یك اگر والائی باشد یك‌جمله‌ای مخصوص‌جملهٔ دیگر میشود و اینکه مجلسین هردو حق تفتیش دارند امورمالیه

مخصوص مجلس شورای ملی است و از هر جهت وهمه جهتش‌را عرض کردم مانظر میکنیم درهرجائی که پای مالیه در او هست‌هیچ اسم مجلس سنانیست ولو اینکه در تفتیش مالیه باشد اینجا مناط بدست می آید که مجلس سنا دستش خالی است از این حق پس این جمل مخصوص آن عامی می شود که میگوید هردو مجلس حق تفتیش دارد مگر در امور مالیه‌پس‌اینماده(۲۳) عمومش‌نمی تواندبرساند چیزی را که بنده عرض کردم پس باز عرض‌می کنم گرچه این مطلب خیلی کوچك بنظر می آید و این که خوب حق تفتیش‌داشته باشد یا نداشته باشد این بکجای دنیا برمیخورد اینطور نیست کاهیست صدسال دیگرجماعت دیگری بیایند واین یك ذره کوچکی راکه امروز اگر ازدست برود تاریخی خواهد بود وآن‌جماعت خواهند گفت که کیها اینهارا ازدست داده‌اند حق‌را کوچك‌نباید شمرد واواینکه کوچك است نباید از دست داد من حق نداده ام ولی بآنهائیکه در کمیسیون بوده و حق داده اند عرض میکنم که نباید این غفلت را کرده باشند بنده بآنها میگویم که در کمیسیون نبوده اند درست مطالعه نکرده اند ملتفت شوند چونکه اینها نماینده این ملت هستند وباید ملتفت باشند که از حقوق ملت کاسته نشود این حق ولو حق ذره ایست نباید از دست داد بازهم‌عرض‌میکنم وازطرف آنها استرحام میکنم.

آقامیرزا اسدالله خان — مخبرفقط‌حق دارددرمواقعی که‌نوبت‌او نیست‌دفاع میخواهد بکند از راپورت کمیسیون میتواند و الا در هردو دقیقه عقاید شخصی خودشان‌را گفتن خوب است ملتفت باشنداینوقت‌رامیگسیرد منتظر نوبت باشند چون بنده هم یکی از آن اشخاصی هستم که اجازه خواستم.

معاضدالملك — باآن بیانات تام وتمامی که‌آقای مؤتمن الملك وآقای مستشارالدوله‌فرمودند بنده هیچ منتظر نبودم که آقای شیخ‌رضامخالفت بکند ولی برای اینکه رفع اشتباه بکنم آقایانی که اظهار میکنندکه ماده ۴۹ محاسبات عمومی مخالف است با نص قانون اساسی دو اصل از قانون اساسی را میخوانم که بدانند آن اشخاصی که رد میکنند آنها مخالفت کرده‌اند بانص صریح قانون اساسی یکی اصل [۲۷] است اصل (۲۷) را قرائت کرد.

اصل(۲۷) قوای‌مملکت بسه شعبه تجزیه‌میشود اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین واین‌قوه ناشی میشود ازاعلیحضرت‌شاهنشاهی ومجلس شورای ملی ومجلس سنا و هریك از این سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف هست بعدم مخالفت با موازین شرعیه تصویب مجلسین وتوشیح بصحه همایونی‌لکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است اگر یك نفری بنظر دقت این اصل را بخوانید میفهمید وضع و تصویب قانون دخل‌وخرج نه عین تفتیش مخصوص دخل و خرج تصریح میکنداینجا دیگر ماده هیچ کنك‌نیست یك ماده دیگرهم داریم که‌آن‌اصل ۳۳ است.

اصل ۳۳ — هریك ازمجلسین حق تحقیق و تفحص درهر امری از امور مملکتی دارند.

حالا اگربخواهند دراینجا قانونی‌وضع بکنند ومجلس‌سنا را مداخله ندهند مخالفت بانص صریح قانون اساسی دارد یا خیر وبنده خیلی تعجب دارم از اشخاصی که اصرار دارند که عقاید خودشان را بواسطه الفاظ مجری کنند مکرراً عرض میکنم مخالف است با اصل قانون اساسی وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج را برای بنده تصریح بفرمائید غیرازاین است که وضع قانون مالیاتی و تصویب خرج مختص مجلس شورایملی است ولی سایر قوانین راجع بمجلسین است و عرض می کنم بآقایانی که دوسلیقه‌اتخاذ مینمایندیك‌مطالعه بکنند که ایجاد مجلس سنا برای چیست واین‌دو اصل را ببینند آنوقت ملتفت میشوندکه‌مخالف با اصل‌صریح قانون اساسی است و ازبابت مجلس سنا اینجا یك اظهاراتی شد که مجلس سنا مجلس لردها ومجلس اشراف است فقط درانگلستان است مجلس لردها بنده عرض میکنم رجوع‌بکنید بفرانسه ودرحکمت وفلسفه مجلس سنا قدری تأمل بفرمائید که حکمت این‌مجلس سنا ازبرای چیست بنده سنا نیستم بجهة اینکه سن بنده هنوز مقتضی نیست‌که سناتور باشم ولی میخواهم عرض کنم‌که‌آن مقننی‌که لزوم مجلس سنارا دراینجا دانسته ثالثی باید حقوق‌مجلس‌سنارا درنظرداشته باشد وحتی انفصال مجلس‌را یعنی‌حق نظارت ملت را در مجلس ثالثی بیند قوه دیگری ویك هیئت بدهیم آنوقت بگوئیم مجلس‌سنا رالازم نداریم وابداً اینمجلس سنا مربوط بلردها نیست مجلس‌لردها فقط مربوط به‌انگلیسهااست.

آقاشیخ‌اسدالله- عرض بنده خارج از موافقت ومخالفت است میخواهم عرض کنم که‌یك روزمجلس رابهمین موضوع ومذاکرات تقریباً ختم کردیم امروز هم‌بهمین مذاکرات‌مجلس ختم‌میشود وهرچه هم بعداز این مذاکره بشود نه‌آن آقایان نظرات خودشان رارها میکنند نه‌دست از آن‌اندازه که‌اقتضای خودشان است بر میدارند پس‌خوب است که‌رای گرفته شود وزودتر از این ماده بگذریم

نایب‌رئیس- ولی جنابعالی تصدیق خواهید کرد که مطلب‌را بایدفهمید.

بهجت — گمان‌بنده این‌است که‌یك مقداری مدت مجلس را این کمیسیون تفسیر ضایع کرده برای اینکه‌امروز هم‌صحبت دراین نبود که‌آیاقانون اساسی چنین حقی رابرای مجلس‌سنا ثابت میکند یا نمی کند بنده‌یکی ازآن اشخاصی‌بودم که‌میگفتم باید لفظ مجلسین نباشدولفظ مجلس باشد درقانون اساسی یاحقی تصریح نشده است نمیخواهم بگویم که‌مخالف قانون اساسی است‌میخواهم عرض کنم که درقانون اساسی مایك ماده تصریح‌ندارد در اینکه مجلس سنا حق انتخاب سه نفر یا دو نفر در این کمیسیون ۱۲ نفری دارد یا حق دو نفر از شش نفر داشته باشد پس وقتیکه این حق را نداشت مانمیتوانیم بطور آزادی رأی بدهیم که ۱۲ نفر یا۶ نفر چندنفرش‌هم ازمجلس‌سنا باشد فقط‌این حق مجلس‌است که۱۲نفر انتخاب کند یعنی ۸ نفر از مجلس شورایملی وچهارنفراز دیوان محاسبات‌هیچ مخالفتی باقانون اساسی نکردیم زیرا حقی است که قانون اساسی بمجلس داده است واین یکوقتی است لازم بود که‌بفرستیم بکمیسیون‌تفسیر رفع که‌یك‌مناقشه از قانون اساسی میشد ماکه نمیخواهیم‌حالا حقوق‌سنا را در اینجا ثابت بکنیم بواسطه اینکه قانون اساسی در دوره استبداد وضع‌شد و حق مجلس سنارا کاملا داد حالا ما میخواهیم‌قانون‌محاسبات عمومی‌راینویسیم ودر یکماده او مینویسد که‌یك کمیسیونی برای‌تفتیش مرکب‌از ۱۲نفر تشکیل شود ماحالا میخواهیم ببینیم که‌اگراینجا نوشته‌بود اینحق‌متعلق بمجلس‌سنا هم‌باشد یك‌مخالفتی کرده ایم نه‌پس‌بنابراین تقریر چرابایدیك مدت وقت خودمان را ضایع کنیم اینحق مال‌مجلس شورایملی است یعنی درقانون اساسی‌اینحق‌مخصوصاً برای سنا تصریح نشده است خصوص یك سنائی که هیچ موضوع نداردو آن‌اشخاصیکه‌سنارا خوب‌میدانند وحال آنکه‌برای امروز خیلی مضر است.

رئیس — امااین‌از موضوع خارج‌است.

بهجت — بله درهمین‌موضوع‌آقایان مذاکره کردند بنده عرض میکنم قوانین‌بالوجه من‌الوجوه نگذشته است واسباب اختلال امور بیشتر خواهد شد و دراینموضوع صحبت کردن‌تضییع وقت مجلس‌است واین رأی متناقض باقانون اساسی است وعیبش این است که ماچیزی را رجوع کردیم بکمیسیون تفسیر مذاکره در آنرا فراموش‌میکنیم آنروز اول کسیکه مخالف کرد گفت مجلسین نبایدباشد بنده‌بودم‌وعرض کردم قانون اساسی ماچنین حقی سنا نداده‌است حالا میخواهیم تازه یك حقی برای سنا ثابت بکنیم پس همینطوریکه گفته‌شد میتوانیم این رأی را بدهیم که هشت‌نفر از شورایملی‌وچهارنفر از دیوان محاسبات بااین ترتیب متناقض قانون اساسی نیست آنوقت که اینمسئله را رجوع‌بکمیسیون‌تفسیر کردید وبنده‌همراه نبودم وآنوقت کلابد بودیم‌ومجبوراًعرض کردم‌وحالا هم عرض میکنم که‌هیچ‌صلاح نبوداین بکمیسیون‌برود و بنده نخواستم بگویم که اینمسئله را قانون اساسی نفی میکند گفتم‌قانون‌اساسی‌اثبات حقی‌برای‌مجلس‌سنا نمیکند کمیسیون تفسیر هم‌که موافقند باینمه‌پس‌بنابر این ما میتوانیم باکمال آزادی بگوئیم که ۸ نفر از مجلس ۴نفر هم از دیوان محاسبات و هیچ‌حقی هم بمجلس‌سنا نمیدهیم وبجهة تضییع وقت کردن چرا.

افتخارالواعظین — چون آقای بهجت فرمودندکه منظورمان این است وما اگر بخواهیم‌این حق را بسنا بدهیم چه میشود و تمام مباحثات معلوم است برای این است که آیا سه‌نفر از مجلس سنا در آن کمیسیون که از رای تفتیش تشکیل میشود باید باشد یانباشد ایشان میفرمایند اگرباشد مخالف‌قانون اساسی است برای اینکه یك حقی که درقانون‌اساسی باو نداده‌ایم حالا داده میشود چنانچه حالا من‌میگویم که‌آن کمیسیون مرکب باشد از هشت نفر ازمجلس شورایملی وچهار نفر از دیوان محاسبات وابداً از سنا کسی نباشد بنده برخلاف فرمایشات ایشان هستم عرض‌میکنم اگرما بخواهیم رسیدگی این محاسبات‌را منحصر بکنیم بیك کمیسیونی که مرکب باشد ازمجلس ودیوان محاسبات‌واز اعضای مجلس سنا نباشدمخالف است بااصل۳۳ قانون اساسی زیرا اصل ۳۳میگوید

www.iran-archive.com

تعقیق و تفحص در هر امری از امور بامجلسین است و یکی از امور مملکت رسیدگی بمحاسبات مملکت است و مجلس سنا هم حق رسیدگی و تفحص دارد و اگر چنانچه منحصر بمجلس شورا یعملی کردیم مخالف با قانون اساسی است

نایب رئیس - اصل ۳۳ مکرر در ضمن نطق آقایان بوده متعجبم که نماینده محترم این اصل را بهانه کرده‌اند برای اینکه یک نطق مفصلی بفرمایند و اینهم گفته شد که موضوع بودن مجلس سنا و مضر بودن و نبودنش راجع باینمسئله نیست معهذا توجه نمیکنند پس برای اینکه مذاکرات از موضوع خارج نشود بنده مجبور خواهم شد که اخطار کنم.

امام جمعه — مسئله خالی از اهمیت نیست طول مذاکره هم عیبی ندارد باخیلی اختصار بنده هم یکچند کلمه‌ای عرض میکنم چون بنده هم از اشخاصی بودم که در دورهٔ سابق داخل در نوشتن قانون اساسی بودم این اصل ۳۴ که میگوید مجلسین در هر امری از امور حق مداخله دارند این یک حق عامی است پس هر حقی را برای او ثابت میکند استدعا میکنم یکقدری عرض مرا توجه بفرمائید شاید عرض من رفع اختلاف را بکند این اصل ۳۳ که میگوید مجلس حق دخالت در هر امری از امور مملکتی دارند این عام است و ستار اهم شامل است مادامیکه تخصیص یعنی استثنائی باو نرسیده است باید عموم اینرا بگیریم و عمل کنیم تفسیر قانون حق نمایندگان است ولی معلوم است نماینده بجنبه عرفیش باید قانون را تفسیر کند ولی نباید از مفهوم ماده یعنی از معانی الفاظ خارج شود اصل ۳۳ میگوید مجلس سنا بهر امری از امور حق مداخله دارد پس این حق را ثابت کرده است این استثنائی ندارد مگر در آن اصل ۴۶ گویا استثنائی دارد اما یکقدری اگر التفات بکنید که بنده آنماده را از اول تا آخر ولو اینکه تکرار شود بخوانم شاید رفع اختلاف بشود اصل ۴۶ میگوید « پس از انعقاد سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا از طرف هیئت وزرا عنوان شود باید اول در مجلس تنقیح و تصحیح شده با کثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورایملی برسد ولی اموری که در مجلس شورایملی عنوان میشود برعکس از اینمجلس بمجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص بمجلس شورایملی خواهد بود و قرار داد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را بمجلس ملی اظهار نماید ولیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعد از مداقهٔ لازمه قبول یارد نماید یعنی هر امری که ابتداء اورا در مجلس سنا یا مجلس وزرا عنوان کردند باید باید بمجلس شورای این درست است ولی اموری که در مجلس ملی عنوان میشود برعکس از اینمجلس بمجلس سنا خواهد رفت درست التفات کنید مگر امور مالیه مقصود این است که غیر از مجلس شورایملی مجلس سنا حق طرح قانون مالیه را ندارد استثنا از قانون مالیه میکند که چیزی که در مجلس شورا تصویب شد دیگر محتاج بتصویب مجلس سنا نخواهد بود اما اینکه سنا در آن حق مداخله ندارد بجهة اینکه آخر ماده را بخوانید تصریح میکند که چیزیکه از امور مالیه در مجلس عنوان شد باید برود مجلس سنا منتها اگر این دو مجلس معارضه کردند رأی مجلس ثابت و رأی مجلس سنا محل اعتبار نیست این غیر از این است که سنا ابداً حق مداخله ندارد مسئله وضع قانون غیر از مسئله مداخله است اگر این اصل را دقت بفرمائید هیچ اختلافی نیست و کمانم این است که محتاج بمذاکره نباشد.

نایب رئیس — رأی می گیریم ولی بعضی از آقایان تقاضای رأی علنی با اوراق نموده اند تقاضانامه بمضمون ذیل خوانده شد:

ما امضاء کنندگان موافق ماده (۸۷) در ماده (۴۹) لایحه قانون محاسبات عمومی تقاضای رأی علنی با اوراق را مینمائیم (امضاء آقا شیخ غلامحسین با ۸ نفر دیگر).

نایب رئیس میگمرتبه دیگر ماده (۴۹) خوانده میشود (ماده مزبور قرائت شد)

محمدهاشم میرزا - اگر در تمام اینماده رأی داده شد و رد شد تمام اینمواد از میان میرود وحالا اینکه آقایان نظرشان بهمان جزء اول است و نظرشان بتمامی نیست خوب است تفکیک شود.

ارباب کیخسرو - بنده چون از اعضاء کمیسیون هستم یک چیزی اینجا افتاده است و آن این است که در کمیسیون عمده معین شده است ۶ نفر از مجلس شورای ملی سه نفر از مجلس سنا و سه نفر از دیوان محاسبات و اینجا خوانده نشد آن روزیکه مذاکره در اینماده میشد یکی از آقایان تقاضا کردند و اینماده رفت بکمیسیون بنده تقاضا میکنم که عمده معین شود.

مؤتمن الملک - اینماده رجوع شد بکمیسیون در کمیسیون یک راپورتی ثانیاً نوشته اند تطبیع و توزیع هم شده است از روی آن بخوانند.

فهیم الملک - در کمیسیون مذاکرات عمده نشد سابق که در کمیسیون تفسیر مذاکره میشد یک نفر آنجا تقاضا کرد وحالا همانطور بنده تقاضا می کنم که نوشته شود (۶) نفر از مجلس شورای ملی (۳) نفر از مجلس سنا (۳) نفر از دیوان محاسبات (مجدداً ماده قرائت شد)

نایب رئیس - حالا رأی می گیریم بماده (۴۹) که موافق راپورت کمیسیون خوانده شد کسانیکه موافقند ورقه سفید بیندازند.

وکیل التجار - اخطار نظامنامه دارم و آن این است چون تقاضائیکه در رأی علنی شده است خوب است بدهند یک نفر امضاء کند که ده نفر بشود چون باید قانونی باشد.

نایب رئیس - خوب بود نماینده محترم نظامنامه را ملاحظه می کرد آنوقت این اخطار را می کرد در نظامنامه نوشته است که پنج نفر کافی است بنابراین چهار نفر از این نه نفر زیادی است حالا رأی می گیریم کسانیکه تصویب می کنند ماده [۴۹] را بترتیبی که کمیسیون پیشنهاد کرده است ورقه سفید خواهند انداخت - در این موقع شروع باخذ آراء گردید و نتیجه استخراج آراء را آقای معاضد الملک بمضمون ذیل اعلام نمود: عده حضار [۷۴] ورقه سفید علامت قبول [۴۳] ورقه آبی علامت رد [۲۲] امتناع [۹].

نایب رئیس - با کثریت تصویب شد.

تصویب کنندگان: [ورقه سفید] کاشف • شیبانی • ذکاء الملک • دهخدا • مرتضی قلیخان بختیاری دکتر امیر خان • شیخ الرئیس • امام جمعه • آدینه محمدخان • آقاشیخعلی • میرزا ابراهیم قمی مؤتمن الملک • معاضد السلطنه • حاج محمد کریمخان انتظام الحکماء • مصدق الممالک • سردار اسعد ارباب کیخسرو • آقاسید محمد بروجردی • حاج آقا آقا عبدالحسین • حاج دکتر رضا خان • آقامیرزا محمد صادق کردستانی • مستشار الدوله معاضد الملک - مشیر الدوله • میرزا رضای مستوفی حاجی شیخعلی • دکتر حیدر میرزا • رکن الممالک • میرزا مرتضی قلیخان • مدرس • فهیم الملک • متین السلطنه • حاجی میرزا رضا خان (آبی): تربیت • بهجت • ابوالقاسم میرزا علیزاده آقا میرزا احمد قزوینی • آقاسید جلیل • آقا میرزا داودخان • آقاسید حسین اردبیلی • زنجانی نجم آبادی • هاشم میرزا • ضیاء الممالک • میرزا رضاخان نائینی • یمانس • شیخ غلام حسین نجات • وحید الملک • منتصر السلطان • کرازی سلیمان میرزا • مساوات • دهخوارقانی

نایب رئیس - حالا رأی می گیریم بکلیه اینقانون و آن بقیام و قعود است ولی استدعا می کنم که آقایان ننشینند که عده نوشته می‌شود کسانیکه تصویب می کنند کلیه این قانون محاسبات عمومی را بترتیبی که مواد آن گذشت قیام نمایند. با کثریت [۵۶] نفر تصویب شد.

آقاشیخ محمد خیابانی - مدتی است که در این مجلس رأی با اوراق گرفته می‌شود و این در واقع یک خلاف بزرگی است و سوء اثرش را هم دیده‌ایم مع ذالک هیچ ملاحظه ندارند در نظامنامه می گوید هر نماینده دارای دو ورقه است یکی سفید یکی آبی اگر این را ملاحظه بکنند که در وقت انتخاب برای مطلبی در کمیسیون یا جای دیگر یک نفر دو نفر را در پهلوی آن منشی بگذارند که در انتخاب اشتباه نشود در صورتیکه یکنفر اشتباهاً برای یک کمیسیونی درآید وذیل هیچ اهمیت نیست ولی در اینجا یک مسئله است که یک رای کم وزیاد یک قانونی از برای مملکت بسته میشود زیرا یک چیزی را دیدم همین ایام برای تصویب یک خرجی باوراق رای میدادند آقای امام جمعه پهلوی بنده نشسته بود دیدم که در یک ورقه سفید لفظ آبی نوشته بودند و بعد در روزنامه هم دیدم که ورقه سفید درآمده بود بنده او را تصدیق میکنم و عرض میکنم که ورقه آبی را سفید وسفید را آبی ننویسند پس این برای این است که ورقه آبی را با اسامی ببینند که این آبی است و این سفید بنده مقصودم این بود که با کمال تاکید عرض کنم که هیئت رئیسه باید قبول نکنند آن ورقه که از اداره مباشرت داده‌اند اورا استعمال کنند.

نایب رئیس - بلی این عرائضی است که باید در آتیه بشود دستور جلسه آتیه شور در مواد (۶۲) و (۶۱) دیوان محاسبات - لایحه وزارت جنگ در گرفتن سوار از ایلات - قانون مالیات تریاک - قانون ثبت اسناد.

هشترودی - در جلسه گذشته اگر چه خارج از دستور است ولی بعضی از صحبت ها شد راجع بمسالک و درضمن او بعضی مذاکرات شد چنانچه در روزنامه هم درج شده است حالا بنده میخواهم عرض کنم در نطق شاهزاده سلیمان میرزا میگویند که بعضی خواهند گفت که ما بیطرف هستیم من این لغت را نمی فهمم یعنی نه این پروگرام را قبول دارم نه آنرا پس لابد خودش یک سلیقه‌ای دارد مثالش را هم میفرمایند که مسلک ما در انتخابات یا مستقیم است یا غیر مستقیم لابد یکی را قبول میکند پس بیطرف ممکن نیست بنده تقدیس میکنم فرمایش شاهزاده را که توضیح داده اگر این معنی را نکرده بود که معنی بیطرف این میشد یک چیز نامعلومی در واقع این یک وجود مهملی است و هیچ هیچه شخصی قابل وکالت نیست یا خودش هم قبول نمیکرد وکالت را و اگر قبول میکرد این خودش یک خیانتی بود بملت خیلی خوب گفتند این را وخیلی طرف ملاحظه است که بیطرف نه این را قبول دارم نه آن این یک وجود مهملی است بیطرف نمیشود ولی چون بنده نسبت باین مسلکهائی که گفته شد در این مجلس بیطرف هستم اورا باید بگویم که مرا اداشته است بی طرف باشم درصورتی که خودم یک عقیده و مسلکی دارم و آن شاید پروگرام این فرقه باشد یا آن فرقه شاید یکی را مخصوصاً مسلک بنده است با ادله و براهین آن و در موقع خودش شاید دلیل و برهان آن را عرض کنم و آن هائی که آن پروگرام را نوشته اند بعضی براهین بگویم برای مسلک او که خود نویسنده تحسین بکند واحتمال دارد که خیر یک چیز مستقیم خودم دارم آنهم ممکن میشود که بعضی از مواد اورا که می‌دانم خوب است و بعضی از مواد اینرا هم گرفته‌ام و یک مسلکی را برای خودم درست کرده‌ام یا اینکه یک مسلکی برخلاف تمام اینها داشته باشم بنده ظاهراً بیطرف ولی باطناً از آن اشخاصی که مستقیماً یک مسلک سیاسی محکمی دارند باعتقاد خودم دارم حالا همراه پیدا نکرده‌ام اظهار نمی کنم و بکسی نمی گویم و درخزینه خودم نگاه داشته‌ام رفقتی که آنها صحبت کردند در آن موادی که من قبول کرده‌ام یارد نموده‌ام در آن موقع یا رد می کنم یا آنکه قبول می کنم و می گویم صحیح است از برای مملکت این غلط است که بکلی من هیچ نباشم و بی طرف باشم اینرا وجود مهمل میگویند او مثل دیوار است مثل این صندلیها است مهمل است ولی بنده ظاهراً بیطرف شده‌ام مثل دیوار از فضا از وجود بنده از اول تا حال در کمیسیونها شاید عرض کرده باشم بعضی چیزها در جرح و تعدیل در مجلس وجود من ظاهراً نمایش دارد که نه این طرف هستم و نه آنطرف و نه خودم یک چیزی دارم همچه ظاهرش نمایش دارد بنده شاید در این خصوص دفاع بکنم یعنی این جور شده‌ام و عمداً اینجور شده‌ام لکن باید از خودم دفاع بکنم و اینکه من این جور کرده‌ام بعقیده خودم از آن کارهای صحیح مملکت است و هر کس هم بی طرف هست مثل بنده می توانم عرض کنم که کار صحیح کرده و اگر چه این صحبت را آن روز هم من خارج از موضوع می دانستم که شده است ولی چون شده است لابدم عرض کنم این جور شخص خودش را بی طرف نشان دادن یک وقت اختلافات دو طرف را اختلاف مسلکی می داند همیشه فهمیده است که بعضی چیزها ئیکه مسلکی نیست صلاح خودش را همچه دانسته است که راضی در یک مسلکی بشود درصورتی که مسلکش با یک طرف مساوی است بعضی مسلک با یک طرف است یا این طرف یا آن طرف لکن ذهنش کج رفته است و همچه فهمیده است که آنچه آنهامی گویند مسلک خودش است بلکه خوب هم گفته است زیرا عقیده خودش است و پاکیزه ترچیزی اعتقاد نمی کند می گوید عقیده من یا کثر است از همه چیز از این دو مسلک یا سه مسلک یکی را اخذ کرده است یا کثر از همه چیز می داند لکن مخالفتهای این دو فرقه را مخالفت مسلکی ندانسته و داخل آن اشخاص صاحب مسلک نشده است اگر باینمعنی بی طرفیم شاهزاده سلیمان میرزا تاخت بکند بنده عرض میکنم از تمام اشخاص اینمملکت بهترین اشخاص این آدم است که وقتیکه دانست اختلاف آن اختلاف مسلکی نیست ورفت داخل شد بیشرف ترین تمام مردم است و نباید و نباید رفت و از امروز بنده مجلس را تقدیر میکنم و این را در انفاس قدسیه والاحضرت آقای نایب السلطنه می‌دانم و تقدیس می کنم زیرا از امروز بنده می بینم که این مجلس از غرض خالی است یعنی غرض شخصی نیست بنده کم من اینطور است که اگر غرض غرض مسلکی بوده است غرض مسلکی خواهد شد و بآن مسلکی هم که هم مسلک بودم تعاقب می کنم ناچار از آنطرف خواهم بود و طرفداری می کنم اگر کسی دیگر دنبال این را نگرفت که هیچ بنده تمام کردم و اگر دنبال اینمطلب را گرفت آنوقت شاهد و ادله و اقراراتیکه از طرفین دارم که خودشان اقرار کرده‌اند در یک جائی و شاید در همین جا که اختلاف اختلاف مسلکی نیست اینرا می آیم با فلسفه ابراز می کنم و اگر کسی اظهار نکرد و این مطلب را تمام کردند که من هم تقدیس می کنم از اینکه از امروز اختلافات مسلکی است و من هم داخل مسلک سیاسی خواهم شد و طرفداری هم میکنم ولی اگر کسی حرف دارد با حرف بنده تا حالا اجازه میخواهم و بگویم (اظهاری نشد و حرکت کردند نمایندگان)

نایب رئیس — آقایان تامل بفرمائید عرض کنم چون مجلس کار بسیار دارد و کار ها متراکم شده است جلسه آتیه فردا را دو ساعت بغروب اطلاع می‌دهم که جلسه علنی است.

مجلس سه و ربع از شب گذشته ختم گردید.

جلسه ۲۱۴

صورت مشروح روز چهارشنبه ۲۲ شهر صفر ۱۳۲۹

مجلس سه ربع قبل از غروب آفتاب در تحت ریاست آقای ممتاز الدوله تشکیل شد صورت جلسه روز سه شنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمود.

(غائبین جلسه قبل)

آقای حسنعلیخان حاج وکیل الرعایا - سپهدار اعظم - آقاسید محمد باقر ادیب بلااجازه.

حاجی سید نصرالله - ادیب التجار - بااجازه.

آقا میرزا مرتضی قلیخان - دهخدا - دکتر حیدر میرزا - سردار اسعد - مدرس موقع مقرره حاضر نشده‌اند لسان الحکماء - لواء الدوله مریض بودند.

رئیس - آقای حاجی عز الممالک در صورت مجلس فرمایشی هست.

حاجی عز الممالک - آقا سید محمد باقر ادیب رابنده اطلاع دارم که مریضند واز این جهة غیبت کرده‌اند دیگر اینکه امتناع کنندگان هم باید اسامیشان درصورت مجلس نوشته شود.

رئیس — در آن مسئله اولی که فرمودید آقای ادیب باید بنویسند واجازه بخواهند.

ارباب کیخسرو — آقای آقاسید محمد باقر ادیب اجازه نامه نوشته بودند و فرستاده‌اند و در آنجا هم قرار بود که اطلاع بدهند که با اجازه بنویسند نمیدانم چه شده است که ننوشته اند اجازه شان رسیده است.

رئیس - دیگر ملاحظه در صورت مجلس نیست (چون اظهاری نشد رئیس صورت مجلس را امضاء نمود)

معاضد الملک - درخصوص امتناع کنندگان چون در نظامنامه داخلی فقط تصویب کنندگان و رد کنندگان را نوشته است از اینجهت امتناع کنندگان را در اینجا درج نکردیم راپورت کمیسیون و این راجع بقانون محاسبات قرائت شد.

ماده ۶۲ وماده ۱۴۰ که از مجلس بکمیسیون رجوع شده بود در تحت مذاکره درآورده و بترتیب ذیل اصلاح و بمجلس پیشنهاد مینماید:

ماده ۶۲ - هرگاه مدتی که از طرف دیوان محاسبات معین شده منقضی شود و صاحب جمع مزبور صورت حساب را تسلیم ننماید دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر او را محکوم بیک جزای نقدی نماید که از نصف مواجب و مدد معاش سالیانه و یا حق الجماله متجاوز نباشد و نیز میتواند نسبت باهمیت موقع انفصال موقتی و یا عزل دائمی او را از وزارتخانه متبوعه‌اش بخواهد این پیشنهادات با شرایط نظارت و ریاستی که ادارات دولتی نسبت بمأمورین خود دارند منافات نخواهد داشت اگر چنانچه صاحب جمع بازهم از ارائه حساب امتناع نماید بحکم دیوان محاسبات حساب صاحب جمع باهتمام مدعی العموم مرتب و بدیوان محاسبات تسلیم میشود که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کند هر نوع مخارجی که از این بابت حاصل شود بعهده صاحب جمع است.

فهیم الملک - اول این ماده را بطوریکه عرض می کنم اصلاح بفرمائید. دیوان محاسبات میتواند بجرم این تأخیر امر نماید - مبلغی که از نصف مواجب و مدد معاش سالیانه و یا حق الجماله متجاوز نباشد و آن جمله دوا را محکوم بیک جزای نقدی نماید » حذف شود.

حاجی سید ابراهیم - اینجا مذاکره در اینماده شد باعتبار همان لفظ جزای نقدی برگشت به کمیسیون و آقای آقاسید حسن اینجا بیان فرمودند که جزای نقدی چون در شرع نداریم از اینجهة باید برود بکمیسیون و اصلاح بشود و بنده بر خلاف ایشان عرض کردم جزای نقدی در شرع خیلی داریم اگر مرادشان این است که برای صاحب جمع جزای نقدی معین نشده برای خیلی چیزها بالخصوص جزای

www.iran-archive.com

نقدی وضع نشده است بنده عرض می کنم که در خیلی از جاها معین شده است کسی که روزه را بخورد باید کفاره بدهد. این خودش یك جزای نقدی است .

رئیس — مذاکرات امروز غیر از مذاکرات روز گذشته است حالا شما میخواهید که آن مذاکرات را تجدید کنید .

حاجی سیدابراهیم - بنده میگویم اگر کمیسیون هم حذف کرده است باید باشد.

رئیس — این را می توانید پیشنهاد بکنید حالا در این ماده اگر فرمایشی دارید بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم باید لفظ جزای نقدی اینجا باشد زیرا نمی توانیم بگوئیم که قانون دیوان محاسبات که تصویب شده تمام علماء آنرا قبول کرده اند ما بواسطه اینکه ندانسته ایم آنرا رد کرده ایم وجزای نقدی درشرع بوده است وما باید آنرا قید بکنیم جزای نقدی می خواهد و آقای مخبر ملتفت نشده اند اگر بخواهیم بگوئیم جزای نقدی نباشد باید بگوئیم که آنچه سابقین در جزای نقدی نوشته اند غلط بوده وباب سیاسیات شرعیه راهم در کفارات و غیره منکر بشویم.

حاج شیخ الرئیس - بنده موافقم با آقای آقا سیدحسن مدرس که عقیده ونظریات حاجی سیدابراهیم را تنقید میکنم باینکه ولی البته در احکام شرعیات در مواقع و مواضع متعدده چنانچه خاطر کسانی که متخصص است در احکام شرعیه مستحضر ند ولی این را عرض میکنم توجه بفرمائید که گویا شبیه وعین قیاس میشود و اینکه مایت عنوانی را که در تحت یك عنوان کلی است ودر مواقع دیگر ابدا مشابهت ومشاکلت باین مواد ندارد تشبیه بکنیم مثل پاره تضمیناتی بعنوان شرعی باصطلاح فقها بعنوان مسالم بجب بعضی از فقها میدانند حالا در بعضی از ادارات مادر کیفیت جریان امور دیوانی سابق هم بوده است و حالا هم معمول است یا در بعضی از دول اجرامی کنند بکنند ولی بنده هیچ نمی توانم اسم جزای نقدی را در قوانین موضوعه درمجلس مقدس بشنوم وتجویز و تصویب کنم .

آقاشیخ ابراهیم - بنده در عبارت آخر ماده عرض می کنم که پس از رسیدگی در باره آن حکم صادر کنند. چون در حقیقت این عبارت از حکم غیابی خواهد بود آیا او حق اعتراض خواهد داشت یا خیر و اینجا آیا ذکر شده است که حق اعتراض خواهد داشت چون او خودش حاضر نیست مدعی العموم حاضر است از طرف او باید حق اعتراض در این حکم را داشته باشد.

فهیم الملك — حق اعتراض همانطوری که در سایر احکام معین شده برای او هم خواهد بود ولی یك مدتی معین شده است برای اظهار اعتراض که هر گاه در آن مدت اعتراض خودش را نکرد دیگر حق او ساقط خواهد شد.

آقاشیخ رضا — بنده موافقم با آقای حاجی سیدابراهیم آن روز هم خدمت آقای آقا سیدحسن مدرس وآقای امام جمعه عرض کردم وتصدیق کردند که آنطور صحیح است و حالا هم عرض میکنم ولی یك اشکالی در اظهارات آقای حاجی سید ابراهیم بود که گویا ملاحظه نفرمودند آن این است که در شریعت ما بلکه در تمام ادیان و شرایع جرائم نهایت بشکل دیگر و نوع دیگر بوده است بعنوانات مختلف از کفارات و غیره و کفارات همین طور است که چه در دین ما چه در ادیان دیگر کفارات همان جرائم است ولی درجائی که از طرف آن شرع یك جریمه در یك موردی قرار گذاشته شده است تابعین نمی توانند در بین خودشان یك جریمه کفاره از پیش خودشان قرار بگذارند این توجه لازم بود و آقای حاجی سیدابراهیم فرمودند ولی این اشکالی که اینجا شد اگر این صحیح است باید جواب داده شود و آن این است که در آن مواردی که قرار گذاشته است صحیح نیست مگر درصورت جمله است که اگر جعل میکنند که فلانکس فلان کار را برای دولت بکند اگر کرد فلانقدر را باو میدهد اگر نکرد نمی دهد برای اینکه این حق ومزد کار است و در غیر جمله که یك حقی ندارد نه از بابت این است که یك کاری بعنوان جمله برای او کرده اند از بابت این است که یك کار دیگر و مقام و منصب دیگری دارد که آن حق را دولت باو میدهد اگر حق است (یك دفعه یك چیز باطلی است مثل این حقوقی که میبرند و او هیچ چیز نیست) اگر این حق باشد یعنی درمقابل یك عملی باشد که باید آن عمل را این شخص بعهده گرفته بکند و با وجود ممنوع شدن بآن عمل نمی تواند معاشی از برای خودش تهیه بکند که کفایت او و خانواده او را بکند در آن صورت لازم است که دولت یك مواجبی برای او مقرر کند که معاش او بشود و این محمما یك چیزی است مشروع و یك حقی است در مواد که باید داده شود اورا چقدر میشود که بعنوان جریمه بدهد پس در آن صورت هم ممکن نیست که جریمه بکنیم پس این یك چیزی نیست که منحصر بشود بصورتی که از کیسه او ما بگیریم جریمه را خیر چیزی که دولت حقاً باید باو بدهد اگر نمیدهیم باز آن جریمه خواهد بود و باید بگیرد ولکن آن چیزی که بنظر مصحح ومجوز آن مطلب است آنچیزی است که خدمت آن دو بزرگوار عرض کردم که چون این وجوه حرایم وسایر چیزهائی که مشروع یا غیر مشروع دولت از رعیت وافراد وملت خود میگیرد لابد صورتش باین است که اینها را در مصارفی که مصالح مسلمین است صرف بکند پس دولت درهمان وقتی که با آن صاحب جمع میخواهد این قرار را بگذارد باو میگوید که تو این را بعهده بگیر بعنوان اینکه لله اگر این کار را صورت ندادم اینقدر بدولت بدهم که در آن مصارف مسلمین صرف بشود چونکه آن مصارف مصالح مسلمین است وآن صاحب جمع اگر بعهده بگیرد صحیح است ویك تعهدی است صحیح ویك مجوزیست شرعی دیگر هیچ اشکالی باقی نمی ماند فقط یك لله گفتن دولت دولت اسلامی است ویك لله گفتن هم هیچ اشکالی ندارد ومجوز صحیحی است .

حاجی آقا - بنده هیچ نفهمیدم که چطور شد که این مذاکرات بعمل آمد وحال آنکه این ماده که آمده بکلی مغایر آن چیزی است که سابق بود یك مطلبی از کمیسیون آمده بود و یك فرمایشی آقای آقا سید حسن وآقای امام جمعه فرمودند و تصدیق شد وبر گشت بکمیسیون و کمیسیون تقریباً نظر ایشان هم تصدیق شد وعبارت هم تغییر داده شد وبمجلس آمد اگرچه نظر کمیسیون هم همان نظر آقایان بود ولکن برای آنکه بهتر توضیح شود عبارت را تغییر دادند وبمجلس آوردند بدیهی است که آقایان هم آنروز نظرشان این بود که باید یك مجوز شرعی داشته باشد البته گرفتن یك مقداری ارمال یك کسی بدون مجوز شرعی هیچوقت نمیشود گرفت حتی آن جرائم شرعیه هم که می فرمایند البته آنهم بدون مجوز شرعی نمیشود گرفت پس دولت هم یك التزامی بکسی بکند که یك مقدار از مال خودش را بدهد پس باید مجوز شرعی باشد که بگیرد یك مقدار ارمال کسی را می شود گرفت صحیح است در این بود که عبارت را باید یك طوری نوشت که اسباب اشکال نباشد و آقایان نظریاتی که داشتند تصدیق و یك مقداری هم واضح تر نوشته شد دیگر جای این مذاکرات نیست .

آقا شیخ رضا - چیزیکه در آنجا موضوع شده است دفعه اینست که یك جریمه از کسیکه او بگیرند که از مدد معاش وبه از حق الجعاله فقط آن چیزیکه از کسیکه از هست از او بگیرند بدهد عرض کردم آن اشکال فقها در اینصورت بان وارد نبود اگر از آن حقی هم که باو باید بدهند بازاد آن بابت هم بگیرند اشکال دارد مگر اینکه آنرا باطل بدانند پس درهرحال این اشکال وارد است و این تفسیر دادن هیچ حجت ندارد پس اگر میبایست که یك مجوز شرعی پیدا بکنیم و آنرا در اینجا قید بکنند باید هیچ تغییر نمیدهند چنانچه آقای حاج سیدابراهیم گفتند برای اینکه اگر چرا نباشد درمیان لابد خلق از تقصیر دست نمیکشند لکن یك مجوز شرعی میخواست که آنهم پیدا شد .

محمد هاشم میرزا — بعقیده بنده آقای حاجی سید ابراهیم را نگذاشتند ادله خودشان را بگویند این ردی را که کردند راجع بفرمایش ایشان نبود واگر می بایستی موضوع بحث نشود خود ایشانرا هم نمی بایست اجازه داد والاخود آقای حاجی سید ابراهیم هم آنروز که در کمیسیون آمده بود نظرشان این بود که بدون مجوز شرعی نمیشود از بیاناتی که کردند راه مجوز شرعیش بود آقایانیکه در مجوز شرعی اشکالی داشتند می دانند که این رد نشد و آنروز هم همینقدر بکمیسیون رفت نه اینکه ردشده باشد همینقدر ناتمام ماند اگر باید موضوع بحث شود اجازه بدهید خود آقای حاجی سیدابراهیم ادله شانرا بگویند والا یك لفظ جرائم گفتن و رد کردن ایشان مقتضی نیست گفتند جریمه یا مجوز شرعی نه مقصود مطلق جریمه بدون مجوز شرعی است اگر باید مذاکره بشود که اجازه بدهید اگر نه که خارج از موضوع است ورأی بگیرید .

رئیس- بنده این مطلب را حالا در این ماده خارج از موضوع می دانم پریروز خارج از موضوع نبود آقا دیگر امروز خارج از موضوع است خواهش دارم هر کدام از آقایان نظریاتی در خود ماده دارند بفرمایند که خارج از موضوع نشوند .

فهیم الملك — خاطر آقایان را متذکر

می شوم اینکه این ماده پریروز در آن ملاحظه شد و بر گشت بکمیسیون علتش این بود که نوشته بود اگر صاحب جمع مددمعاش نداشته باشد مواجب از دولت نداشته باشد پس چگونه می توان او را جریمه کرد لکن آن یك جمله ای بود و آنجمله اساساً حذف شد و مذاکره راجع بآن قسمتی می شود که آنها از مقداری که برای آنها معین می شود و حق الجعاله می گویند از آنها بردارند وعلاوه کردیم بر آن مددمعاش و حق الجعاله وآن جمله ای که مدد معاش نداشته باشد بکلی حذف شد حالا این مذاکرات و مباحثات که می شود راجع بجمله ایست که اینجا نیست وآنچه که هست مذاکره راجع بآن نیست .

حاج سید ابراهیم — بواسطه همین عبارت برگشت بکمیسیون برای اینکه گفتند جزای نقدی برای مواردی که صاحب جمع مدد معاش وحقوقی ندارد ونظر راین بود که در این مسئله اشکال شد که آیا همچنین مواردی داریم برای خدمت یا نداریم اگر داشته باشیم درصورتیکه مجانی خدمت کنند چرا جزای نقدی بدهد مقصود بنده این نیست مقصود بنده این بود که ترتیباتی که در قانون مطبوعات قرار داده شده است در راپورت کمیسیون هم دراول ماده یك مجوز شرعی برای آن قرار داده بود که عبارتش را الان بخوانم معلوم میشود که التزام در اول امر باین ترتیبی که بعد خواهد آمد وجزای نقدی برای او قرار دادن هیچ منافاتی ندارد چون خواستم عرض کنم این ترتیب جریمه هیچ منافاتی باشرع ندارد توهم کرده اند ودر خارج بعضیها خیال کرده بودند که این مخالفت باشرع دارد وبنده مخالف بودم ومقدمه ام این است که موافق باشرع است دلیل براین یکی باب کفارات است یکی هم مثالهای جزئی است در شرع که جزای نقدی معین کرده اند بعضی موارد یك مثقال طلا بعضی موارد نیم مثقال بعضی موارد ربع مثقال طلا معین کرده اند اگر بگوئیم که این ترتیب راقبول نکنیم وبر گردد بکمیسیون وتوهم برود که بجهت مخالفتش باشرع بوده است این را خواستم رد بکنم که قانون مطبوعات بهمین ترتیب یعنی بهمان مجوز شرعی والتزام دراول اگر نوشته است که ممکن است که آنها محکوم بمجازات شوند و بنظر تمام علماء هم رسیده است حتی آقای امام جمعه هم آنوقت تشریف داشته اند که نوشته شده است وحتی آقایان آیات الله نجف هم ملاحظه فرموده اند وتصدیق کرده اند که مخالفتی باشرع ندارد حالا کار نداریم بعضی صاحبان روزنامجات را که مجازات نمیدهند پس نباید گفت بآن ترتیب جزای نقدی گرفتن خلاف شرع است .

آقامحمد — اگر بنا شود این محل بحث واقع شود عرض میکنم تمثیل بکفارات قیاس مع الفارق است مسئله کیفیت کفارات آنها را شارع قرار داده است دخلی بما ندارد وقتی که ملاحظه میکنیم می بینیم قیاس مع الفارق است برای اینکه کفاره را که میگویند بجعل شارع است وثانیاً کفاره معصیت است و اینکه جزای نقدی قرار داده اند در راپورت کمیسیون اگر بگوئید از طرف شارع است که چنین چیزی نیست نمیدانم بچه چیزی قرار داده اند وحقیقتاً از طرف شارع نیست واگر ما خودمان میخواهیم قراری بدهیم قراری که ما خودمان میخواهیم بدهیم اگر بگوئیم از آن چیزی که میگیرند آن عیب ندارد باین شرط که نمیگیرند یا اینکه مستحق نیست یك کاری میکنند که آن پولی که باید ببرد نبرد واین همچه مسئله هم نیست الا اینکه بخواهیم باین جزای نقدی دستی چیز بدهیم بهیچوجه از برای او مجوز شرعی نمیتوانیم پیدا بکنیم مگر اینکه درضمن عقد خارج لازمی آن عیب ندارد اما این ربطی بعیثیت جزای نقدی ندارد ولیکن وقتی که در اینجا نوشته شده است که پس از قرار اجرت وتسامح در کار محکوم بیك جزای نقدی بشود که از آن حق العمل یا حق الجعاله اش بخواهند چیزی کسر بکنند آن ضرری ندارد بجهت اینکه شرعاً مستحق این اجرت است و حق الجعاله است وشرط میکنند که از او کسر شود و اگرچه شرعاً استحقاق ندارد چنانچه ظاهر است که غالباً عمل نمیکنند و مستحق چیزی نیستند بنده یك شرطی میکنم که هیچ در مقابل هیچ این را بنده نمی فهمم وضمان مالم یجب درشرع ما نیست .

رئیس — مذاکرات در اینماده کافی است ولی عده برای اینکه بتوانیم رأی بگیریم کافی نیست اگر لازم میدانید مذاکره بشود بفرمائید .

وکیل التجار — بنده فقط میخواستم عرض بکنم که این مبحثی است که داخل شدن در آن بیمحل است اما یکچیزی بود که زیادی بود میخواستیم بر داریم برداشتیم وهمان طوری که گفته شد وقتی که ما میخواهیم یك کاری را بیك کسی واگذار بکنیم شرط بکنیم که این مطلب را اگر بآن شرایط انجام ندهد آن حقوق را باو ندهیم و کسر بکنیم این هیچ جایش عیب ندارد میتوانیم آن حقوق را از او پس بگیریم وباو حقوق ندهیم این غیر از این است که از او پس بگیریم حالا هیچ اینمذاکرات راجع باینماده نیست مبحث دیگری است ومسئله ایست که خیلی اهمیت ندارد این ربطی باینماده ندارد .

رئیس — بنده آقا نظرم این است که این یك مبحثی است که باید در آن مذاکره شود اما در این مجلس خیر بواسطه اینکه در این مجلس میخواهیم در اینماده ای که پیشنهاد شده است در این مذاکره شود از دائره این ماده خارج نشویم ولی آن مسئله که می فرمائید در باب شرط یك مسئله ایست مهم باید خیلی گفتگو بشود ویك قرار اساسی باید در آن داده شود ولی با رعایت قوانین شرع آن یك مسئله است علاحده واین مسئله و این موضوع چنانچه خدمت حضرت عالی عرض کردم از این ماده خارج است و در موقعی که آقای حاج سید ابراهیم نطق می کردند عرض کردم مذاکره در این ماده کافی است پس حالا در این ماده مذاکره کافی است لکن چون نمی توانیم رأی بگیریم میگذاریم تا عده کافی شود پس حالا ماده صدوچهل خوانده میشود

ماده ۱۴۰ - مقرری اعضاء دیوان محاسبات و دفتر دار کل ومدعی العموم بقرار ذیل است رئیس کل یکماهه ۱۸۰۰ قران - رؤسای محاکم ومدعی العموم نفری یك ماهه - ۱۳۰۰ قران - مستشاران کل یك ماهه ۱۰۰۰ قران - ممیزین یکماهه ۸۰۰ قران

افتخار الواعظین — بنده آن روز هم عرض کردم و امروز هم عرض میکنم و بر عقیده خودم ثابتم اگرچه در مبلغ دویست تومان رای گرفته شد ورد شد این را می دانیم و معهذا عرض می کنم که خوب است وقتی که مجلس شورای ملی از برای هر کس حقوق منظور می دارد نمایندگان ملاحظه وظایف و تکالیف او را هم بفرمایند و در مقابل آن وظایف و آن تکالیف که از برای او معین می شود حقوق معین بفرمایند اگر چنانچه واقعاً آنچه در دیوان محاسبات نوشته شده است و مانصوب کرده ایم اجرای این وظایف را از این اعضاء کاملا می خواهیم ومنتظریم که تمام عایدات و تمام مصارف مملکت باترتیب قانونی وارد محاسبه ورسیدگی آنها بگذرد باز بنده عرض میکنم که از برای کسی که از عهده اداء این وظایف بر آید که اسمش رئیس دیوان محاسبات خواهد بود وباید ۲۶ کرور مالیات ایران را رسیدگی کند بنده برای او در طهران با معاش امروزه مبلغ صد و هشتاد تومان حقوق را کم می دانم و عرض میکنم از برای اشخاصی که در وزارتخانه ها مواجبی قرار میدهند بنده باشخاص کار ندارم بمقام مدیریت یا مقام دیگری از مقام اعضاء وزارت خانه ها کار دارم و عرض میکنم از برای کسانیکه وظایف وتکالیف آنها خیلی از رئیس دیوان محاسبات کمتر است ما دویست ودویست و پنجاه و سیصد تومان حقوق می دهیم وسراغ دارم بعضی از معاونین وزارت خانه ها را که ماهی سیصد تومان حقوق دارند ودر مقابل این وظایف از برای رئیس دیوان محاسبات بنده یکصدوهشتاد تومان را کم می دانم.

حاج سید ابراهیم — بنده مخالفم اولا هیچ معاونی در وزارتخانه ها سیصد تومان حقوق ندارد و دویست وپنجاه تومان هم ندارد اگر می فرمائید در بودجه نوشته است بودجه که آمد دویست تومان هم مشکل است تصویب کنند نمی کنند برای اینکه بر آورد بودجه را می دانند و اما درباب این ماده بعنوان قانونی باشد که بگوئیم رئیس دیوان محاسبات مطابق بارئیس اول محکمه است عرض می کنم که این را خوبست رأی بگیریم که یقین شود پولش هم چقدر است بنده عرض میکنم که پس از اینکه بودجه بمجلس بیاید و ترتیب بودجه وزارتخانه ها را دیدیم یك شکل است یا ان مختلف خواهد شد و اگر اینطور باشد ما مجبور خواهیم شد باینکه بودجه وزارتخانه ها را خیلی مختلف وضع بکنیم یکجا رئیس وزارتخانه صد تومان یکجا هشتاد تومان وضع بکنیم پس اگر بآن شکل باشد و تعیین مقام کرده باشد نباید تعیین پول کرده باشد اما چون تعیین پول کرده است باید نظرات وزارت مالیه که اطلاع از خرج و دخل دارد باید حاضر باشد وباید مسبوق باشیم که بدانیم این حقوق از چه حدی است علاوه براین درباره مدعی العموم که نوشته است ۱۲۰۰ قران بعقیده بنده باعتبار بودجه مملکتی زیاد است در فقره اول هم عرض می کنم یکصدوهشتاد تومان وملاحظه کنید که با این ترتیب هیچ بودجه مرتب نخواهد شد .

رئیس - در ماده اول صحبت کنید .

حاج شیخ الرئیس — اگر چه در جلسه سابقه عقیده خودمرا عرض کردم باز هم ناگزیرم

www.iran-archive.com

که همان مقصود را بیك تعبیر دیگر از قبیل ایراد معنی واحد بطرق مختلفه بیان کنیم عرض می‌کنم این نظریکه بعضی از نمایندگان محترم دارند در بودجه و ملاحظه جمع وخرج یك نظر اساسی است ولی باید خاطر محترم آقایان را معطوف باین وجه هم بکنم که علت الغائی وآن نظریکه مجلس را وادار کرده است براین که یك چنین دیوان محاسباتی ترتیب و تشکیل بدهند برای همین نکته است که منظور نظر بعضی از نمایندگان است بنده عرض می کنم اگر آن ونتیجه آنعلت غائی که اول الفکر است و آخر العمل که منتظرند از این دیوان محاسبات عاید شود برای مملکت آنوقت آن نظری که این نماینده محترم دارد و آنوقت تصویب کرد و رای داد بکلی از نظرشان محو می‌شود زیرا که نتیجه تأسیس این دیوان محاسبات برای همین است که آنجمع و خرج و هرج و مرج سابق برود و یك جمع و خرج لاحق بیاید و تمام محاسبات و مطالبات دیوان چه از دائنین دولت چه از مدیونین از جمع و خرج بیاید و دیگر پارهٔ حقوق درعهده تعویق نماند و پاره بقایا در ولایات نداشته باشیم و بنده گمان می کنم که اگر رئیس را طوری حالا بنده دیگر آن پیشنهاد آقای افتخار الواعظین را نمی‌توانم تعقیب بکنم اگرچه تصویب می کنم ولی همین تأسیسی که از طرف کمیسیون بمجلس پیشنهاد شده است خیلی صحیح است و گمان می کنم که همانطور که آقای مخبر بیان فرمودند که آن رئیس دیوان محاسباتی که بماهی ۱۲۰ تومان ۵۰۰ تومان و یا ۶۰۰ تومان داخل این عمل بشود اعتماد باو نخواهم کرد و آن نتیجه که مقصود و منظور مجلس مقدس شورای ملی است بدست نمی آید و این شعر را می‌خوانم .

بدزدی زنعمت بدزدم زخدمت
چه برکت بود در میان در سارق

معین الرعایا - عرض می‌کنم نمایندگان محترم همیشه باید در حقوق اعضاء ادارات سعی و کوشش نمایند که حقوق کافی بآنها بدهند در بین اشخاصی که در ادارات مستخدمند گمان می کنم اشخاصی پیدا شود که امور معاشیه آنها مختل باشد و نتوانند از عهده این خدمت وکار بطور صحت برآید و برای ریاست دیوان محاسبات شخص پسندیده از طرف مجلس معین خواهد شد و کار او هم کار مهمی است بنده موافقم با راپورت کمیسیون و ۱۸۰ تومان را بند زیاد نمی‌دانم و پیشنهاد کمیسیون را تصویب می کنم

حاج وکیل الرعایا - بعد از اینکه مرقوم فرمائید که این تصدیق بشود و یك چیز اضافه است که باید باو داد بنده عرض میکنم کسیکه بتواند تشخیص عایدات و مصارف مملکت را بدهد بکمتر از ماهی ۱۸۰ تومان نمی تواند معاش بکند واین چیز زیادی نیست .

آقا میرزا ابراهیم قمی - میخواهم عرض کنم خرج را باید مقابل دخل کرد اینکه اینجا هست این کم نیست بلکه بجای دیگر زیاد می‌دهند و بنده پیشنهاد می کنم که ماهی صد و پنجاه تومان بدهند .

آقا میرزا اسدالله خان - بنده آن روزیکه آقایان این مسئله مواجب رئیس دیوان محاسبات وارد کردند خیلی تعجب کردم دویست تومان پیشنهاد شد رد شد صد و پنجاه تومان پیشنهاد شد رد شد صد و بیست تومان پیشنهاد شد رد شد حالا که صد و هشتاد تومان پیشنهاد شده است بعضی‌ها زیاد میدانند گویا عده شان بیشتر باشد ولی مجبورم این مسئله را اینجا بگویم که بعد از این در این گونه مسائل سخت نشوند غالب اشخاص در این مملکت برای اینکه بارتفاع کار نمی رسند کار را میخواهند بارتفاع بیاورند یعنی کار را اندازه می گیرند ووقتی که شما گفتید یك رئیس دیوان محاسباتی که رسیدگی بکند بمحاسبات تمام وزارت خانه‌ها یعنی تمام مسئولیتها بلکه بالاتر از یك وزیر مسئولی است درمقابل تمام ملت که ملت یکنفر را انتخاب میکند که بمالیه او از دخل وخرج برسد و آنوقت می آیند در یك مملکتی که خودتان در آن زندگانی میکنید وازصبح تا غروب می گوئید برای شما کار بکنند درصورتی که شما میدانید خارج مملکت شما چقدر است و تمام مسئولیتها را بعهده بگیرد و از برای شما دیوان محاسبات را اداره کند واز برای آن جای هیچ تاخت و تازی نگذارند که اگر یك دینار تخلف در حساب ها باشد مسئول تمام ملت هست و باید بدار زده شود این پیش بینی را بنده حالا از اینجا میکنم روزیکه ما میخواهیم انتخاب بکنیم رئیس دیوان محاسبات را درمد نظر خواهیم داشت که یك کسی را که با صد و هشتاد تومان بتواند اداره کند بیاوریم بالطبع کسیکه خدمت خودش را باین ارزانی فروخت آن شخص عالم وبصیر نیست یك دکتری که خوب باشد میگوید شش تومان میگیرم ومیآیم خانه شما برای اینکه میدانید که این شخص شخصی است باعلم وبصیرت و وقت خودش را باقیمت میداند وسامتی پنجتومان میگیرد و آن کس که اطلاعات ندارد باکمال میل با پنجهزار پیاده هم حاضر است بیاید بسر مریض ولی آن مریض آیا چطور از زیردست او بیرون خواهد آمد دیگر آنرا واگذار میکنم بوجدان آقایان این نقطه نظر را از دست ندهیم که این شخصی را که میگوئیم بیاوریم واینکار را بدست او بدهیم وبا و بگوئیم که شما مسئول تمام آحاد قرانها هستید ووقتی که یکی از آن قرانها بدتفتیش شد شما را بدار خواهیم زد شما را مسئول خواهیم دانست شما را در نزد این ملت بد معرفی خواهیم کرد باید بیك چنین شخصی لااقل اینقدر داد که این بدبخت بتواند درست کار بکند و بنده این صد و هشتاد تومان را که پیشنهاد شده است برئیس دیوان محاسبات بدهند هیچ کافی نمیدانم وبرای اینکه دویست تومان آن روز رد شده است بنده پیشنهاد میکنم ۱۹۵ تومان باین بیچاره رئیس دیوان محاسبات بدهند و تصویب بشود برای اینکه این رئیس که شما میخواهید زحمت او باندازه یك وزیر است اقلا باندازه یك معاون بگیرد بنده ثابت میکنم که یك رئیس دیوان محاسبات بقدر پنج معاون وزیر کار دارد و کار تمام وزارتخانه‌ها را بعهده میگیرد در اینجا استدعا میکنم که اشخاص را بارتفاع کار نیاورید کار را باتفاع اشخاص بیاورید .

حاجی سید ابراهیم - بنده مخالفم و عرض میکنم این فرمایشی را که فرمودند صحیح و جهاتیکه فرمودند اگر ما داشته باشیم خیلی خوب است البته باید یا نصد تومان بدهیم که از همه جهات آسوده باشیم ولی اولا پیشنهادی از وزارت مالیه نیامده که بمناسبت مالیات مملکت ببینیم چقدر میتواند تصویب کند یا اقلا نظر بودجه باین باشد که به‌بینند نمیتواند بعد از آنکه بودجه آمد و تصویب شد ببینیم چقدر کسر خواهیم آورد واینکه آقای آقامیرزا اسدالله خان فرمودند از حیثیتش صحیح است ولی از این حیث که نظر وزارت مالیه همراه او است نه نظر کمیسیون بودجه باین واسطه بنده ابداً تصویب کردن این را صحیح نمیدانم ولو کمتر ولو بیشتر باشد بلی اگر مقام را ملاحظه بکنند و اینطور باشد قانوناً اینجا تصدیق میکنم که فقره اول رئیس محکمه باشد را بنده تصدیق میکنم و اینجا رای میدهم و لو ما بعد از آمدن بودجه یا نصد تومان تعیین بکنیم ولی حالا که نظر وزارت مالیه ونظر کمیسیون قوانین مالیه در اینجا نیست نمیتوانم رای بدهم .

فهیم الملك - بنده از آقای حاج سید ابراهیم استدعا میکنم بیش از این آبروی دولت را نبرند می‌میگویند دولت فقیر است دولت بیچاره است این قانون از ابتدا تا انتها که ۱۴۵ ماده است خوانده شد و حضرتعالی در تمام آنها اظهارات کردید و هیچ تصور میکنم که هیچ ملاحظه تکلیفات او را نفرمودید شرحی آقامیرزا اسدالله خان فرمودند که یك همچو آدمی باین تکالیف که باید از تمام وزارتخانه‌ها حساب پس بگیرد تکالیف زیاد دارد یعنی باندازه یك وزیر است فقط مسئولیت مجلس را ندارد ولی در همه جا نظر دارد اگر وزیر در یك اداره نظر باید داشته باشد این آدم باید در تمام ادارات نظر داشته باشد با ملاحظات بودجه وصرفه دولت دویست و هشتاد تومان مواجب معین کرده‌ایم و الا این مواجب او نخواهد بود تمام چیزها را نباید گفت که دولت ندارد معلوم است وقتی که دولت کارهای اساسیش محکم شد و قوانینش مرتب شد یك استقراض بزرگی میکند برای اینکه کار را راه بیندازد پس او را نباید همچه دلیل آورد دلیل آن توقعی را که از او خواهیم داشت باید آورد .

رئیس - در این فقره اول این ماده مذاکره بقدر کفایت شد و از طرف آقای کردستانی هم یك پیشنهادی شده است و باید رای بگیریم ولی چون عده کافی نیست برای رای این ماده و پیشنهاد را میگذاریم برای اینکه وقتیکه عده کافی شد رای بگیریم حالا از برای رؤسا که محاکم از برای هر یك از آنها (۱۲۰ تومان) معین شده است در این فقره دویم خواهش میکنم مذاکره بفرمائید عده که کافی نشده است بجهة این است که یك عده در خارج کار داشته‌اند و فرستاده‌اند که می آئیم .

افتخار الواعظین - بنده دیگر عرایض سابقم را مکرر نمیکنم فقط یك کلمه اینجا عرض میکنم وبعد کتبا پیشنهاد خواهم کرد اگر دولت بیاید تمام مصارف و مخارجات خودش را ملاحظه کند باید کارهای خودش را ملاحظه کند وبعد از مرتب شدن کارهای دولت آن وقت ادارهٔ دولت مرتب خواهد شد علت اینکه امروز دولت عایدات ندارد اینست که

دولت ادارات نداشته است علت اینکه عایدات مرتب نداشته است این است که یکی از ادارات قانونی دیوان محاسبات را که نظارت در مالیه دولت بکند نداشته است اگر دولت دیوان محاسبات صحیحی داشت که عایدات در تحت تفتیش بیرون میآمد بنده قائلم که این عایدات دولت هم زیاد خواهد شد و دول متمدنه هم هیچوقت ملاحظه حقوق را نمیکنند ملاحظه کار را میکنند استقراض میکنند که کار صحیح باشد اینجهام من پیشنهاد می کنم که از برای رؤساء محاکم و مدعی العموم اقلش یك صد و چهل تومان تصویب شود .

رئیس - اینجا یك تفاوتی هست میانه یك دولت ویك خانواده درمسئله بودجه همیشه این یك هیئت خانواده باید ببیند که عایداتش چه چیز است تا اینکه شما دخل را تطبیق بکنید با عایدات این در بودجهٔ خانواده است لکن در بودجه دولتی همیشه باید ببینید مخارجش چیست وبعد عایدات را مقابل بکنید با مخارج این نظر را باید همیشه در بودجه دولتی داشته باشید .

آقا شیخ ابراهیم - اینجا مدعی العموم را با رؤسای محاکم مساوی کردن هیچ صحیح نیست همیشه مدعی العموم با رئیس اول مساوی است مدعی العموم باید با رئیس اول مساوی باشد هر چه باشد استیناف و تمیز در تمام اینها همینطور است اینهم باید اینطور باشد .

حاج آقا - بنده چون در آنماده موافق بودم با آقایان عرض کردم و در این ماده هم باز می‌خواهم همین قدر عرض بکنم که آقایان اعضاء کمیسیون بودجه هم تصور نکنند که بمجرد اینکه این مطلب از این مجلس گذشت دیگر میزانیت تعادل بودجه مملکت از دست می‌رود و دیگر بودجه هیچ نمی‌تواند تعادل پیدا کند مگر اینکه در کمیسیون بودجه رفته باشد و حال آنکه بودجه و چیز هائی که در کمیسیون بودجه است در ادارات هیچ وقت نظریاتی ندارد که دیوان محاسبات یا رؤسای اعضای دیوان محاسبات چقدر دارند برای این که منتظرند اختصاص پیدا کند تصور میکنم که تمام اعضای مجلس یك نظر بودجه‌ای دارند و تمام ملتفت بودجه هستید و اشخاصی که در وزارتخانه‌ها دارند امروز باین طور مواجب میگیرند و می‌برند آنطوریکه آقای افتخار الواعظین فرمودند می‌خواستم عرض بکنم ابداً این‌ها بتصویب مجلس نیست و ما نداده‌ایم و نمی‌دهیم و در مقام بودجه بنده نظرات خود را خواهم گفت و در مقام معاون هم خصوصا مثل این معاونینی که امروزه ما داریم که صد تومان ابداً برای او بیشتر تصویب نخواهیم کرد همچنین سایر اجزائی که در ادارات هستند و بعضی که نظرات بودجه‌ای دارند یك رئیس دیوان محاسباتی که ما میخواهیم شاید در این مملکت از آن نقطه نظری که ما داریم یکی دو نفر باشد اگر این مواجب برایش کافی نباشد هرگز قبول نخواهد کرد یك کاردیگری می کند که مداخلش هم باندازه زندگانیش باشد باید این ملاحظات را بکنند وبعد فرمایشات خودشان را بنمایند معاون ما خیلی داریم عرض کردم خصوص معاونین امروزه لکن دیوان محاسبات که این کارها را ما از آنها می‌خواهیم شاید منحصر بدو سه نفر چهار نفر پنج نفر بیشتر نباشد .

حاجی شیخ الرئیس - بنده بهمان نظر بودجه‌ای که ملاحظه جمع وخرج است عرض می کنم درضمن یك مثلی حالا اگر یك معدن طلائی خیلی سهل الخروج کسی در جائی سراغ داشته باشد و بدولت پیشنهاد کند که دوهزار تومان ده هزار تومان بمن بدهید که آن معدن طلا را بیرون بیاورم و تسلیم کنم درحالی که بدانیم که درحد توانائی مانیست و از فکر ناقص نیست محقق الوقوع است آنوقت این ده هزار تومان را استقراض کنند اسنعانه کنند واین را بدهند و این تصور را بکنند که این ده هزار تومان را با حالت حالیه وقلت مالیه چطور ما تصویب بکنیم زیرا که این ده هزار تومان رفت صد هزار تومان می آورد با کمال افتخار و امیدواری عرض می‌کنم که این دیوان محاسبات بطوریکه باید اگر تشکیل شود ما نمی‌توانیم بگوئیم که این مبلغ زیاد است بلکه صد کرور هم باید انشاءالله عایدات مملکت ما بیشتر باشد وبنظر بودجه بنده تصویب می کنم که باید همین مقررات را در حق اشخاص بطوریکه تصویب کرده است تصویب کرد .

النظام الحکماء - بنده عرض می‌کنم تا حقوق رئیس را معین نکنیم ما نمی توانیم حقوق برای مرئوس معین کنیم زیرا او باید بتناسب رئیس باشد تا او معین نشود نمی توانیم رای بدهیم

رئیس - در این ماده هم مذاکره کافی است ولی بازهم نمی‌توانیم رای بگیریم آقای افتخار الواعظین هم یك پیشنهادی کرده‌اند در فقره مستشار ودفتردار کل خوب است اگر مذاکره لازم است بفرمائید .

حاج سید ابراهیم - بنده اگر تنها در عقیده خود باشم باید بگویم که حق خود را اداء کنم بنده عرض می کنم اگر ماهزار تومان عایدی داشته باشیم باید از هزار تومان نهصد ونود و نه تومانش را خرج امنیت وآسایش مملکت بکنیم نباید بگوئیم که طرز معیشت چطور میشود پس باید تهیه کنیم ما نیامده ایم که ملاحظه تجملات و تعینات اشخاص را بکنیم که امتیاز نوع بشر از یکدیگر امتیاز فصلی است نه تجملی نه این است که باید ملاحظه کرد که بنده اگر ملاحظه تجملم را بکنم باید ماهی هزار تومان فراهم بیاورم ودر آن وقت اگر ملاحظه من را بکنند بگویند که ماهی نهصد تومان کم است ما اگر ملاحظه داریم باید ملاحظه این فراشها و پیشخدمت ها که ماهی ٤ تومان دارند بکنیم و از رؤسا واز این جا ماهی دویست تومان سیصد تومان چهارصد تومان ها کم بکنیم وحقوق این فراشها که بماهی ده تومان ۹ تومان تصویب می کنیم آنها هم زن دارند بچه دارند خرج دارند باید از اینها کسر کرد وبر آن ها افزود واگر ملاحظه داریم نسبت بآن موارد باشد وحال آنکه بنده می‌بینم که برای آنها هم موردی باقی نمانده است اگر نظر باطراف بیندازیم باید تمام مالیه دولت را صرف نظام و تهیه اردو وسایر ترتیبات بکنیم که هنوز ما یك اداره صحیحی نداریم می فرمایند ۲۶ کرور بودجه بنده عرض می کنم بیست وشش کرور درجیب شما نخواهد آمد که بدانید بیست وشش کرور وصول می کند این ۲۶ کرور دوازده کرورش از مالیات غیر مستقیم است بطور قطع عرض می کنم تاحالا چند کرورش وصول نشده است وباید پول از اینجا بفرستند که وصول شود شاید می‌توان گفت از دوازده کرور مالیات غیر مستقیم پنج کرورش وصول نشده است و همچنین نسبت بمصارفات دیگر واقسام مالیات دیگر در این جا تکرار می کنم که مقام و مرتبه را باید معین کرد نباید گفت که ماهی دویست یصد یا چهارصد تومان مقدار پواش راهرچه باشد باید معین کرد اگرچه آقای رئیس هم فرمودند که اول باید خرج را معین بکنیم بنده عرض می کنم خیر این طور نیست وقتی که ما مملکت را درست و از شر دزدها آسوده کردیم آن وقت می‌توانیم اینطور کارها را بکنیم ولی امروزه بنده عرض میکنم که سی کرور اگر برای انتظام و امنیت سرحدات بخواهند خرج بکنند کم است وصد تومان برای رؤساء محاکم ومدعی العموم زیاد است چه فرق میکند رئیس محکمه باسر افراد بشر در معیشت جز اینکه تجملات مصنوعی بخودش بسته هیچ فرق ندارد واهم مثل سایرین زن دارد بچه دارد این ترتیب را بنده عرض میکنم هیچوقت مجانی نخواهد رسید وهیچ بودجه‌ای کفایت نخواهد کرد وهیچ موافق عدالت ومساوات نیست .

فهیم الملك - یك جمله فرمایش آقای حاجی سید ابراهیم را میخواهم توضیح کنم که از این قراری که آقای حاجی سید ابراهیم می‌فرمایند ۱۰ اگر دولت هزار تومان عایدی داشته باشد باید ۹۹۹ تومان آن را خرج امنیت کند یك کسی هم میخواهد که حساب آنرا نگاه دارد وبداند چطور خرج میشود ونگذاریم کم وزیاد شود اینطوری که شما می‌فرمائید تمامش را باید از همان جائی که گرفته میشود در همانجا خرج بشود این سی کروری را که می‌فرمائید محاسبینی لازم دارد باید رسیدگی کنند و ملتفت شوند و بدانند که این پول بمصرف خودش رسیده است یا نرسیده است اگر این پول لازم است که باین مصارف برسد محاسبینی هم لازم وتفتیش هم لازم است اینها خرج لازم دارد واینکه فرمودید که باید مقامشان معین شود از برای اینها نمیشود مقام معین کرد در جلسه سابق هم مذاکره شد که چون این‌ها یك مدت معدود در سر کارهستند نمی‌توان برایشان مقام معین کرد واینها را هیچ نمی‌توان تطبیق کرد با اشخاصی که دائماً در ادارات هستند اینها ارتقاء درجه واضافه حقوق پیدا نخواهند کرد و یك مواجب ثابت معینی دارند این هم که در ماده قانونی نوشته میشود بهمین ملاحظه است که چشمشان بطرف وزارت مالیه یا ادارات دیگر نباشد که بگویند یك تفاوت حقوقی بآنها بدهند مسلم است که دیگر هیچ تفاوت حقوقی در این مدت خدمت برای آنها حاصل نخواهد شد اینست که نمیشود مقام برای آنها معین کرد .

www.iran-archive.com